

(نگاہ، پوشش و رابطہ)

حجاب

از دیدگاه قرآن و عترت

حضرت آیۃ اللہ حیدر ترقیبی کربلائی

حجاب

(نگاه ، پوشش و روابط)

از دیدگاه

قرآن و عترت

حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

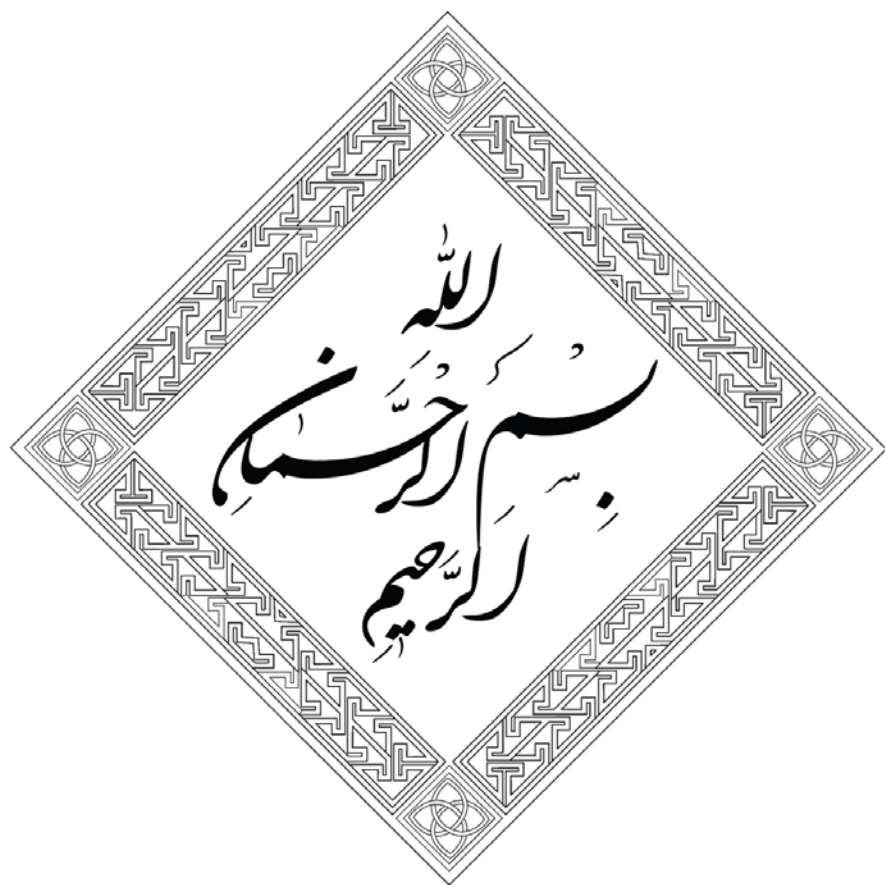
سرشناسه: حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت
نام پدیدآورنده: حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلایی
تایپ و ویرایش: محدّثه تربتی
طرح جلد: محدّثه تربتی

رایانامه: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه: Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۷۰۰۴۶۱۲

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است



فهرست مطالب

مقدمات

- ۹
آنان که امر هدایت‌گری بر عهده دارند
۱۴
و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...
۱۵
در این واویلاي گناه چه کنیم؟
۱۷
و حجاب، بسم ربّ الزّهراء عليها السلام
۱۸

حجاب از دیدگاه قرآن کریم

- ۲۵
آیه یکم:
۳۱
آیه دوم:
آیه سوم:
۳۸
آیه چهارم:
آیه پنجم:
آیه ششم:
۳۹
آیه هفتم:

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

- ۴۳
بهشت سزای ...
۴۶
هر عضوی را بهره ای از...
دستان پاکش، پاک‌تر از آن بود که ...
۴۸
پیمان بر عفاف

- ۴۹ نهی نبوی
- ۵۱ از وصایای پدر اقامت
پدرت آمرزیده شد
- ۵۲ زنان ...
- ۵۴ حجاب حضرت فاطمه علیها السلام
- ۵۵ آن جا که جگرگوشه زهراء علیهما السلام بیرون می آید ...
- ۵۶ بهترین زن
بدترین زن
تشبّه به جنس مخالف و ...
- ۶۰ پوشش دشمنان حق
- ۶۱ بیش از پنج کلمه؟! ...
گفتار با نامحرم
- ۶۲ سلام به ...
گوهر در حراج
بهترین برای زن؟ ...
- ۶۴ آن جا که زن به خدا نزدیکتر است ...
- ۶۲ حفظ با حجاب
حجابِ ناتمام ...
حتّی از زنان ...
- ۶۷ در احرام هم ...
- ۷۰ نظر به بانوان نامسلمان و ...
- ۷۱ پوشش بانوان در برابر خواستگاران
در خانه بیگانه
بیگانه در خانه
شیطان سؤمین آن ها ...
- ۷۳ خداوند نمی پذیرد ...

شایسته نیست زن لباسش را ...

آرایش کرده ...

من او را می بینم ...

۷۴ شما که ... می بینید!

۷۵ چشمان گریان، مگر ...

با حوریان

روحي پاک، خاطري آرام

۷۶ تیرزهرآلود شیطان

۷۸ حدّ نگاه

۷۹ ایمان چشم‌ها

۸۰ ... در پی ناموس کسان ...

عبور از کنار

زنان از پشت سر

۸۱ دنبال شیر پروا ما ...

تا سرد شود

۸۲ هیجان شهوت

کیفر زنان ...

۸۵ خشم امام

۸۶ حشربا ... منافقین

۸۷ از نشانه‌های آخرالزمان

۹۲ پیشنهاد و خاتمه

۹۴ کتاب‌نامه

۱۰۱ پی‌نوشت‌ها

مقدمات

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وأفضل الصلوات والتحيات على محمد وآله الطيبين الطاهرين،
ولعنة الله على أعدائهم و ظالميهـم، و غاصبي حقوقهم و مخالفيهـم، و منكري فضائلهم
و مناقبهم، و مدعي شئونهـم و مراتبهم، و الراضين بذلك من الأولين و الآخرين.

الله تعالى می فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ...»!

بگو (ای پیامبر)! همانا شما را به یک چیز پند می دهم، این که برای الله دوتا دوتا و تک
تک بپاخیزید

الله تعالى انسان را خلق نمود و خود آگاه است که طبیعت واقعی انسان به چه چیز گرایش دارد و
پاسخ صحیح به این گرایش ها کدام است. و این از لطف او بود که پاسخ به این نیازها را در
قالبی به نام دین نهاد تا بشربداند، آنچه را باید بداند.

آنچه با نام ارزش های معنوی تلقی می شود، فقط یک گفتار نیست، سیره ای است که در کلام
خلاصه شده و با جاری شدن آن در جامعه پرتوهای هدایت تابش می گیرند و راه را روشن
می کنند. راهی که برای پیمودن آن آمده ایم. راهی که انتهای آن مردی است از تبار نور، مردی
راست قامت و مهربان، که همه ما روزی باید پاسخگوی او باشیم.

روزی باید ببینیم چطور جواب محبت‌های او را داده و چه به درگاهش می‌بریم.^۲

دانستن این موضوع که نافرمانی از آنچه تحت عنوان وحی از آن یاد می‌شود، چه تبعات و آثاری را به دنبال دارد، بسیار مهم است. زیرا از این جاست که پی می‌بریم خداوند نیازی به من و ما ندارد و خود قادر مطلق است و اگر فرمان او را بر دیده نهیم، رستگار خواهیم بود و چنانچه نافرمانی او را سرلوحه رفتار کنیم، خود و خانواده و جامعه خود را درگیر آثار زیانبار این نافرمانی کرده‌ایم. آنچه امروزه شاهد آن هستیم، چیزی جز ندانستن، رسیدگی نکردن یا لجبازی بدون علم، نیست؛ لجاجتی که به دنبال ناآگاهی از سیمای واقعی وحی به وجود آمده. و این من و ما هستیم که باید به آنان که نمی‌دانند، بگوییم تا بدانند و به آنان که گوشزد نمی‌کنند، بگوییم تا آگاه باشند و به آنان که سیمای واقعی وحی را ندیده‌اند، نشان دهیم آنچه را که می‌توان دید و همه به هم کمک کنیم تا رنگ‌ها عوض شوند و سمت و سوها، یک جهت واحد بگیرند و به درستی که این جهت همان است که خداوند تعیین فرموده، همان که خداوند خود فرمود تبعیتش کنید تا رستگار شوید؛ راه مردی که گناهان من قلبش را به درد می‌آورد و اشک را از چشمانش جاری می‌سازد.

امام عزیزی که شاید هرگز او را ندیده باشیم ولی قلب‌هایمان را صاحب است.

امروز آنچه ما را از واقعیت دین دور می‌کند «توجیه گناه» و «تفسیر»هایی است که شیطان می‌پسندد، اما خدا آن را قصد ننموده، هوس‌های آلوده آن را زیبا می‌بینند، اما قلب امام عزیزمان را به درد می‌آورد.

شیطان هر زمان حربه‌ای جدید می‌سازد و هر روز به شکلی در می‌آید.

باید دانست که او از کار نمی‌نشیند و می‌خواهد آخرین تلاش خود را برای گمراه نمودن انسان، به کاربندد. دنیای اوصحنه نمایشی است که امروزه با بیان لغات و بازی با الفاظ آن را اجرا می‌کند. و می‌بینیم در این زمان، که سخن از فکر روشن و روشنفکری است، از این راه به دل‌های پاک جوانان نفوذ کرده و آنان را غافل می‌نماید و گمراه می‌کند و سپس برای این که آنان را از

سرزنش‌های نفس لَوّامه یا همان وجدان برهاند، گناهان را برایشان «توجیه» می‌کند ... و این جا است که دیگر تصوّرش را هم نمی‌توان کرد که جامعه به چه شکلی درخواهد آمد؟ آیا دیگر حتی می‌تواند لباس زیبای لفظ را که خود سرپوش گناهِش قرار داده، درآورد و زشتی گناه را ببیند و باور کند؟ دیگر حربه‌ای جدید به میدان آمده، که نام آن را «دلیل» می‌گذارد، در حالی که واقعیّت آن را نمی‌بیند و نمی‌داند «دلیل» را جایگزین «توجیه» کرده و مصمّم ادامه می‌دهد...، تا نا کجا آباد

روی سخن با همه ماست، همه ما، کسانی که خود را پیرو مکتب علوی می‌دانند، آنان که قرآن را در میان دست‌های خود می‌گیرند و تلاوت می‌کنند و می‌خواهند عمل کنند، امّا ... شاید راه را گم کرده‌اند.

اصل مسلم این است که خداوند متعال، آفریدگار مهربان جهان، آنچه را پاک است و سودمند، حلال و آنچه را ناپاک است و برای حیات مادّی و معنوی بشر زیان‌بار، حرام نموده است. و این یکی از الطاف اوست. همچنان که در قرآن کریم فرموده است:

«وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ».^۵

و خداوند برای ایشان آنچه را پاک باشد، حلال و آنچه را ناپاک باشد، حرام نمود.

او پیامبران الهی و جانشینان آنان را برای بیان حلال و حرام فرستاد و به وسیله متابعت از فرمان ایشان، پاک را از ناپاک جدا می‌کند: «لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»،^۶ و خدا با لطفی که در حقّ ما روا داشته، راه را به وسیله ایشان نمایان می‌سازد. قرآن را می‌فرستد تا هدایت باشد و اهل بیت اطهار علیهم السّلام را می‌فرستد تا معنای این هدایت را بیان کنند.

و ابلاغ را به پیامبر امر می‌فرماید تا کسی نگوید نمی‌دانستم یا نفهمیدم.^۷

او برای دانستن و فهمیدن تک تک ما، راهی گذاشته است، و آن را به لطف خود با چهارده خورشید و ماه و ستاره آذین بسته تا همه راه را ببینند و بخواهند تا هدایت شوند ...^۸.

فضای نفس کشیدن ما باید پاک باشد تا بتوانیم نفس بکشیم، غذایی که می‌خوریم باید پاکیزه باشد تا با خوردن آن بیمار نشویم، برای استراحت و رفع خستگی نیاز به محیطی آرام برای تسکین روح داریم، براستی! چرا راهی را نپیماییم که همانا همه خوردن و خوابیدن‌ها و نفس کشیدن‌ها را برای پیمودن آن خلق کرده‌اند؟!

ما آمده‌ایم تا بمانیم.^۹

از این روست آن‌جا که می‌بینیم گناهی رخ می‌دهد، گویا نفس کشیدن - که مایه و لازمه تداوم حیات ماست - برایمان عذاب آور است، و گویا احساسمان می‌گوید: سینه‌ام برای تحمل این عذاب تنگ می‌آید ... و می‌خواهیم هرطور شده خود را خلاص کنیم.

پس بیایید همه با هم تلاش کنیم تا خود، خانواده و اجتماعمان را پاک نگه داریم، بیایید به هم کمک کنیم تا بتوانیم فضای کشور اهل بیت اطهار علیهم‌السلام، ایران عزیز را از آلودگی‌های اخلاقی پاک کنیم و همان شویم که او می‌خواهد ...^{۱۰}

گناهانی چون بی‌حجابی، ربا، شطرنج و موسیقی از جمله گناهانی هستند که بسترانجام بسیاری از گناهان دیگر را فراهم می‌آورند و این از مکر شیطان است که زشتی را زیبا جلوه دهد تا آن‌که ربا می‌خورد، از ربا خوردن لذت ببرد و هوس آلوده آن‌که تربیت شده مکتب وحی نیست از نگاه حرام، لذت ببرد و آن‌که پا در عرصه شطرنج یا موسیقی می‌نهد، احساس کند لذت می‌برد، حال آن‌که شیطان زشتی را زیبا جلوه می‌دهد^{۱۱} و آن‌گاه که دست انسان از همه‌جا قطع شد، خود را به کناری کشیده، سخن از اختیار به میان می‌آورد.^{۱۲}

و انسان را از یاد خدا - که همانا تمام زیبایی است - غافل می‌سازد، تا آن‌جا که می‌تواند گناه کند و از خدا دور شود، تا به حدی برسد که دیگر نیاز به تلاش او نباشد، تا آن‌قدر نفس او را بروی مسلط سازد که بتواند رو در روی امام خویش بایستد

آنچه در این کتاب آمده است در واقع سخن خدا و پیامبر و اولیاء اوست، کلام پروردگار متعال پیرامون موضوع حجاب. و در ذیل آیات، گزیده‌ای از احادیث پیرامون موضوع حجاب ذکر

شده که محققین محترم می‌توانند جهت اطلاع بیشتر به مصادری که مختصّ به آن‌ها است، مراجعه نمایند. احادیث از معتبرترین کتاب‌های حدیثی و فقهی آورده شده است و برای ترجمه نمودن متن احادیث، اقدامی دقیق به انجام رسانده‌ایم.

برای آنان که کلام اهل بیت اطهار علیهم السّلام قلب‌هایشان را صیقل داده و نورانی می‌کند، پیش از آغاز متن کتاب، سه قسمت آورده شده:

تا بدانیم خداوند، قرآن را نازل کرد و عترت را خلق نمود تا ما، راز سعادت ابدی را از آنان جويا شویم ...، آنان که امرهدایت‌گری را به عهده دارند.

و بدانیم آنچه را برایمان برای پیمودن این مسیر توشه نهاند، تا ابد کفاف سعادت‌مان را می‌دهد و هرگز نیاز ندارد به روز شود، و یا اگر به روز نبود نتواند پاسخگو باشد، و هرگز نسخه‌ای از قرآن با ویرایش و اضافات، چاپ نخواهد شد و همان قرآنی که بر قلب پیامبرمان نازل گشت برای خوشبخت شدن، خوشبخت باقی ماندن، و عاقبت به خیر شدن همه ما کفایت می‌کند. هیچ نیازی بی پاسخ باقی نمانده که ما بخواهیم برای پاسخ‌گویی به آن دست به دامن بیگانه شویم و یا خود را اسیر هوس‌های آلوده دیگران کنیم یا به شیطان پناه ببریم، بلکه خداوند به ما می‌آموزد تا از شیطان به او پناه ببریم.

و بدانیم که در این واویلائی گناه چه کنیم تا نگاه آن مرد پاک از آن سلاله پاک را برای خود بخریم و چه کنیم تا پاک به درگاهش زانو زده، دست او را ببوسیم و از حمایت‌گران او باشیم. تا آن روز که آمد، اگر بودیم، از ما روی نگرداند و مبادا ما از او روی بگردانیم ... چرا که تنها غصه چنین کابوسی برای مردن تک تک ما کافیهست.

و این تنها تذکری است برای آنان که ایمان آورده‌اند:

«وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۳}

یادآور شو، بدرستی که تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد.

و در پایان همه ما را بس است که تحفه‌ای به عنایت او به درگاهش ببریم و او لطف کند و یک

شاخه گل لبخند را از روی لب‌هایش به ما هدیه دهد ... به خدا سوگند که دنیا و آخرت همه ما را کفایت می‌کند.

«اللَّهُمَّ... وَاعْتَنَا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَالْإِجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ، وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، ...»^{۱۴}

لازم به ذکر است که صبیّه فاضله‌ام در تنظیم و تایپ و ویرایش و بازنویسی کتاب یاری‌ام نموده‌اند، و امیدوارم این عمل صالح وی مورد قبول ولیّ الله الأعظم صلوات الله علیه قرار گیرد.

آنان که امر هدایت‌گری بر عهده دارند

در بسیاری از کتب حدیث و تفسیر و تاریخ شیعیان اهل بیت علیهم السلام و پیروان خلفاء با سندهای بسیار و از حدّ تواتر گذشته و صحیح، به روایت اهل بیت علیهم السلام و دوستان ایشان و حتّی دشمنان آنان، حدیث گرانقدر ثقلین آمده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حداقل در پنج موقعیت و همچنین در آخرین لحظات زندگی خویش، در بستر بیماری، از آن سخن به میان آورده‌اند، و این جا به ذکر یک حدیث از آن‌ها بسنده می‌کنیم.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا؛ كِتَابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ - وَجَمَعَ بَيْنَ مُسَبِّحَتَيْهِ - وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ - وَجَمَعَ بَيْنَ الْمُسَبِّحَةِ وَالْوُسْطَى - فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا، لَا تَزِلُّوا، وَلَا تَضِلُّوا، وَلَا تَقْدَمُوهُمْ فَتَضِلُّوا، ...»^{۱۵}

بدرستی که دو چیز را برای شما به یادگار می‌گذارم، تا آن هنگام که به آن دو روی آورید (از ایشان پیروی نمایید)، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خداوند و عترتم، اهل بیت من،

زیرا خداوند مهربان و آگاه با من عهد نموده است آن دو تا زمانی که در کنار حوض کوثر بر من همچون این دو انگشتم (و پیامبران گاه میان دو انگشت کنار شست جمع فرمود) وارد شوند و نه همچون این دو انگشت (و میان انگشت اشاره و وسط جمع نمود) و هیچکدام از آن دو بردیگری پیشی نخواهد گرفت. پس به آن دو چنگ زنید (آنچه امر می فرمایند، پیروی نمایید) و دور و گمراه نشوید و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد.

نتیجه: خداوند برای ما اهل بیتی را در کنار قرآن قرار داده که آنچه می گویند، و آنچه عمل می کنند و آنچه را تایید می نمایند، همان است که خداوند فرموده است. کلام مولایمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیار ظریف است: «دور و گمراه نشوید، و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد»، ...

و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: جَدَم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ! حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، أَلَا وَقَدْ بَيَّنَّهَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الْكِتَابِ، وَ بَيَّنَّتُهُمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي، وَ بَيَّنَّهَمَا شُبُهَاتٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَ بَدَعَ بَعْدِي، مَنْ تَرَكَهَا صَلَحَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ، وَ صَلَحَتْ لَهُ مَرْوَتُهُ، وَ عَرَضُهُ، وَ مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا وَقَعَ فِيهَا وَ اتَّبَعَهَا، كَانَ كَمَنْ رَعَى غَنَمَهُ قُرْبَ الْحِمَى، وَ مَنْ رَعَى مَاشِيَتَهُ قُرْبَ الْحِمَى، نَازَعَتْهُ نَفْسُهُ إِلَى أَنْ يَرَعَاها فِي الْحِمَى، أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَحَارِمُهُ، فَتَوَقَّوْا حِمَى اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ»^{۱۶}.

ای مردم! حلال من (آنچه را به امر خداوند حلال نموده ام) تا روز قیامت حلال است، و حرام من (آنچه را به امر خداوند حرام نموده ام) تا روز قیامت حرام است، آگاه باشید که خداوند آن ها را در قرآن بیان نموده، و من در سنت و سیره ام آن ها را بیان نموده ام. در میان آن ها شبهه هایی از شیطان، و بدعت هایی پس از من است، هر کس این شبهه ها و بدعت ها را ترک نماید، امر دین،

مروّت و آبروی خود را نیکو قرار داده است، و هر کس خود را به آن آلوده کند، و در پی بدعت‌ها برود، مانند کسی است که گوسفندانش را نزدیک مرز (حصار) چراگاه می‌چراند، نفس او و سوسه‌اش می‌کند که آن‌ها را در چراگاه پسِ مرز نیز بچراند. آگاه باشید سرزمین هر پادشاهی مرزی دارد، و مرز خداوند محرمات (ممنوعیت‌های) اوست، پس مراقب مرزهای فرمان‌ها و محرمات او باشید. و امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:

«حَلَالٌ مُّحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ، وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ. قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً»^{۱۷}

آنچه حلال محمد است برای همیشه تا روز قیامت حلال است، و آنچه حرام محمد است برای همیشه تا روز قیامت حرام است، جز این نمی‌شود، و نباید بشود. و حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: کسی نیست که بدعتی را بنیان نهد مگر این که سنتی را ترک کرده باشد.

و فرمود:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَ لَا حَرَامًا إِلَّا وَ لَهُ حُدٌّ كَحُدِّ الدَّوْرِ، وَ إِنَّ حَلَالَ مُّحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ...»^{۱۸}

خداوند متعال حلال و حرامی را نیافریده است مگر این که برای آن حدّ و مرزی مانند خانه‌ها قرار داده است، و به درستی که حلال محمد حلال است تا روز قیامت، و حرام محمد نیز حرام است تا روز قیامت، ...

نتیجه: احکام شرعی بخش عظیمی از دین کامل اسلام هستند که سعادت همیشگی انسان را تضمین نموده، و دستورات خداوند است که از نیازهای مادی و معنوی بشر آگاهی کامل دارد و او را سعادتمند می‌خواهد.

احکام مطهر اسلام از استاندارد الهی برخوردار هستند و هیچ خطا و اشتباهی در آن‌ها نیست.

زمان و دگرگونی‌های آن نباید هیچگونه تغییری در آن‌ها ایجاد کند، و نباید تابع زمان و مقتضیات آن باشند، تا بتواند سعادت ابدی را برای بشریه ارمغان آورد، در هر زمان و هر مکان.

در این و اوilای گناه چه کنیم؟

حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ».^{۱۹}

آن زمان که بدعت‌ها در میان امت آشکار گردند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، هرکس به این وظیفه خود عمل ننماید؛ لعنت خداوند بر او باد.

و فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي، فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».^{۲۰}

آن زمان که بدعت‌ها در میان امت آشکار شود، بر عالم واجب است علم خود را آشکار سازد (بیان حقائق شرعی کند)، وگرنه لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر او باد.

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا ظَهَرَ فِيكُمْ الْبِدْعُ، حَتَّى يَرَبُّوا فِيهَا الصَّغِيرُ، وَيَهْرُمُ الْكَبِيرُ، وَيَسْلَمَ عَلَيْهَا الْأَعَاجِمُ، وَإِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ قِيلَ سُنَّةٌ، وَإِذَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ قِيلَ بِدْعَةٌ؟!».^{۲۱}

حال شما چگونه است هنگامی که بدعت‌ها در میان شما آشکار گردد، تا آن که کودکان با آن بزرگ می‌شوند، و بزرگان با آن پیر می‌گردند، و بیگانگان بر آن (دین آلوده به بدعت‌ها) اسلام می‌آورند، و وقتی بدعت‌ها آشکار شدند، به آن‌ها سنت گفته شود، و هنگامی که به سنت عمل شود، (به آن) بدعت گفته شود.

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام روایت شده که فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سُلِبَ نُورُ الْإِيمَانِ».^{۲۲}

آن زمان که بدعت‌ها آشکار شوند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، اگر (با بدعت‌ها مبارزه) نکند نور ایمان از او گرفته خواهد شد.

پذیرفتن این که خدایی یکتا وجود دارد و او تنها وجود لایق پرستش است، کار سختی نیست. مشکل کنار گذاشتن غیراوست، اگر غیر او را، غیر او ببینیم و بدانیم. وقتی کسی کار زشتی را مرتکب می‌شود، اگر آن اشتباه رازشت نپندارد، اصلاً اشتباهی نمی‌بیند، که بخواهد رهایش کند، و امروز ما به این بلای عظیم گرفتار آمده‌ایم. گناهان وجهه شرعی پیدا کرده‌اند و دیگر نمی‌آییم بگوییم فلان کار حرام است، فقط باید بگوییم: حلال نیست، تا بلکه شکل حلال بودن به خود نگیرد.

و حجاب، ... بِسْمِ رَبِّ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَام

پیامبری به پیامبری برانگیخته شد تا بگوید: ... خداوند شما را گرمی داشته و می‌خواهد شما را ارزشمند ببیند.

خداوند با اسلام برای انسان برنامه یک زندگی جاوید را به نمایش گذاشت. بوسیله آنچه از انسان خواست، سعادتش را تضمین فرمود، سعادت جاودانه.

زن را لطیف و زیبا آفرید، ... اما او را برای اِشباع هوس‌های سرکش بیمار دلان خلق نفرمود. او ما را ارزشمند می‌خواهد.

خداوند یکتا، با امر نمودن بشر به حفظ حریم و حرمت‌ها، می‌خواهد به ما بگوید: من شما را، درون و بیرون شما را، پاک می‌خواهم. و اسلام همان دین کاملی است که به ما می‌گوید: شما را با روحی آرام و جسمی پاک می‌خواهم.

و این‌ها از علت‌های واجب شدن رعایت حجاب است ...

گریزه جنسی، یکی از موهبت‌های الهی است و وجود آن برای تداوم یافتن نسل بشر الزامی، و هرگز مخالفت یا تباین با حیات انسان ندارد. به این گریزه نیز همچون سایر غرائز بشری باید پاسخ مناسب داد و به تکامل و تعدیل آن پرداخت.

و پروردگار مهربان و حکیم ما، با فطرت الهی و پاکی که به همه انسان‌ها عنایت نموده است و همچنین از طریق پیام آوران وحی به بشر می‌گوید: با پیمودن راهی که تو را از من دور می‌سازد، خود را تباه مکن.

اسلام با شگردی اساسی به صحنه آمده و سخن از حجاب به میان می‌آورد. زن و مرد را محدود می‌کند، نه محدودیتی که مزاحم و دست و پاگیر باشد، نه، بلکه محدودیتی که با خود حفاظت و مصونیت به همراه می‌آورد، محدودیتی که جامعه را از فساد می‌رهاند و امنیت به تمام معنا در جامعه پیاده می‌سازد: اخلاقی، روانی، بهداشتی و

مرد و زن را به رعایت حریم دعوت نموده و بر ازدواج ترغیب می‌نماید.

اسلام هرگز زن را محبوس و خانه نشین نکرده و وی را از ظاهر شدن در عرصه علم و عمل مشروع معقول، منع نمی‌نماید. زن، در جامعه‌ای که در آن مراعات احکام اسلامی می‌شود، هرگز از انجام فعالیت‌های علمی و عملی سازنده محروم نیست.

او می‌تواند به دور از هوس‌های آلوده مشغول فعالیت خود گردد. حجاب نه تنها مانع او نمی‌شود، بلکه به وی شخصیت می‌بخشد و از هوس و طمع آنان که دل‌هایشان بیمار است، در امان می‌دارد. زن می‌تواند با رعایت دقیق حجاب خود، به کاری که در شأن اوست بپردازد و خود، برنامه، کودک و کارش را حفظ نماید.

آری حجاب اسیر می‌کند، هوس‌های آلوده را، تا گوهر پاک وجود ارزشمند یک زن را برای ارضای خود به بازی نگیرد.

فطرت انسان‌ها الهی است، پاکی و نیکویی را می‌طلبد. حتی فطرت نیز می‌خواهد حجاب وجود داشته باشد و تأثیر این دعوت درونی را در میان اقوام و ملل مختلف جهان می‌بینیم. همه انسان‌ها برگرفته از احساس فطری خود بی‌قید و بند بودن و بی‌بند و باری را ناپسند می‌دانند. فطرت الهی انسان‌ها، با آزادی بی‌حدّ این غریزه موافق نیست و نمی‌خواهد روح را در اسارت جسم ببیند، نمی‌خواهد نفس را سرکش ببیند. فطرتی که خداوند به لطف خود در درون ما

نهاده است، از ما می‌خواهد که این غریزه را کنترل کنیم تا ما را به بازی نگیرد. اگر ما نفس خود را به کار نگیریم، او ما را به کار خواهد گرفت.

و از این روست که تمام ادیان الهی به بیان این مهم پرداخته و بر لزوم رعایت آن تأکید نموده‌اند. زن خود را می‌پوشاند تا از انسان بودن خارج نشود. او کارگردان خانه‌ای است که در آن همسر و فرزندی حضور دارند که آینده سازان و کارگردانان علمی، عملی، اخلاقی، اقتصادی و ... جامعه هستند.

جای‌گاه زن بسیار ارزنده و در عین حال حساس و سازنده است. او می‌تواند تربیت‌کننده نسلی موفق باشد. اوست که چگونه بودن آینده یک جامعه را رقم می‌زند ... خوب یا بد، پاک یا ناپاک، آگاه و مقید یا نادان و بی‌قید ... ؟

آری زن در اسلام محدود است و محدودیت‌هایی دارد، محدودیت‌هایی که رعایت نمودن آن‌ها، برای او، خانواده و جامعه اش سعادت را به دنبال می‌آورد.

آن‌جا که اسلام حضور دارد، دو همسر تعلق به یکدیگر دارند و احساسات، عشق و عواطفشان مخصوص به یکدیگر است و غیر این مخالف احکام اسلام خواهد بود، چرا که اسلام دین آرامش است و اظهار نمودن این‌ها، این حریم را آلوده و ناپاک می‌گرداند.

غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه‌دارترین غریزه در وجود انسان است، با این وجود آیا دامن زدن مستمر به این غریزه و شعله‌ور ساختن آن به هر طریق، خارج از مسیر، بازی با آتش نیست؟ عاقلانه است که در معرض تحریک قرار داده شود و پس از آن که جامعه را به آتش این بی‌قیدی سوزاند، وجودش مقصّر دانسته شود؟ و گفته شود: چرا ... ؟.

استعمارگران در کشورهای اسلامی توسط مزدوران خود، از طریق وسایل ارتباط جمعی، نشریه‌ها و مجلات، انتشار عکس و فیلم‌های مستهجن و نیز راه اندازی سایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای و ...، نهایت سوءاستفاده خود را می‌نمایند. آنان آثار حرمت قائل نبودن برای حریم نامحرم را به خوبی بررسی کرده و می‌دانند اگر از یک جوان، زن یا مرد، فکر او را بگیرند، چیزی

برایش باقی نخواهد ماند، آن جا که عقل نباشد، نفس حکم‌فرمایی می‌کند و عاقبت انسان بودن از شخص گرفته می‌شود.

غربی‌ها و غرب زدگان هوسباز، طرفدار مسابقه‌ای بی پایان در نشان دادن اندام خود و به هیجان آوردن شهوت هستند. مسابقه‌ای بی پایان ...

مسابقه‌ای که پایان آن بی‌پایانی است و هرچه جوان بیشتر در آن فرو برود، باز هم به عمق آن نخواهد رسید. مسابقه‌ای برای نمایش دور شدن از خدا با آخرین سرعت ...

آنان جوان را نمی‌خواهند، بلکه می‌خواهند فکرش را از وی بگیرند. وابسته‌اش می‌کنند تا دیگر نتواند تصمیمی بگیرد. می‌خواهند انسان بودن را از او بگیرند، آنچنان او را اسیر هوس نمایند تا هر روز به دل‌بری دل بسته و با دیگری وداع گوید. او را در معرض تحریک دائم قرار دهند. تحریکی که موجب در هم کوبیده شدن اعصاب او شود و باعث ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و امراض روانی گردد. و این نظریزشکان است: هیجان مستمر عامل ریشه‌ای به وجود آمدن بسیاری از بیماری‌هاست.

مسأله «ابتذال زن» و «سقوط شخصیت وی» نیزاهمیت بسیاری دارد، چون هنگامی که جامعه، زن را با اندام برهنه بخواند، طبیعی است که روز به روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزونی از وی دارد و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسی‌اش وسیله تبلیغ کالاها، دکور اطاق‌های انتظار، عاملی برای جلب جهانگردان و ... قرار دهد، شخصیت او را به اندازه يك عروسك یا يك كالای بی ارزش سقوط می‌دهد و ارزش‌های والای انسانی و حتی انسان بودن او به دست فراموشی سپرده می‌شود ...

و تنها افتخار او خودنمایی، جوانی و زیباییش خواهد بود. و به این ترتیب وجود لطیف زن تبدیل به وسیله‌ای برای اشباع هوس‌های سرکش افراد آلوده و فریبکار و انسان‌نماهای دیوصفت خواهد شد.

در چنین جامعه‌ای، ویژگی‌های اخلاقی، علم، آگاهی و دانایی یک زن چگونه می‌تواند جلوه

کند و او را به مقام والا برساند؟!

و در آخرین بیراهه، آمار فوق العاده بالای طلاق در خانواده‌های بی بند و بار، سطح بالای تولد فرزندان نامشروع و کودکان بی سرپرست و هزاران بدبختی دیگر است، که خود حکایتی طولانی دارد.

این آمارها هستند که افتضاح به بار آمده را نمایان می‌سازند: برهنگی موجب از هم گسیختگی زندگی زن‌اشویی شده و این شمار در دنیا همواره سیر صعودی داشته و دارد.

زمینه برای انحراف‌ها و آلودگی‌های اخلاقی، بزهکاری، ناامنی و شیوع بسیاری از بیماری‌های روحی - روانی، جسمی و حتی خسارت‌های جبران ناپذیر اقتصادی فراهم می‌شود و در پایان موجودیت جامعه از او گرفته خواهد شد.

خداوند حتی از زنان خواسته است که هنگام راه رفتن پای خود را چنان به زمین نکوبند که صدای خلخال‌هایشان به گوش رسد! و این نمایش مهربانی اوست، نمی‌خواهد زن را بازپچه ببیند، می‌خواهد به درگاه ابلیس زانو نزند و به دنبال آنچه در بلندای لیاقت او نیست، نرود.

آنچه را که به آتش شهوت جوانان دامن می‌زند، مانند نشر عکس و فیلم‌های تحریک آمیز و اغوا کننده، رمان‌ها و داستان‌های جنسی و ...، همین چیزهایی که ما را از خدا دور می‌کند، نمی‌خواهیم، هیچکدام از ما به نابودی فکریک جوان راضی نخواهیم شد و اجازه نخواهیم داد که روح افکارمان به سوی مراکز فساد سوق داده شود و پسران و دختران جوان آلوده شوند؛ دنیای ما باید پاک و مبرا از زشتی باشد. من و تو، نباید اجازه دهیم دیگران برایمان تصمیم بگیرند، نباید از کسی بپرسیم: دلش می‌خواهد ما را چگونه ببیند. و هرگز نباید آخرتی را که خودمان باید رقم بزنیم و سرانجام نتیجه آن را ببینیم، به دست دیگری بسپاریم.

باید مطمئن باشیم آن که هواپرستی در خونس قرار گرفته، به فکر فردای تو و من نیست، او از عذاب کشیدن ما، در این دنیا و آخرتی که همانا با آن مواجه خواهیم بود، ناراحت نخواهد شد، زیرا تنها به دنبال آن چیزی می‌رود که نفس از او می‌خواهد.

باید بدانیم که من و تو را خدایی خلق نموده که به مصالح و مفاسد ما آگاه است.^{۲۳}
و آگاه ترو عادل تر از آن است که ما را در این واویلا، تنها رها کند.
حجاب، روابط زن و مرد و مسایل مرتبط با آن، مانند دیگر احکام و نیازهای زندگی ما، باید از
عالم بالا خط بگیرد و با وحی پیوند داشته باشد.
و باید در این راه هم از او بپرسیم: تو مرا چگونه می خواهی؟ ...

حجاب از دیدگاه قرآن کریم

حجاب از دیدگاه قرآن کریم

آیه یکم:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»^{۲۴}

ای محمد! به مردان با ایمان بگو: چشمان خویش (از نگاه کردن به نامحرمان) فروگیرند (پایین اندازند) و شرم‌گاه خود را (از دیده شدن) محافظت کنند. این کار برایشان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره معنی این آیه فرمود:

«مَعْنَاهُ لَا يَنْظُرُ أَحَدُكُمْ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ، أَوْ يُمَكِّنُهُ مِنَ النَّظَرِ إِلَى فَرْجِهِ».

مقصود این است که کسی از شما به عورت برادر مؤمن خود نگاه نکند، و نگذارد کسی به عورتش نگاه کند.

سپس درباره معنی آیه: «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»

فرمود:

«أَيُّ مِمَّنْ يُلْحِقُهُنَّ النَّظَرُ كَمَا جَاءَ فِي حِفْظِ الْفُرُوجِ، فَالنَّظَرُ سَبَبُ إِيقَاعِ

الْفِعْلِ مِنَ الزَّانَا وَغَيْرِهِ»^{۲۵}

مقصود (فروگذاردن نگاه زنان از آن کسانی است که نگاه به آنان می‌پيوندند، همچنان که درباره حفظ عورت‌ها آمده است، و نگاه (حرام) سبب گرفتار آمدن به زنا و سایر فحشاء (و کارهای منافی عفت) است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ضمن سفارش به فرزند خود محمد بن حنفیه فرمودند:

«... وَفَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يُنْظَرَ بِهِ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» فَحَرَّمَ أَنْ يُنْظَرَ أَحَدٌ إِلَى فَرْجِ غَيْرِهِ»^{۲۶}

و خداوند بردیدگان واجب نموده است که به آنچه حرام است نگاه نکند و فرموده است: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا ... (ای پیامبر) به مؤمنان بگو: از چشمان (نگاه) خود فرو گذارند و عورت‌های خود را نگاه داری کنند در نتیجه نگاه کردن به عورت دیگری را حرام فرمود.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«إِسْتَقْبَلَ شَابٌّ مِنَ الْأَنْصَارِ امْرَأَةً بِالْمَدِينَةِ وَكَانَ النِّسَاءُ يَتَقَنَّعْنَ خَلْفَ آذَانِهِنَّ فَنَظَرَ إِلَيْهَا وَهِيَ مُقْبِلَةٌ فَلَمَّا جازَتْ نَظَرَ إِلَيْهَا وَدَخَلَ فِي زُقَاقٍ قَدْ سَمَاهُ بِنِي فَلَانَ فَجَعَلَ يَنْظُرُ خَلْفَهَا وَاعْتَرَضَ وَجْهَهُ عَظْمٌ فِي الْحَائِطِ أَوْ زُجَاجَةٌ فَشَقَّ وَجْهَهُ فَلَمَّا مَضَتْ الْمَرْأَةُ نَظَرَ فَإِذَا الدِّمَاءُ تَسِيلُ عَلَى صَدْرِهِ وَثَوْبِهِ فَقَالَ: وَاللَّهِ لَا تَبَيَّنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَا أَخْبَرَنَّهُ. قَالَ: فَأَتَاهُ؛ فَلَمَّا رَأَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لَهُ: مَا هَذَا؟ فَأَخْبَرَهُ فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْآيَةِ: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ»^{۲۷}

جوانی از انصار با زنی در مدینه روبرو شد. و زنان در آن زمان مقنعه‌های خود را به پشت گوش‌های خود قرار می‌دادند. به او نگاه می‌کرد در حالی که زن به سوی او می‌آمد و هنگامی که از روبروی او گذشت به او نگاه می‌کرد و (زن) از کوجه‌ای گذشت و او همچنان به پشت او می‌نگریست که استخوان یا شیشه‌ای در دیواری قرار داشت، صورت جوان را شکافت، تا این که آن زن گذر کرد، نگاه کرده و دید خون بر سینه و پیراهنش می‌ریزد، گفت: به خدا سوگند! نزد پیامبر خدا می‌روم و به او خبر خواهم داد. نزد آن حضرت رفت و ماجرا را خبر داد، پس جبرئیل این آیه را نازل فرمود: **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا ...** ای محمد! به مردان با ایمان بگو: چشمان (و نگاه) خویش فروگیرند و شرم‌گاه خود را محافظت کنند. این کار برایشان بهتر است. خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَفَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يَنْظُرَ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَأَنْ يُعْرِضَ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهُ، وَهُوَ عَمَلُهُ، وَهُوَ مِنَ الْإِيمَانِ، فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَى عَوْرَاتِهِمْ وَأَنْ يَنْظُرَ الْمَرْءُ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ وَيَحْفَظَ فَرْجَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ. وَقَالَ: قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ مِنْ أَنْ تَنْظُرَ إِحْدَاهُنَّ إِلَى فَرْجِ أُخْتِهَا وَتَحْفَظَ فَرْجَهَا مِنْ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا»^{۲۸}

... و خداوند بر چشم واجب نموده است که به آنچه حرام گردانده و نهی فرموده، نگاه نکند، و این کاری است که چشم باید انجام دهد، و ایمان اوست، و خداوند بلندمرتبه فرموده است: **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا ...** (ای پیامبر) مؤمنان را بگو! از چشمان خود فرو گذارند و عورت‌های خود را نگاه‌داری کنند و بدین وسیله از این که دیگران به

عورت‌های ایشان نگاه کنند، منع نموده است، و این که مردی به شرم‌گاه برادر خود نگاه کند، و باید شرم‌گاه خود را از این که دیگران به آن نگاه کنند، نگهبانی کند. و (خداوند) فرمود: **قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ ...** و (ای پیامبر) به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را فروگذارند و عورت‌های خود را محافظت کنند مقصود این آیه این است که برخی از آنان شرم‌گاه دیگری را نبینند، و عورت‌های خود را از دیدن دیگران، حفظ نمایند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«وَفَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يَنْظُرَ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ، وَأَنْ يُغَضَّ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهُ، وَهُوَ عَمَلُهُ، وَذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ، وَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» مِنْ أَنْ يَنْظُرَ أَحَدُهُمْ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ، وَيَحْفَظَ فَرْجَهُ مِنْ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ أَحَدٌ».

و خداوند بر چشم‌ها واجب فرمود که به آنچه حرام نموده است نگاه نکنند، و نگاه را از آنچه بازداشته و حلال ننموده، فرو گذارند، و این وظیفه چشم می‌باشد، و (نگاه از حرام بستن، بخشی) از ایمان است، و خدای بزرگ منش فرموده: **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا ...** و (ای پیامبر) به مردان با ایمان بگو: از چشمان خود فروگذارند و عورت‌های خود را نگاه‌داری کنند، نگاه خود را فروگیرند از این که هر کدام به شرم‌گاه دیگری نگاه کند، و شرم‌گاه خود را از نگاه دیگران حفظ نمایند.

سپس فرمود:

«كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ مِنْ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الرَّيَا، إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ».

حجاب از دیدگاه قرآن کریم/ ۳۱

در هر جای قرآن که سخن از حفظ فرج آمده است، مقصود از آن (محافظت از) زنا می باشد مگر این آیه که مقصود از حفظ فرج در آن محافظت از نگاه (دیدن شدن) است. درباره سخن خداوند: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا... ای محمد! به مردان با ایمان بگو: چشمان خویش (از دیدن نامحرمان) فروگیرند (پایین اندازند) و شرم گاه خود را (از دیده شدن) حفظ کنند. این کاربرایشان بهتراست. از امام جعفر صادق علیه السلام پرسش شد آن حضرت فرمود: «كُلُّ مَا كَانَ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ ذِكْرِ حِفْظِ الْفَرْجِ فَهُوَ مِنَ الزَّيْنَةِ إِلَّا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَإِنَّهُ لِلْحِفْظِ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ»^۳:

آنچه در کتاب خداوند تعالی از حفظ فرج ذکر شده است، مقصود از آن (محافظت فرج از) زنا می باشد مگر در این آیه که همانا مقصود خداوند از حفظ فرج، حفظ و ننگهبانی از دیده شدن است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«كُلُّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ فِي ذِكْرِ الْفَرْجِ فَهِيَ مِنَ الزَّيْنَةِ إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ فَإِنَّهَا مِنَ النَّظَرِ، فَلَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهِ، وَلَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى فَرْجِ أَخِيهَا»^۳:

هر آیه ای از قرآن که در آن سخن از حفظ فرج آمده است، مقصود (محافظت کردن فرج از) زنا است، مگر این آیه که مقصود از آن حفظ نموده عورت از دیده شدن است، بنابراین حلال نیست مرد با ایمان به شرم گاه برادر خود، و زن به شرم گاه خواهر (دینی) خود نگاه کند.

آیه دوم:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ

إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ
أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ
غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا
يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا
الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^{۳۲}

و (ای پیامبر) به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را (از نگاه کردن به نامحرمان) فروبندند،
و دامان خویش را (از گناه) محفوظ دارند و زینت خود را - جز آن مقداری که آشکار است
- پنهان کنند. و باید (کناره‌های) مقنعه‌ها را بر سینه‌های خود بیاندازند، و زینت خود را
نمایان نکنند مگر برای: شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا
پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان
خودشان، یا کنیزان زرخردیشان، یا مردان پیرو دیوانه‌ای که به زن مایل نیستند (و
شهوت ندارند)، یا به کودکانی که از امور جنسی زنان آگاهی ندارند. زنان نباید (به
هنگام راه رفتن) پای خود را بر زمین بکوبند که آن زینت‌های مخفی ایشان (برای دیگران)
دانسته و معرفی شود. ای مؤمنان! همگی (اعم از مرد و زن) به سوی خداوند (از کوتاهی
در خودداری از شهوات) توبه و بازگشت کنید تا رستگار شوید.

توضیح: با توجه به این آیه کریمه، زنان باید چنان رعایت عفت نموده و از انجام اموری که آتش
شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است به انحراف آنان از جاده عفت بیانجامد؛
دوری کنند، که حتی صدای خلخال پای آنان را بیگانه نشود.

در تفسیر شریف علی بن ابراهیم قتی که از اصحاب گرانقدر امام حسن زکی عسکری
علیه‌السلام است و روایات را غالباً از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل می‌فرماید؛ از آن
بزرگوار نقل نموده است که فرمودند:

حجاب از دیدگاه قرآن کریم/ ۳۳

«إِنَّ النِّسَاءَ كُنَّ يَخْرُجْنَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ يُصَلِّينَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِذَا كَانَ بِاللَّيْلِ وَ خَرَجْنَ إِلَى صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ وَ الْغَدَاةِ يَقْعُدُ الشَّابُّ لَهُنَّ فِي طَرِيقِهِنَّ فَيُؤْذُنُهُنَّ وَ يَتَعَرَّضُونَ لَهُنَّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً»^{۳۳}

زنان از خانه برای نماز خواندن پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجد می رفتند و وقتی شب می شد و برای نماز مغرب و عشاء و صبح به مسجد می رفتند جوانان سر راه آنان نشسته و آنان را آزار داده و راه (آنان) را می گرفتند، از این رو خداوند این آیه را فرو فرستاد.

زراره می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم مقصود از «أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ ... چیست؟ فرمود:

«الْأَحْمَقُ الَّذِي لَا يَأْتِي النِّسَاءَ»^{۳۴}

مرد احمق (دیوانه ای) که کاری به زن (شهوة) ندارد.

فضیل بن یسار گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد بازوان زن پرسش نمودم که آیا آنها از زینت هستند که خدای تعالی در آیه فرموده: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؟» فرمود:

«نَعَمْ، وَمَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزَّيْنَةِ، وَمَا دُونَ السَّوَارِيزِ»^{۳۵}

آری، و آنچه زیر مقنعه و دستبند و انگواست از زینت می باشد (نباید آشکار کنند).

آیه سوم:

«وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِرْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^{۳۶}

و پیرزنان که دیگرامیدی به زناشویی (غریزه جنسی) ندارند، بدون آن که زینت‌های خود را آشکار کنند، اگر چادر خویش بنهند مرتکب گناهی نشده‌اند مشروط براین که منظورشان از این عمل، زینت و خودنمایی در مقابل دید مردان نباشد و اگر عفت را پیشه سازند برایشان بهتراست و خدا شنوا و داناست.

از امام محمدباقر علیه‌السلام درباره این آیه کریمه سؤال شد که زنان سالخورده چه چیز از لباس‌هایشان را می‌توانند فروگذارند (نپوشند)؟ فرمود:

«الْجِلْبَابُ»^{۳۷}

جلباب (چادر و عبا) را.

امام علی بن موسی الرضا علیهماالسلام در جواب سؤال‌های محمد بن سنان مرقوم فرمودند:

«... وَ حُرِّمَ النَّظَرُ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَإِلَى غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو إِلَيْهِ التَّهْيِيجُ مِنَ الْفَسَادِ وَالذُّخُولِ فِيمَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ وَكَذَلِكَ مَا أَشَبَّهُ الشُّعُورَ إِلَّا الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ أَيْ غَيْرَ الْجِلْبَابِ فَلَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شُعُورِ مِثْلِهِنَّ»^{۳۸}

... و نگاه کردن به موی زنان باحجابی که همسر دار یا بدون همسر هستند (به طور کلی نگاه کردن به موی زنان)، سبب هیجان مردان می‌گردد و (نگاه کردن به) آنچه به تهییج فساد، حرام و نازیباست داخل می‌شوند، و نیز چنین است (نگاه کردن به) آنچه شبیه به موها گردد مگر در آنچه خداوند فرموده: وَ الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ پیرزنان که دیگر امیدی به زناشویی (غریزه جنسی) ندارند، بدون آن که زینت‌های خود را آشکار کنند، اگر چادر خویش بنهند مرتکب گناهی نشده‌اند مشروط براین که منظورشان از این

حجاب از دیدگاه قرآن کریم/ ۳۵

عمل، زینت و خودنمایی در منظر مردان نباشد مقصود جز جلباب (چادر و عبا) نیست، باکی نیست به موهای همچون آنان (زنان سالخورده) نگاه کردن.

توضیح: نتیجه آشکار است، بنابر فرمایش حضرت: نگاه کردن به موی زنان، شوهردار یا بی شوهر و آنچه شبیه به موها شود (مثلاً موهای مصنوعی) و نیز نگاه کردن به آنچه سبب تهییج شهوت مردان شود حرام است، مگر نگاه کردن به موهای زنان سالخورده به شرط آن که آرایش نکرده باشند، و فقط کمی توجه می طلبد، امام می فرماید:

آنچه حرام و نازیباست.

در تفسیر شریف علی بن ابراهیم قمی از اهل بیت اطهار علیهم السلام آمده که پیرامون آیه کریمه:

«وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ ...» فرموده اند:

«نَزَلَتْ فِي الْعَجَائِزِ اللَّاتِي يَنْسُنَ مِنَ الْمَحِيضِ وَالتَّزْوِيجِ أَنْ يَضَعْنَ النِّقَابَ ثُمَّ قَالَ: «وَأَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ أَيْ لَا يَظْهَرَنَّ لِلرِّجَالِ»^{۳۹}

این آیه درباره پیرزنانی است که از حیض شدن و ازدواج (بهره جنسی) نا امید شده اند، که می توانند (روبندی) فرو گذارند. سپس فرمود: «وَأَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ» - و اگر عفاف را پیشه سازند (چهره را آشکار نسازند) برایشان بهتر است، یعنی برای آنان بهتر است که برای مردان ظاهر نشوند.

صاحب جواهر الکلام در مورد پوشش زنان پیرو سال خورده نوشته است:

اما در مورد زنان سالخورده، آنچه از دلایل آشکار می شود این است: حکم عورت و وجوب پوشش نسبت به آن قسمت هایی از بدن، مثل شکم و مانند آن، که دیگر زنان می پوشانند، در مورد ایشان نیز باقی است. اشکال ندارد این دسته از زنان، چهره، بخشی از مو، قسمت آرنج به پایین و مانند آن را آشکار کنند، یعنی قسمت هایی که آشکار کردن آن ها در میان پیرزن ها، متعارف است ... نه به این معنا که حکم عورت

و پوشش (به کلی) در مورد ایشان برداشته شده، چرا که می‌توان ادّعا نمود ضرورت مذهب یا دین، برخلاف این برداشت است.^{۴۱}

و به نظر شیخ طبرسی:

مقصود از آن، جلباب است.^{۴۲}

در دیگر کتب تفسیری نیز همین سخنان کم و بیش به چشم می‌خورد.

زنان مورد بحث، اجازه دارند در برابر مردان نامحرم، تنها پوشش سرتاسری خود. چادر را بردارند و نمی‌توانند در برابر آنان، با سرو سینه برهنه و بدون روسری، آشکار شوند مگر آنان که کنیز هستند. محمد بن مسلم می‌گوید: درباره این سخن خداوند که می‌فرماید: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا» از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: این دسته از زنان، کدام بخش از لباس خود را می‌توانند بردارند؟ حضرت فرمود:

«الْجِلْبَابُ»^{۴۳}

جلباب (چادر و عبا) را.

امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه فرمودند:

«تَضَعُ الْجِلْبَابَ وَحَدَهُ»^{۴۴}

تنها می‌تواند جلباب (چادر و عبا) را بردارد.

توضیح: براساس این دو روایت مقصود از ثیاب در آیه کریمه، جلباب (چادر و عبا) است.

امام جعفر صادق علیه السلام آیه: «أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ» را قرائت کردند و فرمودند:

«الْخِمَارُ وَالْجِلْبَابُ».

(مقصود از ثیابهن) روسری و چادر است.

راوی گوید به حضرت عرض کردم: نزد هر کسی می‌تواند (روسری و چادر را) فروگذارد؟ فرمودند:

«بَيْنَ يَدَيِّ مَنْ كَانَ غَيْرَ مُتَبَرِّجَةٍ بِرَيْنَةٍ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَهُوَ خَيْرٌ لَهَا، ...»^{۴۵}

نزد هر کسی (بیننده‌ای)، و زینت خود را آشکار نکند، و اگر این را هم انجام ندهد برای او بهتر است،

امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه مورد بحث فرمود:

«الْجِلْبَابَ وَالْخِمَارَ إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مُسْتَنَّةً»^۴

زن در صورتی که سالخورده باشد می‌تواند جلباب و روسری خود را بردارد.

ابوالصّباح کنانی گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: زنان سالخورده می‌توانند کدام بخش از پوشش خود را بردارند؟ فرمود:

«الْجِلْبَابُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ أَمَةً فَلَيْسَ عَلَيْهَا جُنَاحٌ أَنْ تَضَعَ خِمَارَهَا»^۵

روپوش (لباسی که سر تا پا را می‌پوشاند)، مگر این که آن زن، کنیز باشد، که در این صورت بر او گناهی نیست روسری خود را بردارد.

توضیح: از این روایت، به قرینه ذیل آن استفاده می‌شود که برای زنان سالخورده (غیر کنیز) روا نیست در برابر مردان نامحرم، روسری خود را بردارند.

حسین (یکی از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام) می‌گوید: خدمت آن حضرت نامه نوشته و از ایشان پرسیدم: حدّ زنان سالخورده که وقتی به آن حد برسند، می‌توانند سرو و دو دست خود از آرنج تا پایین را آشکار سازند، چیست؟ فرمود:

«مَنْ قَعَدَنَ عَنِ النِّكَاحِ»^۶

آن زنانی که از ازدواج، فرو بنشینند (و رغبت و شهوتی به آن نداشته باشند).

احمد بزنطی می‌گوید: از امام علی الرضا علیه السلام پرسیدم: آیا برای مرد حلال است به موی خواهر زن خود نگاه کند؟ فرمود:

«لَا، إِلَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْقَوَاعِدِ».

نه، مگر آن که از زنان سالخورده باشد.

عرض کردم: یعنی خواهرزن با غریبه یکسان است؟ فرمود:

«نَعَمْ».

بله.

عرض کردم: پس به کدام قسمت از او می‌توانم نگاه کنم؟ فرمود:

«شَعْرُهَا وَ ذِرَاعُهَا»^۸

مو و دست‌هایش از آرنج به پایین.

با توجه به پاسخ اول حضرت، روشن است که مقصود خواهرزن سالخورده است.

آیه چهارم:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ
فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»^۹

ای همسران پیامبر! شما مانند یکی از زنان (دیگر) نیستید (باید سرمشق باشید) اگر تقوی پیشه کنید، بنابراین به گونه‌ای (به نرمی و ناز) هوس انگیز سخن نگویید تا بیمار دلان (هواپرستان) به شما طمع کنند، و سخن شایسته (غیر هوس انگیز) بگویید.

آیه پنجم:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ
الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ...»^{۱۰}

و در خانه‌های خود بنشینید، و چون زنان جاهلیت نخست خودنمایی نکنید، و نماز بپادارید، و زکات دهید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید

آیه ششم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ
نَاطِرِينَ إِنَاءَهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ

لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُجَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا»^{۵۱}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر آن‌که به شما اجازه داده شود ... و چون از زنان پیامبر چیزی خواستید (سؤالی داشتید) از پشت پرده بخواهید، این پاکیزه‌تر است برای دل‌های شما و آن‌ها، و شما نباید رسول خدا را اذیت کنید و نه زنان او را پس از ایشان به همسری خود درآورید، این کار نزد خدا (گناهی) بزرگ است.

آیه هفتم:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزُجَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^{۵۲}

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو: چادر خود را به خود جمع کنند (و با آن صورت خود را بپوشانند). این نزدیک‌تر است تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند. و خدا آمرزنده و مهربان است.

توضیح: اظهار نمودن اندام و زیبایی‌ها، حیات معنوی را نابود می‌کند، و تفاوتی در کار نیست، زن و مرد هر دو گرفتار خواهند شد.

از این رو اسلام خانم‌های جوان را از افکندن چادر و روسری منع و موظف نموده است که چادری ضخیم بپوشند تا لباسشان از پشت آن نمایان نباشد. خداوند به جهت حساسیت امر برای بانوان جوان در مقابل دیدگان، وظایفی را مقرر فرموده است، و بدینوسیله دل‌های پاک را، راهنمایی می‌فرماید.

همچنین با توجه به این قسمت از آیه کریمه: «ذَلِكَ أَذُنِي أَنْ يُعْرَفَنَ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» برای این که زنان شناخته نشوند چاره‌ای ندارند جز این که تمام بدن حتی صورت را که مجمع زیبایی‌ها و زینت‌های ایشان و برترین قسمت شناساننده اشخاص است، بپوشانند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

«الزَّوْجُ مَا تَحْتَ الدَّرْعِ، وَلِلْإِثْنِ وَالْأَخِ مَا فَوْقَ الدَّرْعِ، وَلِغَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ أَرْبَعَةٌ أَثْوَابٍ: دِرْعٌ وَخِمَارٌ وَجِلْبَابٌ وَإِزَارٌ»^{۵۳}

برای شوهر آنچه زیرپیراهن است، و برای پسر و برادر (نگاه) روی پیراهن است، و (حجاب برای) نامحرم (از روی) چهار لباس (همراه با هم): پیراهن (لباس بلند)، روسری، شلوار و چادر زن را ببیند.

محقق اردبیلی می‌نویسند:

از «ثياب» مانند چادر و عبا اراده شده که معمولاً روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود.^{۵۴}

مفسرین امامیه جزاندکی از ایشان، همگی ثياب را به چادر تفسیر کرده‌اند.

شهرت عظیمی از نظر جمیع مفسرین و علماء اسلام که به اجماع نزدیک است محقق شود می‌توان ادعا کرد که مراد از ثياب در آیه لباس گشاد (عبا و چادر) است. و مشهور میان علماء و لغت‌شناسان این است که «جلباب» را به چادر در مقابل خمار که روسری می‌باشد معنا کرده‌اند. پوشانیدن همه بدن بر زن، حتی چهره و دودست واجب است. به گفته علامه حلی، این قول را، ابابکر بن عبدالرحمان بن هشام و به گفته صاحب جواهر، فاضل مقداد اختیار نموده‌اند^{۵۵}؛ و از

عبارت فیض کاشانی در تفسیر صافی نیز این بیان آشکار می‌شود.^{۵۶}

براساس نقل صاحب جواهر، سخن فاضل مقداد سیوری چنین است:

إِنَّ بَدْنَ الْمَرْأَةِ عَوْرَةٌ إِلَّا عَلَى الزَّوْجِ وَالْمَحَارِمِ.^{۵۷}

همانا (همه) پیکرزن عورت است مگر بر شوهر و محارم او.

و سیره عملی متدینان از صدر اسلام تاکنون نیز رعایت پوشش کامل از سوی بانوان و پوشیده ماندن ایشان از نگاه ناحرمان بوده است. مردان متدین و غیور، هیچگاه اجازه نمی دادند زنان و دخترانشان با چهره های باز در مقابل ناحرم نمایان شوند.

شیخ شهید ثانی چنین نگاشته:

لَا تَفْأَقُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَنَعِ النِّسَاءِ مِنْ أَنْ يَخْرُجْنَ سَافِرَاتٍ^۸

مسلمانان متفق اند بر منع از بیرون رفتن زنان با سر و روی برهنه.

صاحب جواهر الکلام می نویسد:

بعضی بر وجوب پوشش چهره به این آیه: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» استدلال کرده اند.^۹

استدلال به آیه، مبنی بر این است: «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» اشاره به پوشاندن صورت است، چنانکه ملاحسن فیض کاشانی در تفسیر صافی نوشته است:

يَغْطِينَ وَجُوهَهُنَّ وَأَبْدَانَهُنَّ بِمَلَا حَفَهُنَّ إِذَا بَرَزْنَ لِحَاجَةٍ.^{۱۰}

هنگامی که زنان برای حاجتی بیرون می روند، چهره و بدن هایشان را با روپوش های خود بپوشانند.

صاحب جواهر الکلام می نویسد:

و لمناسبة ذلك البعد عن الوقوع في الزنا، والإفتتان و نحوهما المعلوم من الشارع
إرادة عدمهما.^{۱۱}

حکم به حرمت، تناسب دارد با دور شدن از زنا و مفتون واقع نشدن و مانند آن دو که معلوم است، نحو استن شارع آن ها را.

جوهری نوشته است:

الجلباب: الملحفة.^{۶۲}

جلباب، پوشش سرتاسری است.

قرطبی از مفسرین عامّه می نویسد:

الجلابیب جمع جلباب. و هو ثوب أكبر من الخمار. و روی عن ابن عباس و ابن مسعود:

أنّه الرداء وقد قيل: إنّهُ القناع، والصّحيح أنّه الثّوب الّذي يستر جميع البدن.^{۶۳}

جلابیّب، جمع جلباب و آن پوششی است بزرگ تر از روسری، و از ابن عباس و ابن مسعود روایت شده که: جلباب را به رداء (عباء) معنا کرده اند؛ برخی آن را به معنای روسری دانسته اند، و صحیح آن است که واژه ی جلباب را به معنای پوششی بدانیم که همه بدن را می پوشاند.

اسماعیل بن کثیر از مفسرین عامّه می نویسد:

الجلباب هو الرداء فوق الخمار... و هو بمنزلة الإزار اليوم.^{۶۴}

جلباب همان پوششی است که روی مقنعه قرار می گیرد... و آن امروزه به منزله چادر است.

این سخن را ابن مسعود، عبیده، قتاده، حسن بصری، سعید بن جبیر، ابراهیم نخعی، عطائی خراسانی و شمار فراوان دیگری ابراز داشته اند.

وجوب پوشش صورت از دیدگاه های است که در میان مفسرین^{۶۵} و فقهاء شهرت فتوایی دارد.

حجاب از دیدگاه

اهل بیت اطهار علیهم السلام

حجاب از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام

بهشت سزای ...

رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند:

«مَنْ سَلِمَ مِنْ أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ مِنَ الدُّخُولِ فِي الدُّنْيَا، وَاتِّبَاعِ الْهُوَى، وَشَهْوَةِ الْبَطْنِ، وَشَهْوَةِ الْفَرْجِ. وَ مَنْ سَلِمَ مِنْ نِسَاءِ أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ فَلَهَا الْجَنَّةُ؛ إِذَا حَفِظَتْ مَا بَيْنَ رِجْلَيْهَا، وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا، وَصَلَّتْ خَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا»^{۶۶}

از امت من هرکس از چهار خوی سالم بماند، پاداش او بهشت است؛ ۱- در دنیا داخل شدن (دنیاپرستی) ۲- و پیروی از هوا و هوس (هواپرستی) ۳- شهوت شکم (شکم بارگی) ۴- شهوت جنسی (شهوترانی). و از زنان امت من هرکدام که از چهار خوی سالم بماند، پاداش او بهشت است؛ ۱- اگر بین دو پای خود حفظ کند (شهوت پرستی نکند) ۲- و فرمان شوهر خود ببرد ۳- و نمازهای پنجگانه را به جای آورد ۴- و ماه رمضان را روزه بگیرد.

رسول الله صلى الله عليه وآله فرمودند:

«تَقَبَّلُوا لِي سِتَّ خِصَالٍ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ؛ ... وَ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ، وَاحْفَظُوا

فُرُوجَكُمْ، وَ...»^{۶۷}

شش خصلت را برایم بپذیرید، بهشت را برای شما خواهم پذیرفت؛ ... و چشمانتان را از نگاه حرام فرو نهدید، و عورت‌های خود را از حرام محافظت کنید، و

هر عضوی را بهره‌ای از ...

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ بَنِي آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّيْنِ؛ وَ الْعَيْنُ زِينَةُ النَّظَرِ، وَاللِّسَانُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَالْأُذُنَانِ زِينَةُ السَّمْعِ، وَالْيَدَانِ زِينَةُ الْبَطْشِ، وَالرِّجْلَانِ زِينَةُ الْمَشْيِ، وَالْفَرْجُ يُصَدِّقُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَيُكَذِّبُهُ»^{۶۸}

برای هر عضوی از فرزندان آدم بهره‌ای از زنا است؛ ... و زنا چشم نگاه حرام، زنا زبان سخن بانامحرم، زنا دو گوش شنیدن صدای نامحرم، و زنا دست‌ها لمس و گرفتن است و زنا پاها نیز راه رفتن به سوی گناه و حرام است. و عورت‌ها (شهوة جنسی) تصدیق و تکذیب آن‌ها را می‌کند.

محقق حلّی می‌نویسد:

برای شخص نابینا، روا نیست به صدای زن نامحرم گوش فرا دهد.^{۶۹}

صاحب کتاب جواهرالکلام می‌نویسد:

اختصاص به شخص نابینا ندارد؛ و ظاهر کتاب‌های القواعد، التحریر، الإرشاد و

التلخیص نیز حرمت است.^{۷۰}

دستان پاکش، پاک‌تر از آن بود که ...

مفضل گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله با زنان (مکه) بیعت فرمودند، چگونه با آنان بیعت کردند؟ فرمود:

«دَعَا بِمِرْكَنِهِ الَّذِي كَانَ يَتَوَضَّأُ فِيهِ فَصَبَّ فِيهِ مَاءً ثُمَّ غَمَسَ فِيهِ يَدَهُ الْيُمْنَى

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/ ۴۷

فَكُلَّمَا بَايَعَ وَاحِدَةً مِنْهُمْ قَالَ: اِغْمِسِي يَدَكَ، فَتَغْمِسُ كَمَا غَمَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ هَذَا مُمَاسَّحَتَهُ إِيَّاهُنَّ»^{۷۱}

ظرف وضوی خود را طلبیده، در آن مقداری آب ریختند، سپس دست راست خود را در آن فرو بردند، هر زنی که می خواست با آن حضرت بیعت کند، می فرمود: دست خود را در ظرف فرو ببرد، و زنان بیعت کننده نیز مانند پیامبر دست خود را در ظرف فرو می بردند. مصافحه پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان این گونه بود. (هرگز با هیچ زنی مصافحه نکرده و دست ندادند).

سعدان بن مسلم گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«أَتَدْرِي كَيْفَ بَايَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النِّسَاءَ؟».

آیا می دانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با زنان چگونه بیعت نمودند؟

عرض کردم: خدا و فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داناترند. آن حضرت فرمود:

«جَمَعَهُنَّ حَوْلَهُ ثُمَّ دَعَا بِتَوْرٍ بِرَأْسِهِ فَصَبَّ فِيهِ نَضُوحاً ثُمَّ غَمَسَ يَدَهُ ... ثُمَّ قَالَ: اِغْمِسْنَ أَيْدِيَكُمْ، فَفَعَلْنَ، فَكَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرَةِ أَطْيَبَ مِنْ أَنْ يَمَسَّ بِهَا كَفُّ أُنْثَى لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ»^{۷۲}

ظرف وضوی خود را طلب نمودند و در آن آب تازه ریخته؛ سپس دست خود را در آن فرو بردند و به زنان فرمودند: دستان خود را در آن فرو برید. همانا دستان طاهر رسول خدا صلی الله علیه و آله، پاک تر از آن بود که با آن دست زن نامحرمی را لمس کند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ مَكَّةَ بَايَعَ الرِّجَالَ ثُمَّ جَاءَهُ النِّسَاءُ يُبَايِعُنَّهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعُنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ

شَيْئاً وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِيَنَّ وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِيَهُ
بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايَعَهُنَّ وَاسْتَغْفِرَ لَهُنَّ اللَّهُ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۷۳} ... فَقَالَتْ أُمُّ حَكِيمٍ: ... يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ
نُبَايِعُكَ؟ فَقَالَ: إِنِّي لَا أَصَافِحُ النِّسَاءَ، فَدَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَأَدْخَلَ يَدَهُ ثُمَّ
أَخْرَجَهَا فَقَالَ: أَدْخُلْنَ أَيْدِيَكُمْ فِي هَذَا الْمَاءِ فَهِيَ الْبَيْعَةُ^{۷۴}.

هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله مکه را فتح نمودند؛ مردان با آن حضرت بیعت کردند، سپس زنان برای بیعت کردن با ایشان آمدند، خداوند عزوجل آیه ای نازل فرمود: ای پیامبر! هنگامی که زنان با ایمان نزد تو آیند تا (براساس این شرایط) با تو بیعت کنند: چیزی را با خدا شریک نگیرند، و دزدی نکنند، و مرتکب زنا نشوند، و فرزندان خود را نکشند، و طفل حرام زاده خود را به دروغ و افترا به شوهرانشان نبندند، و در هیچ کار پسندیده ای از تو سرپیچی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه؛ زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است ... (زنی به نام) امّ حکیم گفت: ای پیامبر خدا! چگونه با تو بیعت کنیم؟ رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود: به درستی که من با زنان دست نمی دهم. پس آن حضرت ظرف آبی خواستند، دست خود را در آن قرار دادند، سپس دست خود را از آن خارج نموده و فرمودند: ای زنان! دست خود را در این آب قرار دهید، همین بیعت کردن است.

پیمان بر عفاف

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَيْعَةَ عَلَى النِّسَاءِ ... وَ لَا يَقْعُدَنَّ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ»^{۷۵}

رسول الله صلی الله علیه وآله از زنان پیمان گرفتند ... و برای این که با نامحرمان خلوت نکنند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«فِيمَا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ الْبَيْعَةِ عَلَى النِّسَاءِ: ... وَلَا يَقْعُدَنَّ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ»^{۷۶}

از چیزهایی که پیامبر خدا (بر آنها) از زنان پیمان گرفتند ...، و این که با مردان در خلوت همنشینی نکنند.

«عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَّهُ كَانَ مِمَّا يَأْخُذُ عَلَى النِّسَاءِ فِي الْبَيْعَةِ أَنْ لَا يَتَحَدَّثَنَّ مَعَ الرِّجَالِ إِلَّا ذَا مَحْرَمٍ»^{۷۷}

از پیمان‌هایی که رسول خدا صلی الله علیه وآله از زنان می گرفتند این بود که با نامحرمان هم سخن نباشند.

نهی نبوی

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَدْخُلَ الرِّجَالُ عَلَى النِّسَاءِ إِلَّا بِإِذْنِ أَوْلِيائِهِنَّ»^{۷۸}

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نهی فرمود از این که مردان بر زنان بدون اجازه اولیاء (سرپرست، پدر، شوهر، ولی) آنان داخل شوند.

«عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَنْظُرْنَ إِلَى الرِّجَالِ، وَأَنْ يَخْرُجْنَ مِنْ بُيُوتِهِنَّ إِلَّا بِإِذْنِ أَزْوَاجِهِنَّ، وَنَهَى أَنْ يَدْخُلْنَ الْحَمَّامَاتِ إِلَّا مِنْ عَذْرِ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعَتْ خِمَارَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا، فَقَدْ هَتَكَتْ حِجَابَهَا»^{۷۹}

رسول الله صلی الله علیه وآله زنان را از نگاه کردن به مردان نامحرم نهی فرمودند، و از

بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهران بازداشتند، و از رفتن به حمام عمومی بدون عذر شرعی نهی نموده و فرمودند: هرزنی که حجاب خود را در غیر خانه شوهرش فروگذارد، حجاب خود را هتک نموده است.

«أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَسْلُكْنَ وَسَطَ الطَّرِيقِ وَقَالَ: لَيْسَ لِلنِّسَاءِ فِي وَسَطِ الطَّرِيقِ نَصِيبٌ. وَ نَهَى أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ ثَوْباً مَشْهُوراً، أَوْ تَتَحَلَّى بِمَا لَهُ صَوْتُ يُسْمَعُ، وَلَعَنَ الْمُذَكَّرَاتِ مِنَ النِّسَاءِ، وَالْمُؤَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ، وَ نَهَى النِّسَاءَ عَنْ إِظْهَارِ الصَّوْتِ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ، وَ نَهَاهُنَّ عَنِ الْمَبِيتِ فِي غَيْرِ بُيُوتِهِنَّ، وَ نَهَى أَنْ يُسَلَّمَ الرِّجَالُ عَلَيْهِنَّ»^{۸۰}

و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زنان را از این که در وسط راه حرکت کنند نهی کرد و فرمود: زنان را از وسط راه بهره‌ای نیست، و زنان را از این که لباس شهرت (که سبب انگشت غما شدن باشد) بپوشند، و از پوشیدن چیزی که صدا ایجاد کند (زیورآلات و غیر آن‌ها باشد)؛ نهی فرمودند، و مردانی را که صفات زنان دارند (تشبّه به زنان در گفتار و رفتار و صورت)، و زنان با صفات مردان (تشبّه به مردان) را لعنت کردند، و زنان را از این که صدای خود را در غیر ضرورت آشکار کنند، و در غیر خانه خود بمانند نهی فرمودند، و از سلام کردن مردان به زنان نیز نهی فرمودند.

از آنچه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نهی فرموده، آن است که فرمود:

«مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحَرُّمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ التَزَمَ امْرَأَةً حَرَاماً قُرْنٍ فِي سِلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ فَيُقْذَفَانِ فِي النَّارِ»^{۸۱}

هرکسی دست به زن نامحرمی بدهد، سزاوار غضب الهی شده، و هرکس زن نامحرمی را در آغوش گیرد به همراهی شیطان در زنجیری از آتش بسته شود و هر دو در آتش جهنم انداخته شوند.

از وصایای پدر اَمّت

از وصیت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام این که فرمودند:

«يَا عَلِيُّ! ... وَلَا تَخْرُجْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنْ خَرَجْتَ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَهَا اللَّهُ وَجَبْرَائِيلُ وَمِيكَائِيلُ. وَلَا تُعْطِي مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ، ... يَا عَلِيُّ! ... وَطَاعَةُ الْمَرْأَةِ نَدَامَةٌ. يَا عَلِيُّ! إِنْ كَانَ الشُّؤْمُ فِي شَيْءٍ فِي لِسَانِ الْمَرْأَةِ، ... يَا عَلِيُّ! أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ: إِمَامٌ يَعْصِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيُطَاعُ أَمْرُهُ، وَزَوْجَةٌ يَحْفَظُهَا زَوْجُهَا وَهِيَ تَخُونُهُ، وَفَقْرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبُهُ مُدَاوِيًا، وَجَارٌ سَوُّءٌ فِي دَارٍ مُقَامٌ، ...»^{۸۲}

ای علی! (زن) ... و نباید از خانه شوهر بدون اجازه او خارج شود، و اگر چنین کرد خدا و جبرئیل و میکائیل او را لعنت می‌کنند. و از خانه شوهر بدون اجازه او چیزی به کسی ندهد. ... ای علی! ... فرمانبرداری از زن پشیمانی آورد. ای علی! اگر در چیزی شومی و نحسی است، پس در زبان زن (معصیت‌کار) است ... ای علی! چهار چیز کمر را می‌شکند: ۱- پیشوایی که نافرمانی خدا کند و فرمان او برده شود ۲- و زنی که شوهرش او را حفظ کند و آن زن به شوهر خود خیانت کند ۳- و تنگدستی و فقری که صاحب آن درمان‌کننده‌ای نیابد ۴- و همسایه بد برای خانه (ای که در آن سکونت شود)، ...

پدرت آمرزیده شد

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهَدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا إِلَّا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ، قَالَ: وَإِنَّ أَبَاهَا مَرِضٌ فَبَعَثَتِ الْمَرْأَةُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ: إِنَّ زَوْجِي خَرَجَ وَعَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَقْدَمَ وَإِنَّ أَبِي قَدْ مَرِضَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أُعَوِّدَهُ؟ فَقَالَ

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا، اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ. قَالَ: فَثَقُلَ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ ثَانِيًا بِذَلِكَ فَقَالَتْ: فَتَأْمُرْنِي أَنْ أَعُودَهُ؟ فَقَالَ: اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ. قَالَ: فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثَتْ إِلَيْهِ إِنَّ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرْنِي أَنْ أَصَلِّيَ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: لَا، اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَأَطِيعِي زَوْجَكَ. قَالَ: فَدَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَتْ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِرَسُولِهِ^{۸۳}.

مردی از انصار در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله برای انجام بعضی از کارهایش از خانه خارج شد (به سفر رفت) و به همسر خود گفت: تا بازنگشته‌ام از خانه بیرون مرو. در آن زمان پدرش (پدر آن زن) بیمار گشت. پس آن زن برای پیامبر صلی الله علیه و آله پیغام فرستاد که: شوهرم بیرون رفته و به من گفته است: از خانه خارج نشوم تا وی بازگردد، و به درستی که پدرم بیمار شده است، امر می‌فرمایید به عیادت پدرم بروم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نه، بنشین در خانه‌ات و از فرمان شوهرت پیروی کن. پس پدرش به شدت بیمار گشت؛ دوباره آن زن برای پیامبر پیغام فرستاد، پیامبر فرمود: در خانه ات بنشین و از فرمان شوهرت پیروی کن. تا این که پدر آن زن از دنیا رفت و باز آن زن پیغام برای حضرتش فرستاد که: آیا مرا اجازه می‌دهید بر پدرم نماز بگذارم؟ فرمود: نه، در خانه‌ات بنشین و فرمان شوهرت را اطاعت کن. عاقبت پدر آن زن را به خاک سپردند. و پیامبر این بار برای او پیغام فرستاد که: خداوند تو و پدرت را به خاطر فرمان برداری از شوهرت آمرزید.

زنان ...

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«النِّسَاءُ عِيٌّ، وَعَوْرَاتٌ، فَادُّوْهُنَّ بِالسُّكُوتِ، وَعَوْرَاتُهُنَّ بِالْبُيُوتِ»^{۸۴}.

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/ ۵۳

زنان ناتوان و ناتوان طلب (در گفتار)، و عورت هستند، ناتوانی گفتاری آنان را با سکوت، و عورت‌های آنان را با خانه‌ها درمان کنید.

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه وآله فرمود:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّهُنَّ عِيٌّ، وَعَوْرَةٌ، وَإِتْكُمْ اسْتَحْلَلْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ، وَ هُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٍ، فَادْرَعُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ، وَارُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ»^{۸۵}

درباره زنان تقوای خدا پیشه کنید، همانا آنان ناتوان (در گفتار) و عورت‌اند، و همانا آنان را به امانت خدا بر خود حلال کردید، و آنان نزد شما به نیمه رسیده هستند، پس ناتوانی آنان را با خاموشی، و عورت‌های آنان را با خانه‌ها بپوشانید.

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند:

«النِّسَاءُ عَوْرَةٌ، إِحْبِسُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ، وَاسْتَعِينُوا عَلَيْهِنَّ بِالْعُرَى»^{۸۶}

زنان عورت‌اند، آنان را در خانه‌ها (دور از محیطی که نامحرم در آن حضور دارد) نگاه دارید ...

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«لَا تَبْدَعُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ، وَ لَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: النِّسَاءُ عِيٌّ، وَعَوْرَةٌ، فَاسْتُرُوا عِيَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ، وَاسْتُرُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبُيُوتِ»^{۸۷}

به زنان آغاز به سلام نکنید، و آنان را به طعام (جهت پذیرایی) دعوت ننمایید، زیرا پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود: زنان، ناتوان و ناتوان طلب در گفتار و عورت‌اند. پس عیب گفتاری آنان را با سکوت (گفتگو ننمودن با نامحرم)، و عورت (تن و اندام) آنان را با خانه بپوشانید.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي الضَّعِيفِينَ - يَعْنِي بِذَلِكَ الْيَتِيمَ وَالنِّسَاءَ - وَإِنَّمَا هُنَّ عَوْرَةٌ»^{۸۸}

درباره دو ناتوان تقوای خدایپیشه کنید - مقصود او یتیم و زنان است - و همانا که آنان (زنان) عورت هستند. (آنان را از گناه بازدارید).

توضیح: تعبیر «النِّسَاءُ عَيَّ» از باب مبالغه و به این مفهوم است که زنان باید سکوت را به طور کامل در حضور نامحرم مراعات کنند. کلمه «عَيَّ» را بعضی ناتوانی در درست سخن گفتن و بند آمدن زبان و در صحبت گیر کردن معنا کرده‌اند. بنابر فرمایش حضرت که درباره تمام تن زنان فرمودند: آنان عورت‌اند، یعنی باید پوشیده‌گردند. برای ما مراد آن حضرت از کلمه «عَيَّ» معلوم می‌شود: از آن جاکه در سخن گفتن و ارتباط گفتاری زنان با نامحرمان به ویژه زمانی که با صدای نازک و عشوه همراه باشد، شهوت انگیز برای مردان و سبب ایجاد انس با آنان می‌شود، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله همچنان که فرموده است تن و اندام زن باید در خانه پوشیده‌گردد، فرموده‌اند که باید سخن گفتن ایشان نیز که می‌تواند توجه نامحرم را جلب کند با سکوت محافظت شود. در بیان این مطلب محقق حلّی می‌گوید:

اصل، وجوب پوشش تمام بدن زن مسلمان مؤمنه است.^{۸۹}

حجاب حضرت فاطمه علیها السلام

از اهل بیت اطهار علیهم السلام روایت شده که فرمودند:

«أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَذَكَ، وَبَلَغَهَا ذَلِكَ لَا تَتَّ [لَا تَتَّ] خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَاسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لُحْمَةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَنِسَاءٍ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُيُولَهَا، مَا تَحْرِمُ مِشْيَتُهَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَهُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ فَانْطَبَتْ دُونَهَا مُلَاعَةً...»^{۹۰}

چون ابوبکر و عمر، تصمیم گرفتند حضرت فاطمه علیها السلام را از فدک محروم کنند و

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام / ۵۵

خبر آن به حضرت رسید، مقنعه به سرکشیدند و چادر خویش را بر خود پیچیدند و در میان گروهی از یاران و زنان خویشاوند، درحالی که بلندی چادر قدم‌هایشان را می‌پوشانید و در راه رفتن پا روی آن می‌نهادند. راه رفتنشان، به سان راه رفتن پیامبر صلی الله علیه و آله بود، تا این که بر ابوبکر وارد شدند درحالی که در میان جمعی از مهاجرین و انصار بود، و برای حضرت فاطمه علیها السلام پرده ای زده شد

آن جا که جگرگوشه زهراء علیهما السلام بیرون می‌آید ...

علامه شهید محمد بن فتال نیشابوری رضوان الله علیه در کتاب شریف «روضة الواعظین» فرموده است: روایت گردیده ...

«... وَ أَقْبَلَ النَّاسُ مِثْلَ عُزْفِ الْفَرَسِ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ جَالِسٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بَيْنَ يَدَيْهِ يَبْكِيَانِ، فَبَكَى النَّاسُ لِبُكَائِهِمَا، وَ خَرَجَتْ أُمُّ كُلْثُومٍ وَ عَلَيْهَا بُرْقَعَةٌ وَ تَجُرُّ ذَيْلَهَا، مُتَجَلِّلَةً بِرِدَاءٍ عَلَيْهَا تُسَبِّحُهَا وَ هِيَ تَقُولُ: يَا أَبَتَا! يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْآنَ حَقًّا فَقَدْ نَاكَ فَقْدًا لَا لِقَاءَ بَعْدَهُ أَبَدًا...»^{۹۱}

هنگام شهادت حضرت زهراء علیها السلام مردم مانند موهای پیوسته پیشانی اسب (پشت سربکدیگر) به حضور حضرت علی علیه السلام رسیدند در حالی که ایشان نشسته بود و امام حسن و امام حسین علیهما السلام در حضور آن حضرت گریه می‌کردند، و مردم به سبب گریه آنان اشک می‌ریختند، و امّ کلثوم علیها السلام در حالی خارج گردید که روبنده به صورت داشت و دامن لباسش به زمین کشیده می‌شد و می‌فرمود: ای پدر جان! ای پیامبر خدا! گویا هم اکنون تو را به نحوی از دست دادیم که پس از آن ملاقاتی در کار نخواهد بود!،

ای زاده زهراء! ای سراپا کتاب و قرآن خدا! و ای سرتاپا ولیّ خدا! مرا به خود نزدیک کن تا نه

مثل تو، بلکه همرنگ تو شوم، تو محبوب من هستی، می خواهم به تو نزدیک باشم.

بهترین زن

جابر بن عبدالله انصاری که یکی از اصحاب خوب پیامبر صلی الله علیه وآله است، می گوید: نزد پیامبر صلی الله علیه وآله بودیم که فرمودند:

«إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ، الْوَدُودُ، الْعَفِيفَةُ، الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا، الذَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهِ، الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ، وَتُطِيعُ أَمْرَهُ، وَإِذَا خَلَا بِهَا بَذَلَتْ لَهُ مَا يَرِيدُ مِنْهَا، وَلَمْ تَبْذُلْ كَتَبْذُلِ الرَّجُلِ»^{۹۲}

بهترین زنان شما زنی است که؛ بزیاد، و مهربان، و باعفت باشد، نزد خاندان خود قدرتمند، و نزد شوهرش فرمانبردار باشد، آن که در اختیار شوهر باشد، و نزد غیر شوهر خود را حفظ کند، آن که سخن شوهر را گوش داده، و فرمانبردار او باشد، و هرگاه نزد شوهر رفت آنچه را که (مشروع است) بخواهد بذل کند، و همچون مردان بذل نکند.

بدترین زن

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ نِسَائِكُمْ؟ ... الَّتِي لَا تَوَرَّعُ مِنْ قَبِيحٍ، الْمُتَبَرِّجَةُ إِذَا غَابَ عَنْهَا بَعْلُهَا، الْحَصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ، ...»^{۹۳}

آیا خبر بدهم شما را به بدترین زنان؟! ... و اوزنی است که از کارهای زشت دامن خود را پاک نگاه ندارد، و هنگامی که شوهر نزد او نیست بی بندوبار باشد، و نزد شوهر خود را نگه دارد (در اختیار شوهرش نباشد)، ...

تشبه به جنس مخالف و ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«... لَعَنَ اللَّهُ؛ ... وَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ

بِالرِّجَالِ، ...»^{۹۴}

... لعنت خدا بر؛ ... و بر مردانی که خود را شبیه زنان، و زنانی که خود را شبیه مردان کنند، ...

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُخَنَّثِينَ [مِنَ] الرِّجَالِ الْمُتَشَبِّهِينَ بِالنِّسَاءِ، وَ الْمُتَرَجِّلَاتِ مِنَ النِّسَاءِ الْمُتَشَبِّهَاتِ بِالرِّجَالِ»^{۹۵}

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله لعنت کردند؛ مردان مخنث و آنانی که خود را شبیه زنان کنند، و زنانی مرد صفت که خود را شبیه مردان کنند (صفت مردان را به خود بگیرند).

«عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ أَنَّهُ لَعَنَ الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَقَالَ: أَخْرِجُوهُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ، وَلَعَنَ الْمُذَكَّرَاتِ مِنَ النِّسَاءِ، وَالْمُؤَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ»^{۹۶}

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مردانی را که صفات زنان بگیرند لعنت کردند، و فرمودند: آنان را از خانه های خود بیرون کنید، و زنانی را که صفت مردان بگیرند، و مردانی را که صفت زنان بگیرند، لعنت فرمودند.

مولای موحدان علی علیه السلام در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله با مردی مواجه شدند که حالت های زنانه داشت؛ پس به او فرمودند:

«أُخْرِجْ مِنْ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مَنْ لَعَنَهُ رَسُولُ اللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ»^{۹۷}

از مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیرون شوای کسی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله لعنتت کرده. سپس فرمودند: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند: خداوند مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان می کنند، لعنت کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ حَتَّى أَتَاهُ رَجُلٌ بِهِ تَأْنِيثٌ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَرَدَ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ أَكَبَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْأَرْضِ يَسْتَرْجِعُ ثُمَّ قَالَ: مِثْلُ هَؤُلَاءِ فِي أُمَّتِي؟! إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مِثْلُ هَؤُلَاءِ فِي أُمَّةٍ إِلَّا عُذِّبَتْ قَبْلَ السَّاعَةِ»^{۹۸}

همراه با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودم که مردی با تأنث و ویژگی های زنان وارد شد و بر پیامبر سلام کرد، حضرت پس از این که به سلام او پاسخ دادند، چشم به زمین دوختند در حالی که استرجاع می نمودند^{۹۹} سپس فرمودند: چنین افرادی در امت من یافت می شوند؟! این گونه افراد، در هیچ امتی یافت نمی شوند، مگر این که آن امت پیش از آمدن قیامت، عذاب می شوند.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَلَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ»^{۱۰۰}

به درستی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مردانی که خود را شبیه زنان، و زنانی که خود را شبیه مردان کنند لعنت فرمودند.

امام جعفر صادق از پدران گرامش علیهم السلام نقل نمود که:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَزْجُرُ الرَّجُلَ أَنْ يَتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ، وَيَنْهَى الْمَرْأَةَ أَنْ تَتَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ فِي لِبَاسِهَا»^{۱۰۱}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جلوگیری می نمودند از این که مردان خود را شبیه به زنان کنند، و نهی می فرمودند از این که زنان در پوشاک خود را به مردان شبیه کنند.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«لَعَنَ اللَّهُ؛ ... وَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، ...».^{۱۰۲}

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: لعنت خداوند بر؛ ... و بر مردانی که خود را شبیه زنان، و زنانی که خود را شبیه مردان کنند،

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ هُمُ الْمُخَنَّثُونَ، ...».^{۱۰۳}

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی که خود را شبیه مردان کنند، که همان مخنثون می باشند. لعنت فرمودند.

در کتاب شریف فقه منسوب رضوی علیه السلام آمده است:

«قَدْ لَعَنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبْعَةً؛ ... وَ الْمُتَشَبِّهَةَ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ، وَ الرِّجَالَ بِالنِّسَاءِ، ... وَ الْمُتَغَاغِلَ عَلَى زَوْجَتِهِ وَ هُوَ الدِّيُوثُ، وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَقْتُلُوا الدِّيُوثَ».^{۱۰۴}

بدرستی که پیامبر هفت کس را لعنت فرمود؛ ... و زنی که خود را شبیه مردان، و مردی که خود را شبیه زنان کند، و مردی که حفاظت از همسر خود (از فحشاء و منکر) نکند و او دیوث است، و رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود: دیوث را بکشید.

«وَلَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُخَنَّثِينَ وَ قَالَ: أَخْرِجُوهُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ».^{۱۰۵}

و پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه وآله مخنث ها (مردان زن صفت و شبیه زن) را لعنت کرده و فرمودند: آنان را از خانه هایتان بیرون کنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

۶۰ / حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

«أَخْرِجُوهُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ فَإِنَّهُمْ أَقْدَرُ شَيْءٍ». ۱۰۶

آنان (مردان زن صفت) را از خانه هاتان بیرون کنید، به یقین آنان کثیف ترین چیز هستند.

امام صادق و یا امام کاظم علیهما السلام فرمودند:

«إِنِّي لَأَكْرَهُ أَنْ يُتَشَبَّهَ بِالنِّسَاءِ». ۱۰۷

خوش ندارم (جائز نمی دانم مرد) شبیه زنان شود.

شهید ثانی می فرماید:

یکی از محرمات (ممنوعیاتها) زینت نمودن مرد و زن است با چیزی که بر آن ها حرام

است، مانند این که مرد النگو و خلخال و لباسی که به حسب عادت، ویژه بانوان است

بپوشد. که البته لباس ویژه، با توجه به زمان ها و مکان ها، فرق می کند. و مانند این که

زن، اشیای ویژه مرد، مانند کمربند و عمامه را بپوشد. ۱۰۸

قابل توجه: هرگونه شباهت در آرایش و پیرایش موهای سر و ریش و ابرو و نیز ناخن، پوشاک،

رفتار، گفتار و اخلاق، به جنس مخالف حرام است.

پوشش دشمنان حق

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي، وَلَا

يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي، وَلَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي، فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ

أَعْدَائِي». ۱۰۹

خداوند عزوجل به پیامبری از پیامبران وحی فرمود: به مؤمنان بگو! پوشش دشمنانم

را نپوشند، خوردنی های دشمنانم را نخورند، و راه های (شیوه زندگی و سلوک) آن ها را

نپیمایند، در غیر این صورت مانند آنان، دشمنانم خواهند بود.

توضیح: این یک سنت و حکم فطری است: آنچه از ظاهر آن که خدا را دوست دارد، آشکار

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/ ۶۱

است؛ نباید شبیه به ظاهر آن باشد که خدا را دوست نمی دارد و با او دشمن است. خودت بگو: اگر خوراک، پوشاک، رفتار و... دوست و دشمن خدا یکسان باشد، پس در چه چیز با یکدیگر تفاوت دارند؟....

بیش از پنج کلمه؟!...

امام جعفر صادق از پدران گرام خود علیهم السلام از رسول الله صلی الله علیه وآله نقل نمودند:

«نَهَى (النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) ... وَنَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ لِعَيْرِ زَوْجِهَا، فَإِنْ فَعَلْتَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ. وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحَرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ»^{۱۱}

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه وآله نهی فرمود: ... و از این که زنی برای غیر شوهر خود آرایش کند و فرمود: اگر زنی چنین کند بر خدا سزاوار است او را به آتش بسوزاند. و نهی فرمود از این که زنی نزد غیر شوهر خود و نامحرم بیش از پنج کلمه لازم سخن بگوید.

گفتار با نامحرم

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«... وَ مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُو إِلَى الْبَلَاءِ، وَيَزِيغُ الْقُلُوبَ، وَالرَّمَقُ لَهُنَّ يَخْطِفُ نُورَ أَبْصَارِ الْقُلُوبِ، وَلَمَحُّ الْعُيُونِ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ، ...»^{۱۲}

... و گفتگو با زنان فراخوان بلاست، و دل ها را از راه بگرداند، و نظر بازی با آنان نور دیده دل ها را برباید، و چشم چرانی دام های شیطان است، ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«(مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ مِنْ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ)»^{۱۳}

گفتگو با زنان از دام های شیطان است.

از موعظه های امام جعفر صادق علیه السلام چنین است:

«ثَلَاثٌ يَجِبُ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ تَجَنُّبُهَا؛ مُقَارَنَةُ الْأَشْرَارِ وَمُحَادَثَةُ النِّسَاءِ وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْبِدْعِ»^{۱۳}

برهرا نسائی واجب است از سه چیز دوری کند؛ ۱- همراهی افراد شرور ۲- گفتگو با زنان ۳- همنشینی با بدعت گذاران.

سلام به ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لَا تُسَلِّمْ عَلَى الْمَرْأَةِ»^{۱۴}

به زن (آغاز به) سلام نکن!

پیام: باب سخن با نامحرم را باز مکن.

گوهر در حراج

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند:

«لَا تُنْزِلُوا النِّسَاءَ بِالْغُرْفِ، وَ...»^{۱۵}

زنان را به محل همگانی (جایی که نامحرمان هستند) نبرید، و ...

بهترین برای زن؟ ...

از امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمودند:

«قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنَّا، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَتْ: مَا مِنْ شَيْءٍ خَيْرٍ لِلْمَرْأَةِ مِنْ أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: صَدَقْتُ، إِنَّهَا بَضْعَةٌ مِنِّي»^{۱۶}

رسول الله صلی الله علیه وآله به ما فرمودند: چه چیز برای زن بهتر است؟ هیچ کدام از ما (اصحاب) آن حضرت را پاسخ ندادیم، پس آن را برای حضرت فاطمه علیها السلام ذکر

نمودم، فرمودند: چیزی برای زن بهتر از این نیست که هیچ مردی او را نبیند و او نیز هیچ مردی را نبیند. سخن آن حضرت را برای رسول الله صلی الله علیه و آله بیان نمودم، پیامبر فرمود: راست فرموده است، بدرستی که او پاره‌ای از من است.

روایت است که امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؟ فَعَيْنَا بِذَلِكَ كُلُّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهَا بِالَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَّا عِلْمُهُ وَلَا عَرَفُهُ، فَقَالَتْ: وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ؛ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ. فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! سَأَلْتَنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؛ خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَأَنْتَ عِنْدِي؟ فَقُلْتُ: فَاطِمَةُ، فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي، ...»^{۱۱}

ما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم، و ایشان فرمودند: مرا خبر دهید چه چیزی برای زنان بهتر است؟ ما ندانستیم چه جواب بگوییم و پراکنده شدیم، به حضرت فاطمه علیها السلام مراجعه نمودم و ایشان را به آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بودند و این که کسی ندانست چه جوابی بدهد، خبر دادم. آن حضرت فرمودند: ولی من می دانم؛ بهترین چیز برای زنان این است که مردی را نبینند، و مردان نیز آنان را نبینند. پس به سوی پیامبر بازگشتم و گفتم: ای پیامبر خدا! از ما سؤال فرمودید چه چیزی برای زنان بهتر است؟ بهترین چیز برای آنان این است که؛ مردان را نبینند، و مردان نیز آنان را نبینند. آن حضرت فرمودند: چه کسی به شما خبر داد، آن گاه که نزد من بودید نمی دانستید؟ گفتم: فاطمه، پس پیامبر صلی الله علیه و آله از آن در شگفت و خشنود گشت و فرمود: به

درستی که فاطمه پاره‌ای از من است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند:

«أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ قَالَتْ: أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا، وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ. فَضَمَّهَا إِلَيْهِ وَ قَالَ: ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»^{۱۱}

چه چیز برای زن بهتر است؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: این که هیچ مردی را نبیند، و هیچ مردی او را نبیند. آن‌گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن حضرت را در آغوش گرفته و فرمودند: ذریه‌ای که بعضی از بعض دیگرند.

توضیح: جمله اخیر «ذریه‌ای که بعضی از بعض دیگرند»، مضمون یکی از آیات قرآن^{۱۲} می‌باشد. پیامبر اکرم از بیان این جمله قصد نموده‌اند که این سخن حضرت زهرا علیها السلام را تایید فرموده و در عین حال تأکید نمایند که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از خاندان عصمت و نبوت بوده و دست پرورده وحی هستند.

آن‌جا که زن به خدا نزدیک‌تر است ...

روایت است از امام جعفر صادق از پدر گرامیشان علیهما السلام که فرمود:

«أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَخَلَ عَلَيْهَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِهِ كَابَةٌ شَدِيدَةٌ فَقَالَتْ: مَا هَذِهِ الْكَابَةُ؟ فَقَالَ: سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ مَسْأَلَةٍ وَلَمْ يَكُنْ عِنْدَنَا جَوَابٌ لَهَا. فَقَالَتْ: وَمَا الْمَسْأَلَةُ؟ قَالَ: سَأَلْنَا عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ؟ قُلْنَا عَوْرَةٌ. قَالَ: فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا؟ فَلَمْ نَدْرِ. قَالَتْ: إِرْجِعْ إِلَيْهِ فَأَعْلِمُهُ: أَنَّ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَيْتِهَا. فَاَنْطَلَقَ فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: مَاذَا مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِكَ يَا عَلِيُّ، فَأَخْبَرَهُ أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَخْبَرَتْهُ، فَقَالَ: صَدَقْتَ، إِنَّ فَاطِمَةَ بَصُعَةٌ مِنِّي»^{۱۳}.

حضرت علی علیه السلام بسیار اندوهگین بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شدند.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: این اندوه بسیار از چیست؟ حضرت علی علیه السلام فرمودند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از ما پرسشی نمودند و جوابی نداشتیم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: آن مسأله چیست؟ گفتم: از ما سؤال فرمود که زن چیست؟ پاسخ دادیم: عورت است (باید پوشیده گردد). فرمود: چه زمانی به خدای خود نزدیک تر است؟ و ما جواب آن را ندانستیم. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله بازگرد و به ایشان بگو: همانا زن زمانی به خدای خود نزدیک تر است که درون خانه خود (دور از نامحرم) باشد. پس امیرالمؤمنین علیه السلام از خانه بیرون رفتند و به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خبر دادند، آن حضرت فرمودند: این جواب از تو نیست ای علی! پس امام علی علیه السلام خبر دادند که جواب از فاطمه علیها السلام است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه درست گفته است، به تحقیق فاطمه پاره‌ای از من است.

و در حدیث دیگری چنین آمده است که امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَصْحَابَهُ عَنِ الْمَرْأَةِ مَا هِيَ؟ قَالُوا: عَوْرَةٌ، قَالَ: فَمَتَى تَكُونُ أَدْنَى مِنْ رَبِّهَا؟ فَلَمْ يَدْرُوا فَلَمَّا سَمِعَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ ذَلِكَ قَالَتْ: أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قَعَرَ بَيْتِهَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي»^{۱۲}

پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب خود پرسیدند: زن چیست؟ پاسخ دادند: عورت است (نباید آشکار باشد). فرمود: چه زمانی به خدای خود نزدیک تر است؟ اصحاب جواب را ندانستند، حضرت فاطمه علیها السلام آن را شنید و پاسخ فرمود: زنان زمانی به خدای خود نزدیک ترند که کنج (درون) خانه خود باشند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به درستی که فاطمه پاره‌ای از من است.

حفظ با حجاب

امیرالمؤمنین علی علیه السلام از جنگ صفین باز می گشتند، به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام نوشتند:

«...وَ اكْفُفْ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ خَيْرٌ لَكَ وَلَهُنَّ مِنَ الْإِزْتِيَابِ. وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ دُخُولِ مَنْ لَا تَثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ. فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مِنَ الرِّجَالِ فَافْعَلْ، ... وَإِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُوا الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ، وَالْبَرِيَّةَ إِلَى الرَّيْبِ، ...»^{۱۲۲}

... زنان را روی پوشیده دار تا چشمشان به مردان (نامحرم) نیفتد، که سختگیری در پوشیدگی (و حجاب) بیش از هر چیز آنان را نگاه می دارد. بیرون رفتن ایشان (از خانه در جمع نامحرم حاضر شدن) بدتر از آن نیست که فردی را که به وی اطمینان نداری، به خانه آوری. اگر در توان توسل کاری کن که جز تو را نشناسند، ... از غیرت ورزیدن ناجا بپرهیز که سبب می شود زن درستکار به نادرستی، و بانوی پاکدامن به بدگمانی بیفتد، ...

حجابِ ناتمام ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«لَا يَصْلَحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمْرِ وَالدُّرُوعِ مَا لَا يُوَارِي شَيْئاً»^{۱۲۳}

برای زن مسلمان جائز نیست چادر (و عبا) و لباس هایی بپوشد که چیزی را نپوشاند (و حجابش ناتمام باشد).

حتی از زنان ...

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«وَلَا يَجُوزُ (وَلَا يَنْبَغِي) لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَنْكَشِفَ بَيْنَ يَدَيِ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ؛ لِأَنَّهِنَّ

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام / ۶۷

يَصِفَنَّ ذَلِكَ لِأَزْوَاجِهِنَّ، وَلَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَتَطَيَّبَ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا، وَلَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَتَشَبَّهَ بِالرِّجَالِ؛ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَلَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ».^{۱۲۴}

زن مسلمان (حتی) میان زنان یهودی و نصرانی با چهره باز نمایان نشود؛ زیرا آن‌ها ویژگی‌های زن مسلمان را برای شوهرانشان و مردان یهودی و نصرانی توصیف می‌کنند، و برای زن مسلمان جایز نیست هنگامی که از خانه‌اش بیرون می‌رود خود را خوشبو و آرایش کند. و نباید خود را شبیه مردان کند؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردانی که خود را شبیه زنان، و زنانی که خود را شبیه مردان کنند لعنت فرمود.

در احرام هم ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ ... تَسْدِلُ الثَّوبَ عَلَى وَجْهِهَا».

زن در حال احرام ... و باید چادرش را بر جلو صورتش آویزان کند.

راوی گوید: گفتم: حدّ آن تا کجاست؟ فرمود:

«إِلَى طَرَفِ الْأَنْفِ قَدْرَ مَا تُبْصِرُ».^{۱۲۵}

تا آخرین به اندازه‌ای که (جلو پایش را) ببیند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الْمُحْرِمَةُ تَسْدِلُ الثَّوبَ عَلَى وَجْهِهَا إِلَى الذَّقَنِ».^{۱۲۶}

زن مُحْرِم (در حال احرام) لباس را پرده‌وار به صورتش تا چانه آویزان نماید.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«أَنَّ الْمُحْرِمَةَ تَسْدِلُ ثَوْبَهَا إِلَى نَحْرِهَا».^{۱۲۷}

زن مُحْرِم چادرش را جلو صورتش تا گودی زیر گلویش آویزان کند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«تَسْدُلُ الْمَرْأَةُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا مِنْ أَغْلَاهَا إِلَى النَّحْرِ إِذَا كَانَتْ رَاكِبَةً»^{۱۲۸}

زن هنگامی که سوار بر مرکب است چادرش را از بالای صورت تا گودی زیر گلویش مانند پرده به صورتش آویزان کند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: امام محمد باقر علیه السلام از زنی که (مُحَرَّم بود و) نقاب به صورت داشت گذشتند و فرمودند:

«أَحْرَمِي، وَاسْفِرِي، وَارْخِي ثَوْبَكَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ تَنَقَّبْتَ لَمْ يَتَغَيَّرْ لَوْنُكَ. فَقَالَ رَجُلٌ: إِلَى أَيْنَ تُرْخِيهِ؟ فَقَالَ: تُغْطِي عَيْنَيْهَا. قَالَ قُلْتُ: يَبْلُغُ فَمَهَا؟ قَالَ: نَعَمْ»^{۱۲۹}

عمل به احرام کن؛ و نقاب از صورت بگشا؛ و چادرت را از بالای سرت رها کن (به جلو صورت خود)؛ زیرا اگر نقاب بسته باشی شکل و رنگ تو (نسبت به قبل از احرام) تغییر و تفاوتی پیدا نکرده است. مردی پرسید: تا کجا چادرش را رها کند؟ فرمود: تا چشمش را بپوشاند. (آن مرد) گفت: پرسیدم: تا دهانش برسد؟ فرمود: بله.

توضیح: از شیوه بیان حضرت با آن زن چنین برمی آید که او پیش از احرام، نقاب به چهره می زده و این امری عادی بوده، لذا امام محمد باقر علیه السلام تصریح می فرمایند که: اگر در حال احرام هم نقاب بزند چهره اش با پیش از احرام تفاوتی نکرده، و مقصود از آویزان نمودن چادر، پوشاندن صورت است تا آن جا که نامحرمی نتواند چهره او را ببیند. عیص بن القاسم گوید: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الْمَرْأَةُ الْمُحَرَّمَةُ... تَسْدِلُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا».

زن در حال احرام ... چادر را بر صورت خود ببندد.

گفتم: حدّ آن تا کجاست؟ فرمودند:

«إِلَى طَرَفِ الْأَنْفِ قَدَرًا تُبْصِرُ».^{۱۳۰}

تا زیربینی به اندازه‌ای که بتواند (جلو خود را) ببیند.

در برخی نسخه‌های کتاب فقه منسوب رضوی علیه السلام چنین آمده است:

«وَلَا بَأْسَ أَنْ تُسَدِّلَ الْمَرْأَةُ الْمُحَرَّمَاتُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا حَتَّى يَبْلُغَ نَحْرَهَا إِذَا كَانَتْ رَاكِبَةً».

و باکی نیست که زن در حال احرام پوشش خود را چنان بر چهره بکشد تا به گلوی خود برساند اگر سوار بر مرکب است.

و در جای دیگر آن آمده است:

«وَمَنْ كَانَ مَعَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ فَلْيُصْنَعَنَّ كَمَا تَصْنَعُونَ وَيَسْدِلَنَّ الثِّيَابَ عَلَى وُجُوهِهِنَّ سَدًّا إِنْ أَرَدْنَ ذَلِكَ إِلَى النَّحْرِ».^{۱۳۱}

و هرکس از زنان با شما باشد، باید همچون شما کنند و پوشش خود را اگر بخواهند تا گلو بر چهره‌های خود بیاندازند.

شیخ صدوق در کتاب «المقنع» - که از متون احادیث اهل بیت علیهم السلام است - آورده:

«وَلَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَتَنَقَّبَ؛ لِأَنَّ إِحْرَامَ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا، وَإِحْرَامَ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ. قَالَ: وَلَا بَأْسَ أَنْ تُسَدِّلَ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا مِنْ أَعْلَاهُ إِلَى النَّحْرِ إِذَا كَانَتْ رَاكِبَةً».^{۱۳۲}

جایز نیست زن در حال احرام نقاب بزند؛ زیرا احرام زن در چهره او و احرام مرد در سر اوست، و باکی نیست که چادر خود را اگر سوار بر مرکب است، از بالا تا گلو بیاندازد.

شیخ صدوق در جای دیگر از «مقنع» آورده است:

«وَيَكْرَهُ النِّقَابَ، وَلَا بَأْسَ أَنْ تُسَدِّلَ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا إِلَى طَرَفِ الْأَنْفِ قَدَرًا

تُبْصِرُ، وَإِنْ مَرَّ بِهَا رَجُلٌ اسْتَتَرْتُ مِنْهُ بِثَوْبِهَا، وَلَا تَسْتَتِرُ بِيَدَيْهَا مِنَ الشَّمْسِ».^{۱۳۳}

و روا (و جائز) نیست نقاب زدن برای زن در حال احرام، و باکی نیست که چادرش را بر چهره خود تا انتهای بینی بیاندازد چنانکه بتواند (جلویش را) ببیند، و اگر مردی (ناحرم) از او گذشت بالباس خود چهره‌اش را بپوشاند، و بادست خود را از خورشید نپوشاند.

نتیجه: پوشاندن صورت بر زنان حتی در حال احرام واجب است، و نگاه کردن نامحرمان به آنها جایز نیست.

نظر به بانوان نامسلمان و ...

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى شُعُورِهِنَّ وَأَيْدِيهِنَّ».^{۱۳۴}

نگریستن به مو و دست زنان اهل ذمه، حرام نیست.

امام جعفر صادق از پدرش از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت می‌نماید که فرمودند:

«لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُءُوسِ نِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ، ...».^{۱۳۵}

نگاه کردن به سرزنان اهل ذمه اشکالی ندارد، ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُءُوسِ أَهْلِ التَّهَامَةِ وَالْأَعْرَابِ وَأَهْلِ السَّوَادِ وَالْعُلُوجِ؛

لِأَنَّهُمْ إِذَا نَهَوْا لَا يَنْتَهُونَ. قَالَ: وَالْمَجْنُونَةُ وَالْمَغْلُوبَةُ عَلَى عَقْلِهَا، وَلَا بَأْسَ

بِالنَّظَرِ إِلَى شَعْرِهَا وَجَسَدِهَا مَا لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ».^{۱۳۶}

نگریستن به سرزنان تهامه، بادیه نشین، روستایی‌های اطراف و علج‌ها (بی تقوایان)،

ایراد ندارد؛ زیرا اینان هرگاه نهی شوند از انجام این کار دست بر نمی‌دارند. ایراد ندارد به

مو و بدن زنان دیوانه و فاقد عقل نگاه کرد، البته به شرطی که این کار از روی عمد

(قصد لذت و ادامه دادن نگاه) نباشد.

پوشش بانوان در برابر خواستگاران

شیخ طوسی در کتاب «التهایة» و «الخلاف» و «المبسوط» نگاه کردن مرد به چهره و دست‌ها تا میج زنی را که می‌خواهد به عقد نکاح درآورد جایز می‌داند.^{۱۳۷}
ابن ادریس و محقق حلّی و شهید ثانی نیز بر این فتوا هستند.^{۱۳۸}
بیتوته و نفّس ...

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبْتَ فِي مَوْضِعٍ يَسْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ».^{۱۳۹}

هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد، نباید در جایی بماند که صدای نفّس زن نامحرم را می‌شنود.

در خانه بیگانه

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعْتَ ثَوْبَهَا فِي غَيْرِ مَنْزِلِ زَوْجِهَا أَوْ بَغَيْرِ إِذْنِهِ لَمْ تَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ إِلَى أَنْ تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا».^{۱۴۰}

هر زنی که پوشش خود را در غیر خانه شوهرش و بدون اجازه او کنار گذارد؛ تا آن‌گاه که به خانه بازگردد؛ پیوسته در لعنت خداست.

بیگانه در خانه

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«غَضِبُ اللَّهِ وَ غَضَبِي عَلَى امْرَأَةٍ أَدْخَلَتْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهَا مِنْ غَيْرِهِمْ فَأَكَلْ خِزَانَتَهُمْ وَ نَظَرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ».^{۱۴۱}

غضب خداوند و غضب من بر زنی است که نامحرم را بر اهل خانه‌اش داخل کرده و آن

نامحرم از خوردنی‌ها بخورد و نگاه (شهوت آلود و حرام) به آنان بیاندازد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ أَنْ تَدْخُلَ بَيْتَهَا مَنْ قَدْ بَلَغَ الْحُلُمَ، وَلَا تَمْلَأَ عَيْنَهَا مِنْهُ، وَلَا يَمْلَأَ عَيْنَهُ مِنْهَا، وَلَا تَأْكُلَ مَعَهُ، وَلَا تَشْرَبَ؛ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُحَرَّمًا عَلَيْهَا، وَذَلِكَ بِحَضْرَةِ زَوْجِهَا. فَقَالَتْ عَائِشَةُ عِنْدَ ذَلِكَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَإِنْ كَانَ مَمْلُوكًا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَإِنْ كَانَ مَمْلُوكًا، فَلَا تَفْعَلْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ، فَإِنْ فَعَلَتْ فَقَدْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهَا، وَمَقَّتَهَا، وَلَعَنَهَا، وَلَعَنَتَهَا الْمَلَائِكَةُ».^{۱۴۲}

جایز نیست زنی مردِ بالغ را داخل خانه خود کند، و چشمان خود را از نگاه به او، و چشمان او را از نگاه به خود پُر کند، و نباید با او هم غذا شود، و نوشیدنی بنوشد؛ مگر این که محرم او باشد، در حالی که شوهرش هم حضور داشته باشد. آن گاه عایشه گفت: ای پیامبر خدا! هرچند که برده یا غلام باشد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: گرچه برده باشد، نباید هیچ یک از این کارها را انجام دهد، و اگر چنین کرد، همانا خداوند بر او غضب و بغض شدید نموده، و همراه با فرشتگانش او را لعنت می کنند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«إِسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ أَدْخَلَتْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهَا مِنْ غَيْرِهِمْ؛ فَأَكَلَ خَيْرَاتِهِمْ، وَنَظَرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ».^{۱۴۳}

غضب خداوند بر زنی که براهل خانه اش نامحرم را داخل کند؛ و او نعمت های آنان را بخورد، و عورت های آنان را نگاه (چشم چرانی) کند شدت خواهد گرفت.

شیطان سؤمین آن‌ها ...

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام از سخن گفتن زنان با نامحرم نهی کرده و فرمودند:

«لَا يَخْلُو بِامْرَأَةٍ رَجُلٌ، فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا».^{۱۴۴}

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/ ۷۳

هیچ مردی با زنی (ناحرم) نباید خلوت کند، پس زن و مرد ناحرمی با هم خلوت نکنند مگر این که شیطان سؤمین آنان باشد (وزمینه سازی فحشاء کند).

خداوند نمی پذیرد ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«... وَ أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا»^{۱۴۵}

... و خداوند نماز زنی را که برای غیر همسرش خود را خوشبو نماید، نمی پذیرد تا وقتی که از این کار خود غسل نماید، همان گونه که از جنابت خود غسل می کند.

شایسته نیست زن لباسش را ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُجَمِّرَ ثَوْبَهَا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا»^{۱۴۶}

هرگاه زن بخواد از خانه خارج شود روا نیست لباس خود را خوشبو کند.

آرایش کرده ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ»^{۱۴۷}

زنی که خود را خوشبو کند، سپس از خانه اش خارج شود (جایی برود که ناحرم حضور دارد)، مورد لعنت است تا هنگامی که به خانه خود بازگردد.

من او را می بینم ...

امام جعفر صادق از پدر گرامش امام محمد باقر علیهما السلام نقل نمود که فرمودند:

«أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا أَعْمَى فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ

لَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِمَ حَجَبْتِهِ وَهُوَ لَا يَرَاكَ؟ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنَا أَرَاهُ، وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي». ۱۴۸

مرد کوری بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد در حالی که آن حضرت خود را از او در حجاب داشتند. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: او شما را نمی بیند، چرا خود را در حجاب داشتید؟ فرمودند: اگر او مرا نمی بیند من او را می بینم، و او بورا استشمام می کند. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: گواهی می دهم که تو پاره ای از من هستی.

شما که ... می بینید!

«إِسْتَأْذَنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعِنْدَهُ عَائِشَةُ وَحَفْصَةُ فَقَالَ لَهُمَا: قُومَا فَادْخُلَا الْبَيْتَ. فَقَالَتَا: إِنَّهُ أَعْمَى. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنْ لَمْ يَرَ كُما فَإِنَّكُما تَرِيَانِهِ». ۱۴۹

یکی از اصحاب پیامبر که نابینا بود به نام ابن امّ مکتوم در حالی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد که عایشه و حفصه نزد ایشان بودند، پیامبر فرمودند: برخیزید و به اتاق بروید. گفتند: وی کور است. حضرت فرمودند: گرچه او شما را نمی بیند، ولی شما وی را می بینید.

امّ سلمه همسر خوب رسول الله صلی الله علیه و آله می گوید: من و میمونه نزد رسول الله بودیم که ابن امّ مکتوم - بعد از آن که فرمان حجاب آمده بود - داخل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِحْتَجِبَا، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَلَيْسَ أَعْمَى لَا يُبْصِرُنَا؟ قَالَ: أَفَعَمِيَا وَإِنْ أَنْتُمَا؟ أَلَسْتُمَا تُبْصِرَانِهِ؟! ...». ۱۵۰

هر دو حجاب گیرید. ما گفتیم: ای رسول خدا! مگر نه این که او کور است و ما را نمی بیند؟ آن حضرت فرمود: آیا شما نیز کور هستید؟ و او را نمی بینید؟! ...

چشمان همه گریان، مگر ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«كُلُّ عَيْنٍ بَاكِیَّةٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْیُنٍ؛ عَیْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشِیَةِ اللَّهِ، وَ عَیْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَیْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِی سَبِيلِ اللَّهِ»^{۱۵۱}

روز قیامت همه چشم‌ها گریان‌اند به جز سه چشم؛ چشمی که از ترس (نافرمانی) خدا در دنیا گریان بوده، چشمی که از صحنه‌های حرام بسته شده، و چشمی که در راه خدا شب زنده‌داری نموده.

با حوریان

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ، أَوْ غَمَضَ بَصَرَهُ؛ لَمْ يَرْتَدِّ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِیْنِ»^{۱۵۲}

هرکس چشمش به زنی افتاد اگر چشم خود را به آسمان کند، و یا از حرام فرونهد، بی‌درنگ خدای تعالی از حوریان بهشتی به همسری او درآورد.

روحی پاک، خاطری آرام

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:

«مَنْ غَضَّ طَرَفَهُ أَرَا حَ قَلْبُهُ»^{۱۵۳}

کسی که چشم خود را از نگاه حرام بازداشت، قلبش را آسوده نموده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«مَنْ غَضَّ طَرَفَهُ قَلَّ أَسْفُهُ، وَأَمِنْ تَلَفُهُ»^{۱۵۴}

هرکه چشم خود از حرام ببندد، افسوسش کم شده، و از تباهی در امان می‌ماند.

تیر زهرآلود شیطان

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الرَّجُلِ تَمَرُّ بِهِ الْمَرْأَةُ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ، وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ، وَ النَّظْرَةُ الثَّالِثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ. مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ لَا لِغَيْرِهِ أَعَقَبَهُ اللَّهُ أَيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ».^{۱۵۵}

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد از مردی که زنی از کنار او بگذرد و آن زن را ببیند (چشم چرانی کند)؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اولین نگاه از آنِ توست (نگاه اتفاق)، و نگاه دوم تونه برایت بلکه به زیان توست، و نگاه سوم (استمرار نگاه) تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است. هرکس آن نگاه‌ها را برای خدا و نه برای غیر خدا ترک کند، خدای تعالی او را چنان ایمانی بدهد که طعم گوارای آن را بچشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ، فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ، أَعْطَاهُ أَيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ».^{۱۵۶}

نگاه (حرام) تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است، پس هرکس آن را از بیم نافرمانی خدا رها کرده (و چشم چرانی نکند)، خداوند تعالی او را چنان ایمانی عطا فرماید که شیرینی آن را در قلبش احساس کند.

و فرمود:

«النَّظْرُ إِلَى مَحَاسِنِ النِّسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ، فَمَنْ تَرَكَهُ أَذَاقَهُ اللَّهُ طَعْمَ عِبَادَةِ تَسْرُهُ».^{۱۵۷}

نگاه کردن به زیبایی‌های زنان تیری از تیرهای شیطان است، هرکس آن را ترک کند

خدای تعالی طعم و مزه عبادتی به او بچشاند که او را شادمان کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا، أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا، فَإِنَّهَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ؛ أَحْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ، فَإِنْ أَوْطَأَتْ فِرَاشَهُ غَيْرَهُ؛ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يُعَذِّبَهَا فِي قَبْرِهَا». ۱۵۸

زن شوهرداری که چشم او از غیر همسرش، یا ناحرمی پر کند، غضب خداوند بر او شدت می گیرد؛ اگر چنین باشد، خداوند همه کردارش (عبادت هایش) را نابود می کند، و اگر بستر شوهر را در اختیار دیگری قرار دهد (با دیگری رابطه نامشروع داشته باشد)؛ بر خداوند سزاوار است او را پس از عذاب نمودن در قبر، با آتش بسوزاند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند:

«مَنْ أَصَابَ مِنْ امْرَأَةٍ نَظْرَةً حَرَامًا، مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَهُ نَارًا». ۱۵۹

هر مردی به زن ناحرم نگاه حرام کند، خداوند چشم او را از آتش پر می نماید.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

«النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ، وَكَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً». ۱۶۰

نگریستن (به حرام) تیری از تیرهای زهرآلود شیطان است، و چه بسا نگاهی (هرچند کوتاه) سبب افسوسی دراز گردد.

و فرمود:

«النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ، مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا لِغَيْرِهِ أَعَقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ». ۱۶۱

چشم چرانی تیری از تیرهای زهرآلود شیطان می باشد، هرکس آن را برای خدا و نه برای

دیگری ترک کند خداوند ایمانی به او خواهد داد که طعم (خوش) آن را بچشد.

و فرمود:

«إِيَّاكُمْ وَ النَّظَرَ، فَإِنَّهُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ».^{۱۶۲}

از نگاه حرام برحذر باشید، همانا تیری از تیرهای شیطان است.

در کتاب فقه منسوب رضوی علیه السلام چنین آمده:

«وَ اجْتَنِبِ الْمَسَّ وَ الْقُبْلَةَ وَ النَّظَرَ فَإِنَّهَا سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ».^{۱۶۳}

و از لمس کردن و بوسیدن نامحرم و نگاه کردن به او دوری کن چرا که نگاه حرام تیری از

تیرهای شیطان است.

حدّ نگاه

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند:

«لَا يَدْخُلُ الرَّجُلُ مَعَ ابْنِهِ الْحَمَامَ فَيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ. وَ قَالَ: لَيْسَ لِلْوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ الْوَلَدِ، وَ لَيْسَ لِلْوَلَدِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الْوَالِدِ».

نباید مردی با فرزند خود به حمام رود و عورت های او را بنگرد. و فرمود: پدر و مادر نباید به عورت فرزند نگاه کنند، و فرزند نیز نباید به عورت پدر و مادر خود نگاه کند.

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّاطِرَ وَ الْمَنْظُورَ إِلَيْهِ فِي الْحَمَامِ بِلَا مُؤَرٍّ».^{۱۶۴}

رسول الله صلی الله علیه وآله کسی را که در حمام (به دیگری) نگاه کند و یا بگذارد به او نگاه کنند در حالی که پوشش (چون لُنگ که از ناف تا زانو را بپوشاند) ندارد؛ لعنت فرمودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«يَا عَلِيُّ! إِيَّاكَ وَ دُخُولَ الْحَمَامِ بِغَيْرِ مُؤَرٍّ، مَلْعُونٌ (مَلْعُونٌ) النَّاطِرُ وَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ».^{۱۶۵}

ای علی! بدون لُنگ (پوشاننده ای که از ناف تا زانو را می پوشاند) داخل حمام مشو،

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/ ۷۹

بیننده (چشم چران) و (آنچه) دیده شده هر دو ملعون (و از رحمت خدا محروم) می باشند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«لَعَنَ اللَّهُ التَّائِظَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ».^{۱۶۶}

لعنت خدا بر بیننده (چشم چران) و (آنچه) دیده شده باد.

در کتاب فقه منسوب به امام رضا علیه السلام آمده است:

«وَإِيَّاكَ أَنْ تَدْخُلَ الْحَمَّامَ بِغَيْرِ مِئْزَرٍ؛ فَإِنَّهُ مِنَ الْإِيمَانِ، وَغَضَّ بَصْرَكَ عَنْ عَوْرَةِ النَّاسِ، وَاسْتُرَ عَوْرَتَكَ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ، فَإِنَّهُ أَرُوي: أَنَّ التَّائِظَ وَالْمَنْظُورَ إِلَيْهِ مَلْعُونٌ».^{۱۶۷}

و مبادا بدون لُنگ داخل حمام شوی؛ زیرا (پوشش عورت‌ها بخشی) از ایمان است، و چشمانت را از نگاه کردن به عورت مردم ببند، و عورت خود را از دیده شدن بیپوشان، زیرا روایت می‌کنم: بیننده و دیده شده هر دو ملعون‌اند.

ایمان چشم‌ها

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَفَرَضَ عَلَى الْعَيْنَيْنِ غَضَّ الْبَصَرِ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ وَهُوَ عَمَلُهُمَا».

... و خداوند بر چشم‌ها واجب فرمود که از دیدن آنچه حرام است فروگذارند و نبینند و این وظیفه چشم‌هاست.

و در نسخه دیگری چنین آمده:

«وَفَرَضَ عَلَى الْبَصَرِ أَنْ لَا يَنْظُرَ إِلَى مَا حَرَّمَ اللَّهُ، وَأَنْ يُغَضَّ عَمَّا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ مِمَّا لَا يَحِلُّ لَهُ، وَهُوَ عَمَلُهُ، وَذَلِكَ مِنَ الْإِيمَانِ».^{۱۶۸}

و خداوند بر دیده واجب فرموده است که آنچه را حرام کرده نبیند، و آنچه را که براو حلال نکرده و نهی فرموده چشم ببندد، و این وظیفه چشم است، و چشم از حرام بستن

۸۰ / حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

(نشانه و بخشی) از ایمان است.

... در پی ناموس کسان ...

از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیده شد: اگر زنی (نامحرم) از مردی بگذرد آیا می تواند آن زن را از پشت سر نگاه کند؟ آن حضرت فرمود:

«أَيُّسَّرُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجَالُ إِلَى أَهْلِهِ؟ إِرْضُوا لِلنَّاسِ مَا تَرْضَوْنَ لِأَنفُسِكُمْ»^{۱۶۹}

آیا کسی از شما مردان (با غیرت) خوش دارد که مردان دیگر همسرش را ببینند؟! آنچه را که برای خودتان راضی هستید برای دیگران نیز راضی باشید.

عبور از کنار

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«لَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَواتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ، وَلَكِنَّهَا تَمْشِي فِي جَانِبِ الْحَائِطِ وَ الطَّرِيقِ»^{۱۷۰}

برای زنان از وسط راه بهره ای نیست. از کنار دیوار و کنار راه ها حرکت کنند (و نه اختلاط).

امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

«وَلَيْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَواتِ الطَّرِيقِ شَيْءٌ، وَلَهُنَّ جَنْبَتَاهُ، وَلَا يَجُوزُ لَهُنَّ نَزُولُ الغُرْفِ»^{۱۷۱}

برای زنان از وسط راه نصیبی نیست، و برای آن ها دو سمت راه می باشد، و برای آن ها جایز نیست به جایی بروند که نامحرم حضور دارد.

زنان از پشت سر

روایت است که موسی پیغمبر علیه السلام (وقتی خواست به منزل شعیب پیامبر علیه السلام برود) به دختر آن حضرت فرمود:

«وَجِّهِيَنِي إِلَى الطَّرِيقِ، وَأَمْشِي خَلْفِي، فَإِنَّا بَنُو يَعْقُوبَ لَا نَنْظُرُ فِي أَعْجَازِ النِّسَاءِ»^{۱۷۲}

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام / ۸۱

مرا به راه (خانه حضرت شعیب) راهنمایی کن، و از پشتِ سرِ من حرکت کن، بدرستی که ما فرزندان یعقوب علیه السلام به پشتِ سرِ زنان نگاه نمی کنیم.

دختر شعیبِ پیغمبر علیه السلام (به پدرش) گفت: حضرت موسی علیه السلام به من فرمود:

«... قَالَ (مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِي: تَأْخَرِي عَنِّي وَدَلِّينِي عَلَى الطَّرِيقِ فَأَنَا مِنْ قَوْمٍ لَا يَنْظُرُونَ فِي أَدْبَارِ النِّسَاءِ. عَرَفْتُ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ يَنْظُرُونَ فِي أَعْجَازِ النِّسَاءِ».^{۱۷۳}

از پشتِ سرِ من حرکت کن و مرا به راه خانه‌ی پدرت راهنمایی کن، من از قومی هستم که پشتِ سرِ زنان را نگاه نمی کنند. از این سخنِ او دانستم او از چنین قومی است که از پشتِ سر (قامت) زنان را نگاه نمی کنند.

حضرت موسی پیامبر علیه السلام فرمود:

«فَأَنَا بَنُو يَعْقُوبَ لَا نَنْظُرُ فِي أَعْجَازِ النِّسَاءِ».^{۱۷۴}

ما فرزندان یعقوب پشتِ سرِ زنان را نگاه نمی کنیم.

دنبال شیر برو اما ...

حضرت داوود پیامبر علیه السلام به فرزندش فرمود:

«إِمْسِ خَلْفَ الْأَسَدِ وَالْأَسُودِ وَلَا تَمْشِ خَلْفَ الْمَرْأَةِ».^{۱۷۵}

پشتِ سرِ شیرو دزدگان راه برو (ولی) پشتِ سرِ زن راه مرو.

نا سرد شود

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«إِذَا جَلَسَتِ الْمَرْأَةُ مَجْلِسًا فَقَامَتْ عَنْهُ فَلَا يَجْلِسُ فِي مَجْلِسِهَا رَجُلٌ حَتَّى يَبْرُدَ».^{۱۷۶}

اگر زنی در جایی نشست و برخاست، تا هنگامی که جایش سرد نشده، هیچ مردی جایش

ننشیند.

هیجان شهوت

امام امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام فرمود:

«لَا تَحْمِلُوا الْفُرُوجَ عَلَى السُّرُوجِ، فَتَهَيَّجُوهُنَّ لِلْفُجُورِ».^{۱۷۷}

فروج (زنان) را برزین‌ها سوار نکنید، زیرا (با این کار) آنان را برای فحشاء به هیجان می‌آورید.

کیفر زنان ...

امام امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام فرمودند:

همراه با حضرت فاطمه برپیامبر خدا صلی الله علیه وآله وارد شدیم و دیدیم آن حضرت به شدت گریه می‌کنند. گفتم: ای رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت چه چیزی شما را گریان نموده است؟ آن حضرت فرمود:

«يَا عَلِيُّ! لَيْلَةٌ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ فَأَنْكَرْتُ شَأْنَهُنَّ فَبَكَيْتُ لِمَا رَأَيْتُ مِنْ شِدَّةِ عَذَابِهِنَّ؛ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِشَعْرِهَا يَغْلِي دِمَاغُ رَأْسِهَا. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِلِسَانِهَا وَالْحَمِيمُ يُصَبُّ فِي حَلْقِهَا. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِثَدْيِهَا وَرَأَيْتُ امْرَأَةً تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا وَالنَّارُ تُوقَدُ مِنْ تَحْتِهَا. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً قَدْ شَدَّ رِجْلَاهَا إِلَى يَدَيْهَا وَقَدْ سُلِطَ عَلَيْهَا الْحَيَاتُ وَالْعُقَارِبُ. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً صَمَاءً عَمِيَاءَ خُرَسَاءَ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ يَخْرُجُ دِمَاغُ رَأْسِهَا مِنْ مَنْخَرِهَا وَبَدْنُهَا مُتَقَطَّعٌ مِنَ الْجَذَمِ وَالْبَرَصِ. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً مُعَلَّقَةً بِرِجْلَيْهَا فِي تَنْوَرٍ مِنْ نَارٍ وَرَأَيْتُ امْرَأَةً تُقَطِّعُ لَحْمَ جَسَدِهَا مِنْ مُقَدِّمِهَا وَمُؤَخَّرِهَا بِمَقَارِيضَ مِنْ نَارٍ. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً يُحْرَقُ وَجْهُهَا وَيَدَاهَا وَهِيَ تَأْكُلُ أَمْعَاءَهَا. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً رَأْسُهَا رَأْسُ خَنْزِيرٍ وَبَدْنُهَا بَدَنُ الْحِمَارِ وَ عَلَيْهَا أَلْفُ

أَلْفِ لَوْنٍ مِنَ الْعَذَابِ. وَرَأَيْتُ امْرَأَةً عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ وَ النَّارُ تَدْخُلُ فِي دُبُرِهَا وَ تَخْرُجُ مِنْ فِيهَا وَ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ رَأْسَهَا وَ بَدَنَهَا بِمَقَامِعٍ مِنْ نَارٍ).

ای علی! شبی که به معراج برده شدم، زنی را از اتم در عذاب شدید دیدم و ناراحت شدم از این که آن زنان چه کرده بودند تا به چنین عذاب‌های سختی گرفتار آمده‌اند، گریان شدم؛ زنی را دیدم که به موی سرش آویزان بود و مغز سرش می‌جوشید. زنی را دیدم که به زبانش آویزان بود و آب جوشان در گلویش می‌ریختند. زنی را دیدم که به سینه‌اش آویزان بود. زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می‌خورد و آتش از نشیمن‌گاه او خارج می‌شد. زنی را دیدم که پاهایش را به دست‌هایش بسته بودند و مارها و عقرب‌ها او را می‌گزیدند. زنی را دیدم که کور و لال در تابوتی از آتش، مغز سرش از بینی‌اش بیرون می‌ریخت و اندامش بر اثر جذام و پسی از هم جدا بود. زنی را دیدم که گوشت تنش را با قیچی‌های آتشین پاره پاره می‌کردند. زنی را دیدم که صورت و دست‌هایش می‌سوخت و روده‌ها و درون خود را می‌خورد. زنی را دیدم که سرش مانند سرِ خوک و بدنش مانند بدن الاغ بود و به یک میلیون نوع از عذاب‌ها گرفتار بود. زنی را دیدم شبیه سگ که آتش از نشیمن‌گاه او داخل و از دهانش خارج می‌شد و فرشتگان با گرزهای آهنین آتشین بر سر و پیکر او می‌زدند. آن‌گاه حضرت فاطمه علیها السلام گفت: ای حبیبم و نور دیدگانم! مرا خبر دهید کار و روش آنان چه بود که خداوند این گونه عذاب‌هایی را بر آنان قرار داده بود؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«يَا بِنْتِي! أَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِشَعْرِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ لَا تَغْطِي شَعْرَهَا مِنَ الرِّجَالِ. وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِلِسَانِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُؤْذِي زَوْجَهَا. وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِثَدْيِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تَمْتَنِعُ مِنْ فِرَاشِ زَوْجَهَا. وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِرِجْلَيْهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا. وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ تَأْكُلُ لَحْمَ جَسَدِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ

تَزَيِّنُ بَدَنَهَا لِلنَّاسِ. وَأَمَّا الَّتِي شُدَّتْ يَدَاهَا إِلَى رَجُلَيْهَا وَسُلِطَ عَلَيْهَا الْحَيَاتُ وَالْعَقَارِبُ فَإِنَّهَا كَانَتْ قَدِرَةَ الْوَضُوءِ قَدِرَةَ الشَّيَابِ وَكَانَتْ لَا تَغْتَسِلُ مِنَ الْجَنَابَةِ وَالْحَيْضِ وَلَا تَتَنَظَّفُ وَكَانَتْ تَسْتَهِينُ بِالصَّلَاةِ. وَأَمَّا الْعُمَيَاءُ الصَّمَاءُ الْخَرَسَاءُ فَإِنَّهَا كَانَتْ تَلِدُ مِنَ الزَّيْنَاءِ فَتَعْلِقُهُ فِي عُنُقِ زَوْجِهَا. وَأَمَّا الَّتِي تُقَرِّضُ لَحْمَهَا بِالْمَقَارِيضِ فَإِنَّهَا تَعْرِضُ نَفْسَهَا عَلَى الرِّجَالِ. وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ تُحَرِّقُ وَجْهَهَا وَبَدَنُهَا وَهِيَ تَأْكُلُ أَمْعَاءَهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ قَوَادَةً. وَأَمَّا الَّتِي كَانَ رَأْسُهَا رَأْسَ خِنْزِيرٍ وَبَدَنُهَا بَدَنَ الْحِمَارِ فَإِنَّهَا كَانَتْ نَمَامَةً كَذَّابَةً. وَأَمَّا الَّتِي كَانَتْ عَلَى صُورَةِ الْكَلْبِ وَالنَّارُ تَدْخُلُ فِي دُبْرِهَا وَتَخْرُجُ مِنْ فِيهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ قَيْنَةً نَوَاحَةً حَاسِدَةً».

ای دخترم! آن که به موی خود آویزان بود، موی خود را از مردان نامحرم نمی پوشاند. و آن زنی که به زبانش آویزان شده بود، شوهرش را اذیت می نمود. و آن زنی که به سینه اش آویزان بود، از هم خوابی با شوهرش سرپیچی می نمود. و آن زنی که به پاهایش آویزان بود بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون می رفت. و آن زنی که گوشت بدن خود را می جوید، خود را برای مردان (نامحرم) آرایش و زینت می نمود. و آن زنی که دست هایش بسته بود و مارها و عقرب ها براو مسلط گردیده بودند، شرایط وضو و طهارت را رعایت نمی کرد و لباس هایش آلوده بود و غسل حیض و جنابت را انجام نمی داد و نماز را سبک می شمرد. و آن زنی که کر، کور و لال بود از زنا (فحشاء) باردار می شد و فرزند می آورد و فرزندان زنانه را برگردن شوهر خود می انداخت. و آن زنی که گوشتش چیده می شد، خود را به مردان نامحرم عرضه می داشت. و آن زنی که صورت و بدنش می سوخت و روده ها و درون خود را می خورد، واسطه زنا میان دو نامحرم بود. و آن زنی که سرش مانند سرخوک

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/ ۸۵

و اندامش مانند الاغ بود، سخن چین و بسیار دروغگو بود. و آن زنی که به صورت سگ بود و آتش در نشیمن گاه وی داخل و از دهانش خارج می شد، آوازه خوان و نوحه گر (و خواننده و نوازنده) و حسود بود.

سپس حضرت فرمودند:

«وَيْلٌ لِّامْرَأَةٍ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا، وَ طُوبَى لِّامْرَأَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا».^{۱۷۸}

وای به حال زنی که شوهرش را خشمگین کند، و خوشابه حال زنی که شوهرش از او راضی شود.

خشم امام

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! نَبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدْفَعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ».^{۱۷۹}

ای اهل عراق! باخبر شدم که زنان شما در گذرها مردان را هل می دهند، آیا شرم نمی کنید؟

و می فرمود:

«يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! نَبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُوَافِينَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ».

ای اهل عراق! باخبر شدم که زنان شما در راه با مردان برخورد می کنند، آیا حیا نمی کنید؟

«لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ».^{۱۸۰}

لعنت خدا بر کسی که غیرت ندارد.

و در حدیث دیگر است که می فرمود:

«يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ! نَبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدْفَعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ».

ای اهل عراق! آگاهی یافتم زنان شما مردان را در راه ها هل می دهند، آیا حیا نمی کنید؟

و در حدیث دیگر است امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«أَمَا تَسْتَحْيُونَ، وَلَا تَغَارُونَ، نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ، وَيُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ».^{۱۸۱}

آیا حیا نمی کنید، و غیرت نمی ورزید، از این که زنان شما به بازارها می روند، و با مردان

بی تقوا برخورد می کنند (یکدیگر را هل می دهند)؟!.

حشربا ... منافقین

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمود:

«وَمَنْ أَطْلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ، فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ، أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ، أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا؛ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ، الَّذِينَ كَانُوا يَتَّبِعُونَ عَوْرَاتِ الدِّسَاءِ فِي الدُّنْيَا، وَ لَا يُخْرِجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ، وَيُبْذِلَ لِلنَّاسِ عَوْرَتَهُ فِي الْآخِرَةِ. وَمَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنْ امْرَأَةٍ حَرَامًا؛ حَشَاهُمَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ، وَحَشَاهُمَا نَارًا حَتَّى يَقْضِيَ بَيْنَ النَّاسِ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ. ... وَمَنْ صَافَحَ امْرَأَةً حَرَامًا؛ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولًا، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ. وَمَنْ فَاكَهُ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا؛ حُبِسَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ. وَ الْمَرْأَةُ إِذَا طَاوَعَتِ الرَّجُلَ فَالْتَزَمَهَا حَرَامًا، أَوْ قَبَّلَهَا، أَوْ بَاشَرَهَا حَرَامًا، أَوْ فَاكَهَا فَأَصَابَ بِهَا فَاحِشَةً؛ فَعَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ مَا عَلَى الرَّجُلِ، وَإِنْ غَلَبَهَا عَلَى نَفْسِهَا؛ كَانَ عَلَى الرَّجُلِ وَزْرُهُ وَوِزْرُهَا، ...»^{۱۸۲}

وهرکسی که به خانه همسایه سرک بکشد، و عورت مرد، و یا موی زنی، و یا بدن آن زن را ببیند؛ سزاوار است خداوند او را با منافقین داخل آتش کند، همانان که در دنیا عورت های زنان را پیروی می کردند (در بی عفتی سرآمد بودند)، و ازدنیا خارج نمی شود مگر این که خداوند او را رسوا نموده، و در آخرت عورتش (عیب هایش) برای مردم آشکار گردد. و هرکسی چشم خود را از نگاه حرام به زنی پرکند؛ خداوند روز قیامت دو چشمش را از میخ های آتشین و آتش پرکند، تا این که قضاوت بین همه اهل محشر به انجام برسد، سپس فرمان دهد او را در آتش بیاندازند. ... و هرکسی که دست به زن نامحرم بدهد؛

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام / ۸۷

روز قیامت او را دست بسته بیاورند، و در آتش اندازند. و هر کسی با زن نامحرمی شوخی کند، به خاطر هر کلمه‌ای که در دنیا با آن زن شوخی نموده است؛ او را هزار سال در آتش قرار دهند. و اگر زنی مردی را همراهی کند، و آن مرد او را در آغوش بگیرد، یا ببوسد، و یا با او شوخی کند، و کار به فحشاء بیانجامد؛ هر دو مانند هم گناهکارند، و کیفر خواهند دید. و اگر مردی بر زن حرامی (نامحرمی) چیره گردد؛ گناه خودش و گناه آن زن به عهده آن مرد است، ...

از نشانه‌های آخر الزمان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجة الوداع (آخرین سفر حج که پیامبر در عمر شریفشان به جای آوردند) فرمودند:

«إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ الْقِيَامَةِ؛ ... فَعِنْدَهَا إِمَارَةُ النِّسَاءِ، وَ مُشَاوَرَةُ الإِمَاءِ، ... وَ يَشَبَّهُ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ، وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَ يَرْكَبُنَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوحَ، فَعَلَيْهِمْ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ».

از شرایط (نشانه‌های) برپا شدن قیامت است: ... آن گاه که زنان امیر شوند (ریاست کنند)، و با دختران مشورت شود، ... و مردان خود را شبیه زنان، و زنان خود را شبیه مردان کنند، و زنان سوار بر زین‌ها شوند. پس لعنت خدا از امت من بر آنان باد.

سپس فرمود:

«إِنَّ عِنْدَهَا تُزْحَرُفُ الْمَسَاجِدُ، كَمَا تُزْحَرُفُ الْبَيْعُ وَ الْكَنَائِسُ، وَ تُحَلَّى الْمَصَاحِفُ، ...» ۱۸۳.

در آن زمان مسجدها چون معابد یهود و نصاری زیبا شوند، و قرآن‌ها به زیور تزئین شوند، ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ، وَفَسَقَ شَبَابُكُمْ، وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟ فَقِيلَ لَهُ: وَيَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! فَقَالَ: نَعَمْ، وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ. كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؟! فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَيَكُونُ ذَلِكَ؟! قَالَ: نَعَمْ، وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ. كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا، وَالْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟! ...»^{۱۸۴}

چه حالی دارید آن گاه که زنااتان فاسد، و جوانانتان فاسق شوند، و امر به معروف، و نهی از منکر نکنید؟! گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا چنین خواهد شد؟ حضرت فرمودند: آری و بدتر از آن. شما را چه می شود آن گاه که امر به منکر، و نهی از معروف کنید؟! به حضرتش گفته شد: آیا چنین شود؟ فرمود: آری و بدتر از آن. چه حالتی خواهید داشت آن گاه که معروف را منکر، و منکر را معروف ببینید؟! ...

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره علائم ظهور فرمودند:

«... وَ أَتَمُّنَ الْخَائِنُ وَ أَتُخَذَتِ الْقَيْنَاتُ وَالْمَعَارِفُ، ... وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ، وَ تَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ»^{۱۸۵}

... و زمانی که خائن را امانت دار بدانند، و زنان آوازه خوان و نوازنده گرفته شده و مطلوب گردند، ... و زنان برزین ها سوار شوند، و خود را به مردان شبیه کنند، و مردان خود را شبیه زنان کنند.

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: (از علائم آخر الزمان است که):

«... وَ خَرِبَتِ الْقُلُوبُ، وَ اسْتَحَلُّوا الْمَعَارِفَ، وَ شَرِبَتِ الْخُمُورُ، وَ رَكِبَتِ الذُّكُورُ، وَ اشْتَغَلَ النِّسَاءُ، وَ شَارَكُنْ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا، وَ عَلَتِ الْفُرُوجُ السُّرُوجَ، وَ يُشَبِّهَنَّ بِالرِّجَالِ، فَحِينَئِذٍ عَدُّوا أَنْفُسَكُمْ فِي الْمَوْتِ، وَ لَا

تَعَرَّنَكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا، فَإِنَّ النَّاسَ إِنْشَانٍ؛ بَرَّتْ قِيٌّ، وَآخِرُ شَقِيٍّ، وَالدَّارُ دَارَانٍ، لَا ثَالِثَ لَهُمَا، وَالْكِتَابُ وَاحِدٌ، لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا. أَلَا وَ إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَمَجْمَعُ كُلِّ فِتْنَةٍ، وَ دَاعِيَةُ كُلِّ رِيْبَةٍ. الْوَيْلُ لِمَنْ جَمَعَ الدُّنْيَا وَأُورَثَهَا مَنْ لَا يَحْمَدُهُ، وَقَدِمَ عَلَى مَنْ لَا يَعْذِرُهُ» ۱۸۶

دل‌ها خراب شوند، و موسیقی و خوانندگی حلال قلمداد شود، و نوشیدنی‌های مست کننده نوشیده شود، و مردان مرکب شوند (هم جنس)، و زنان مشغول کار شده و در تجارت به خاطر حرص بر دنیا با مردان مشارکت کنند، و زنان سوار بر زین‌ها (دوچرخه، موتور و اسب)، و شبیه مردان شوند. در آن زمان خود را میان مردگان به شمار آورید، و زندگانی دنیا شما را مغرور نکند. به یقین مردم دو دسته‌اند: یا نیکوکارِ باتقوا، یا بدبخت پست، و خانه دو خانه است، سوّم ندارد. (دنیا محلّ تکلیف و آخرت محلّ جزاست)، و نامه‌ی عمل یکی است که کوچک و بزرگ کارها، همه در آن نوشته شده است. و به‌درستی که دنیادوستی موجب گرفتار آمدن به تمامی گناهان، و باب ورود به همه بلاها، و محلّ گردهمایی همه فتنه‌ها، و فراخواننده (به سوی) همه شک‌ها است. وای به حال کسی که به گردآوری دنیا مشغول است (فرد بی‌چاره فرومایه)، و برای کسی که حمد و سپاس خدا را نگوید مال جمع می‌کند، و روبه سوی خدایی می‌آورد که عذر وی را نمی‌پذیرد. امام امیرالمؤمنین علیّ علیه‌السلام به صعصعه از نیکان اصحاب خود فرمودند: حفظ کن! بدرستی که از نشانه‌های ظهور دجال آن است:

«إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ، ... وَاتَّخَذَتِ الْقِيَانُ وَالْمَعَارِيفُ، وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلَهَا، وَرَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ الشُّرُوجَ، وَتَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَالرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ، وَ... وَتَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ، وَآثَرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ، وَلَبِسُوا جُلُودَ

الضَّانِّ عَلَى قُلُوبِ الذَّائِبِ، وَقُلُوبُهُمْ أَتَتْ مِنْ الْجَيْفِ، وَأَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ...» ۱۸۷.

آن گاه مردم نماز را بمیرانند، ... و زنان برزین ها سوار شوند، و خود را شبیه به مردان کنند، و مردان خود را شبیه زنان کنند، ... و دین را بیاموزند نه برای دین، و کار دنیا را بر آخرت پیش اندازند، و بردل های گرگ صفت خود پوست میش بپوشانند، در حالی که دل های آنان از مردار کثیف تر، و از صبر (گیاهی بسیار تلخ) تلخ تر باشد، ...

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

«يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ (الْقِيَامَةِ) وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنَةِ؛ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتٌ عَارِيَّاتٍ، مُتَبَرِّجَاتٌ مِنَ الدِّينِ، دَاخِلَاتٌ فِي الْفِتَنِ، مَايَلَاتُ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَجِلَّاتٌ لِلْمُحَرَّمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ» ۱۸۸.

در آخر الزمان و نزدیکی قیامت که بدترین زمان هاست، زنانی با چهره باز و تن نمایان آشکار شوند، از دین خارج گشته، و در فتنه ها داخل شده اند، چنانکه به شهوت رانی ها مایل، و به لذت های نفسانی شتابان هستند، کارهای حرام را حلال می دانند، آنان در جهنم جاودان خواهند بود.

حمید بن مسلم می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم فرمود:

«الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، ...».

قائم (آل محمد) به سبب هراس (که خداوند در دل دشمنان می اندازد) یاری می شود، ...

به حضرت گفتم: ای فرزند رسول خدا! قائم شما چه زمانی خروج خواهد کرد؟ فرمودند:

«إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ، وَالنِّسَاءُ بِالرِّجَالِ، وَاكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ، وَرَكِبَ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السُّرُوجَ، وَقُبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ، وَرُدَّتْ شَهَادَاتُ الْعَدْلِ، وَاسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالْأَدِمَاءِ، وَارْتَكَبَ الرِّئَاءَ، وَ أَكُلَ

حجاب از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/ ۹۱

الرِّبَا، وَاتَّقِيَ الْأَشْرَارَ مَخَافَةَ السِّنْتِهِمْ، ... فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا، ...»^{۱۸۹}

آن گاه که مردان شبیه زنان، و زنان شبیه مردان شوند، و مردان به مردان، و زنان به زنان اکتفا (و هم جنس بازی) کنند، و زنان برزین ها سوار شوند، و گواهی های دروغ پذیرفته شود، و گواهی های دادگرانه رد شوند، و مردم خون مردم، و زناکاری، و رباخواری را سبک بشمارند، و از ترس زبان اشرار پروا شود، ... پس در آن زمان قائم ما خروج خواهد نمود، ...

امام جعفر صادق علیه السلام در باب علائم ظهور فرمودند:

«... وَرَأَيْتَ أَكْثَرَ النَّاسِ وَخَيْرَ بَيْتٍ مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ، وَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مُحْزُونًا مُحْتَقِرًا ذَلِيلًا، وَرَأَيْتَ الْبِدْعَ وَ الزَّانَا قَدْ ظَهَرَ، وَ ... وَرَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ، وَرَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ، وَرَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ، ... وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ وَ قَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ، وَغَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ لَا يُؤْتَى إِلَّا مَا لَهِنَّ فِيهِ هَوًى، ...»^{۱۹۰}

... آن گاه که بیشتر مردم به گناه کردن زنان کمک کنند، و بهترین خانه را خانه ای ببینی که برگناه (آشکارا) زنان کمک کند، و آن گاه که مؤمن را غمگین و حقیر شده و خار، و بدعت ها و زنا (اعمال منافی عفت) را آشکار دیدی، و حرام را حلال شده، و حلال را حرام شده دیدی، و دین را به رأی (اظهار نظر شخصی) دیدی، ... و زنان را دیدی که بر مملکت مسلط شوند، و بر هر کاری چیره گردند، و جز به سوی آنچه هوا و هوس ایشان را فرا می خواند نروند، ...

پیشنهاد و خاتمه

و در خاتمه پس از طی این لحظاتی که آن را برای خداوند گذراندی، می‌خواهم بگویم: نیامدم تا چیزی را از جانب خویش بیان کنم. و کلام را دیگری بر زبانم جاری نمود. او مرا یاد داد تا سخن بگویم. کمکم کرد تا راه را بیابم و آن‌گاه که به حقیقت آن پی بردم، به تونشانش دهم. این راه را خداوند برای ما علامت‌گذاری کرده، حریم‌ها حفظ شده‌اند، خط قرمز را رها کن. به سوی روشنایی برو. از خودش برای پرواز بال بگیر و در فضای نورانی رضای او پربکش.

آرزو دارم این قدر که به غذا و تحصیل و پوشاک و خواب جوانانمان اهمیت می‌دهیم، برای اندیشه آن‌ها نیز ارزش قائل شویم.

ما هیچ‌کدام نمی‌خواهیم جوانانمان بازیچه شوند. بازیچه دست آنان که ادّعای دلسوزی دارند، آنان که تظاهر به ترحم و تلاش می‌کنند اما هرگز آرامشی را به ارمغان نمی‌آورند.

مسلم است که مردان غیور و بانوان با عفت به یقین می‌خواهند راحت زندگی کنند و مطمئن باشند که احکام اجرا می‌شود. بهتر است با دایر نمودن مراکز تعلیم و تربیت و پزشکی، فروشگاه‌های مختلف و ... با کادر آقایان برای آن‌ها و با کادر خانم‌ها برای ایشان به توسعه فرهنگ اهل بیت اطهار علیهم‌السلام، رفاه و امنیت اخلاقی، روانی و اجتماعی کمک کنیم. و آنچه از آن یاد شد کفایت می‌نماید برای آنان که می‌خواهند پیروی کنند. هر کدام از ما می‌تواند با حفظ خود و خانواده‌اش، یک گام به سوی معدن علم و نور بردارد. و اگر نگاه حرام

را برای خدا ترک نمود، چنان ایمانی به او دهد که شیرینی آن را در قلب خود احساس نماید. به امید آن روز که دیگر حتی نامی هم از گناه باقی نماند. و ای کاش همه ما معنای گناه را می فهمیدیم. چهار حرف بیشتر ندارد ولی چهار ستون بدن را می لرزاند. چه چیز بدتر از این است که خدا نگاه لطف خود را از من بگیرد؟ یا نه، من به او پشت کنم و نخواهم بپذیرم که او برای من نیکویی را می پسندد؟... نخواهم ببینم که او مرا پاک می خواهد، برای خودش بدون غل و غش، تا امروز دنیایم آباد باشد و وسیله ای برای آباد شدن زندگی جاودانه ام، فراهم سازم؟! ... براستی مگر زور و زرد دنیا چه چیزی با خود دارد و چقدر ارزش و دوام دارد که من بخواهم احساس در سایه لطف خدا بودن را به آن بفروشم؟ آیا اگر همه دنیا از آن ما بود، حاضر نبودیم آن را بپردازیم تا خدا از ما راضی شود؟ پس به جای حرف بهتراست به دنبال عمل برویم. خدا کند که بفهمیم، و اگر فهمیدیم به لطف او، خدا کند که وارد راه شویم، و اگر وارد راه شدیم به لطف او، خدا کند رهایش نکنیم، باز هم به لطف او... فقط همین را بدانیم: برای آن مرد از آن سلاله پاک، یک قدم هم برداریم کافیست. اگر هر کدام از ما یک قدم بردارد، راهی نمانده، خوب بودن سخت نیست، اما تلاش می خواهد و درک این که این یک قدم ها وظیفه ای است که باید از عهده آن برآییم، خود حکایتی طولانی دارد. و در پایان تو را که می دانم قلبت از آن اوست و برای او می تپد به او می سپارم... ای معدن نور به امید آن روز که توییابی و من نیز با امید به درگاهت زانو بزنم، مرا بپذیری و با خود ببری، هر کجا که می روی، ...

وَ آخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

حیدر حسین الترتبی الكربلائی عبید آل محمد صلی الله علیهم

جمادی الآخرة ۱۴۲۸ الهجرية

کتاب نامه

القرآن الکریم، کلام الله سبحانه و تعالی.
نهج البلاغة: الإمام أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیهما السلام (شهادت سال ۴۰هـ).
چاپ دارالمعرفة - بیروت.
و تحقیق صبحی الصالح، نشر دارالأسوة، اوقاف چاپ اول ۱۴۱۵هـ.

الف

الإحتجاج: أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی (ت ۵۶۰هـ)، منشورات دارالنعمان النجف الأشرف.
إرشاد القلوب: حسن بن أبی الحسن محمد الدیلمی (از علمای قرن ۸)، نشر الرضی - قم،
چاپ دوم ۱۴۰۹هـ.
و دارالأسوة، تهران، ۱۴۱۷هـ.
الإستبصار: شیخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسی (ت ۴۶۰هـ)، دارالکتب الإسلامية - تهران.
أعلام الدین: الواعظ الدیلمی (ت ۸۴۱هـ) مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ اول.
إعلام الوری: أمين الإسلام الشیخ فضل بن الحسن الطبرسی (ت ۵۴۸هـ)، انتشارات
دارالکتب الاسلامیة - قم، چاپ ۳.

ب

٩٦ / حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

بحار الأنوار: العلامة محمد باقر المجلسي (ت ١١١١هـ)، دار الكتب الإسلامية تهران، چاپ چهارم ١٣٦٢ش.

و مؤسسه الوفاء - بيروت، ١٤٠٣.

بصائر الدرجات الكبرى: محمد بن الحسن الصفار (ت ٢٩٠هـ)، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشي نجفی، چاپ ٢.

ت

تحف العقول: حسن بن علي الحراني (قرن ٤)، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ دوم ١٤٠٤ هجری.

تذكرة الفقهاء: العلامة حسن بن يوسف الحلبي (ت ٧٢٦هـ)، چاپ سنگی مكتبة المرتضوية - قم.

تفسير ابن كثير: إسماعيل بن كثير القرشي الدمشقي (ت ٧٧٤هـ)، چاپ دار المعرفة بيروت، ١٤٠٢هـ.

تفسير الصافي: الفيض الكاشاني محمد بن حسن بن شاه مرتضى (ت ١٠٩١هـ)، مكتبة الصدر - تهران، چاپ اول ١٤١٥هـ.

تفسير القمي: علي بن ابراهيم القمي (ت ٣٢٩هـ)، مؤسسه دارالكتاب - قم، چاپ ٣، ١٤٠٤هـ.
تفسير نور الثقلين: الشيخ عبد علي بن جمعة العروسي الحويزي (ت ١١١٢هـ)، تحقيق: سيدهاشم رسولي محلاتي، چاپ و نشر مؤسسه اسماعيليان - قم.

تفسير العياشي: محمد بن مسعود العياشي (ت ٣٢٠هـ)، چاپخانه علمیه - تهران، ١٣٨٠هـ ش.
تهذيب الأحكام: شيخ الطائفة الحقة محمد بن الحسن الطوسي (ت ٤٦٠هـ)، دارالكتب الإسلامية - تهران چاپ ٤.

ث

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي (ت ٣٨١هـ)،

نشری ۱۳۶۴ ش.

ج

جامع الأخبار: محمد بن محمد السبزواری (قرن ۷)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم.
الجامع لأحكام القرآن: محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي (ت ۶۷۱هـ)، دار إحياء التراث العربي - بيروت، ۱۴۰۵هـ.
المجفريات (الأشعثيات): محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (القرن ۴)، چاپ مكتبة نينوى الحديثة - تهران.
جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام: الشيخ محمد حسن التنجي (ت ۱۲۶۶هـ)، نشر دار الكتب الإسلامية - تهران.
و مؤسسه المرتضى العالمي - بيروت.

خ

الخرائج والمجرائح: قطب الدين الراوندي (ت ۵۷۳هـ)، مؤسسه امام مهدي عليه السلام - قم، چاپ اول ۱۴۰۹هـ.
الخصال: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱هـ)، جامعه مدرسين حوزة علميه - قم.
الخلاص: شيخ الطائفة الحقة محمد بن الحسن الطوسي (ت ۴۶۰هـ)، تحقيق: سيد جواد شهرستاني و سيد علي خراساني و شيخ محمد مهدي نجف، مؤسسه نشر اسلامي - قم، چاپ اول ۱۴۱۷هـ.

د

دعائم الإسلام: نعمان بن محمد التميمي المغربي (ت ۳۶۳هـ)، دار المعارف - مصر، چاپ دوم ۱۳۸۵هـ.

ر

٩٨ / حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

الرّوضة البهيّة في شرح اللّمة الدّمشقيّة: الشّهد الثّانيّ زين الدّين بن عليّ الجبعيّ العامليّ (شهيد در ٩٦٦هـ)، چاپ های متعدّد.

روضة الواعظين: الشّهد محمد بن الفتّال التّيشابوريّ رضوان الله عليه (شهيد در ٥٠٨هـ)، منشورات الرّضيّ - قم.

و چاپ مكتبة المصطفوي - قم، ١٣٧٧هـ.

و نشر دليل ما - قم، چاپ اوّل ١٤٢٣هـ.

ز

زبدة البيان في أحكام القرآن: ملّا أحمد مشهور به محقّق اردبيلي (ت ٩٩٣هـ)، كنز محقّق اردبيلي، چاپ اوّل ١٣٧٥ش.

س

سلسلة الينابيع الفقهية: على اصغر مرواريد (معاصر)، مؤسّسة فقه الشيعة - بيروت، چاپ اول ١٤١٠هـ.

ش

شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام: المحقّق الحليّ أبو القاسم جعفر بن محمد (ت ٦٧٢هـ)، دارالأضواء - بيروت، ١٤٠٣ و ساير چاپ ها.

شرح نهج البلاغة: عبد الحميد بن أبي الحديد المعتزليّ (ت ٦٥٦هـ)، چاپ دار احياء الكتب العربيّة، ١٣٨٥هـ.

ص

الصّاح تاج اللّغة و صحاح العربيّة: إسماعيل بن حماد الجوهريّ (ت ٣٩٨هـ)، دارالعلم للملّايين - بيروت، چاپ دوم ١٤٠٤هـ.

ع

العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة: عليّ بن يوسف الحليّ، برادر علامه حليّ (قرن ٨)،

کتابخانہ آیۃ اللہ مرعشی نجفی، چاپ اول ۱۴۰۸ھ.

علل الشرائع: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱ھ)، المطبعة الحيدريّة - التّجف الأشرف، ۱۳۸۶ھ.

عوالي اللآلي العزیزیّة في الأحاديث الدّینیّة: ابن أبي جمهور الأحسائي (ت ۸۸۰ھ)، تحقیق محبّی عراقی، نشر سیّد الشهداء - قم، چاپ اول ۱۴۰۵ھ.

عیون أخبار الرضا علیه السلام: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱ھ)، نشر مؤسّسة الأعلمی - بیروت.

غ

غرر الحكم: عبد الواحد الأمدي التّميمي (ت ۵۵۰ھ)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه - قم، چاپ اول ۱۳۶۶ش.

الغیبة: شیخ الطائفة الحقّة محمد بن الحسن الطوسي (ت ۴۶۰ھ)، مؤسّسة المعارف الإسلامیّة - قم، چاپ اول ۱۴۱۱ھ.

ف

فقه الرضا علیه السلام: تحقیق مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، چاپ کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.

فقه القرآن: سعيد بن عبدالله، القطب الراوندي (ت ۵۷۳ھ)، کتابخانہ آیۃ اللہ مرعشی نجفی، چاپ اول ۱۳۹۷ھ.

ق

قرب الإسناد: عبدالله بن جعفر الحميري القمي (قرن ۳)، کتابخانہ نینوا تهرآن. و چاپ مؤسّسه آل البيت عليهم السلام - قم.

ک

الکافي: ثقة الإسلام أبوجعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت ۳۲۹ھ)،

١٠٠/ حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

دارالکتب الإسلامیة - تهران، چاپ سوم ۱۳۸۸هـ.

كشف الغمّة: علي بن عيسى بن أبي الفتح الإربليّ (ت ۶۹۳هـ)، دارالأضواء بيروت، چاپ دوم ۱۴۰۵هـ.

كشف المحجّة: السيّد أبو القاسم عليّ بن موسى بن جعفر بن طاووس الحليّ (ت ۶۶۴هـ)، تحقيق: شيخ محمد حسّون، نشر مكتب الإعلام الإسلامي - قم.

كنز العرفان في فقه القرآن: مقداد بن عبدالله السيوريّ (ت ۸۲۶هـ)، كتابخانه نوید اسلام - قم، چاپ اول ۱۴۲۲هـ.

كمال الدين و تمام النعمة: الشيخ الصدوق أبو جعفر محمد بن عليّ بن بابويه القميّ (ت ۳۸۱هـ)، مؤسسه نشر اسلامي - قم، ۱۴۰۵هـ.

م

المبسوط: شيخ الطائفة الحقّة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسيّ، چاپ مكتبة مرتضويّة.

المقنع: الشيخ الصدوق أبو جعفر محمد بن عليّ بن بابويه القميّ (ت ۳۸۱هـ)، نشر مؤسسه امام هادي عليه السلام - قم.

المقنعه: الشيخ المفيد محمد بن محمد بن نعمان العكبريّ البغداديّ (ت ۳۱۴هـ)، نشر جامعه مدرّسين، قم.

متشابه القرآن: محمد بن عليّ بن شهر آشوب المازندرانيّ (ت ۵۸۸هـ)، انتشارات بيدار، ۱۳۲۸ش.

مجموعة ورام = تنبيه الخواطر و نزهة النواظر: ورام بن ابی فراس المالکيّ الأشتريّ (ت ۶۰۵هـ)، دارالکتب الإسلامیة - تهران.

المحاسن: الشّیخ أحمد بن محمد بن خالد البرقيّ (ت ۲۸۰هـ)، نشر دارالکتب الإسلامیة.

مجمع البيان في تفسير القرآن: فضل بن الحسن بن فضل الطوسيّ (ت ۵۶۰هـ)، نشر مؤسسه الأعلمي - بيروت.

كتاب نامه ١٠١/

مسالك الأفهام في شرح شرائع الإسلام: الشيخ الشهيد الثاني، زين الدين بن علي بن أحمد العاملي (المستشهد سنة ٩٦٦هـ)، مؤسسه المعارف الإسلامية - قم، ١٤١٤هـ.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: الحاج ميرزا حسين التوري الطبرسي (ت ١٣٢٠هـ)، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، ١٤٠٧هـ.

مستطرفات السرائر: محمد بن إدريس الحلبي (ت ٥٩٨هـ)، جامعه مدرسين حوزة علميه - قم، چاپ دوم ١٤١١هـ.

مكارم الأخلاق: أبو نصر حسن بن الفضل الطبرسي (از علمای قرن ٦)، منشورات الشريف الرضي، قم. و چاپ جامعه مدرسين قم.

منتخب الأنوار المضيئة: السيد علي بن عبد الكريم النيلي النجفي (حي سنة ٨٠٣)، تحقيق و نشر مؤسسه امام هادي عليه السلام - قم، ١٤٢٠

من لا يحضره الفقيه: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي (ت ٣٨١هـ)، نشر جامعه مدرسين حوزة علميه - قم، چاپ دوم ١٤٠٤هـ.

منية المريد في آداب المفيد و المستفيد: الشهيد الثاني زين الدين بن علي بن أحمد العاملي السامي (ت ٩٦٥هـ)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علميه - قم، چاپ اول ١٤٠٩هـ.

ن

النوادر: فضل الله بن علي الراوندي (من أعلام القرن ٦)، تحقيق و نشر مؤسسه امام مهدي عليه السلام - قم.

النهاية في غريب الحديث و الأثر: مبارك بن محمد الجزري، ابن الأثير (ت ٦٠٦هـ)، اسماعيليان - قم، ١٣٦٤.

و

وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة: الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي (ت ١١٠٤هـ)، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ اول ١٤١١هـ.

- ۱- سوره (۳۴) سبأ آیه ۶.
- ۲- سوره (۳۰) الزوم آیه ۳۱: فِظَرَتَ اللّٰهُ الَّتِي فَظَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا.
- ۳- سوره (۱۹) التوبة آیه ۱۰۵: وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.
- ۴- سوره (۶) الأنعام آیه ۱۵۴: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.
- ۵- سوره (۷) الأعراف آیه ۱۵۸.
- ۶- سوره (۸) الأنفال آیه ۳۸.
- ۷- سوره (۴) النساء آیه ۱۴: ... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.
- سوره (۴) النساء آیه ۶۰: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.
- سوره (۴) النساء آیه ۷۰: وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.
- سوره (۴) النساء آیه ۸۱: مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا.
- سوره (۲۴) التور آیه ۵۳: وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.
- سوره (۳۳) الأحزاب آیه ۷۲: ... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.
- سوره (۴۸) الفتح آیه ۸۱: ... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّىٰ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا.

۸- سوره (۷۶) الذَّهَر (الإنسان) آیه ۴: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا.

۹- بحار الأنوار: ج ۶ ص ۲۴۹ ب ۸ و ج ۵۸ ص ۷۸: التَّيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ، وَإِنَّمَا تُتَقَلَّبُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شما برای نبود شدن آفریده نشده‌اید، بلکه آفریده شده‌اید تا بمانید و جاودانی شوید و همانا از خانه ای (دنیا) به خانه دیگر (آخرت) منتقل می‌شوید.

و غرر الحکم: ص ۱۳۳ ح ۲۲۹۱: إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ وَإِتِّكُم فِي دَارٍ بُلُغَةٍ وَمَنْزِلٍ قُلْعَةٍ.

۱۰- «أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا أُحِبُّ». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پروردگارا! تو همانطوری که من دوست دارم، مرا هم همانگونه کن که خود دوست می‌داری.
الخصال: ج ۲ ص ۴۲۰، روضة الواعظین: ج ۱ ص ۱۰۹، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۴۰۲ ب ۱۵ و ج ۹۱ ص ۹۲ ب ۳۲.

۱۱- سوره (۶) الأنعام آیه ۴۴: فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

۱۲- سوره (۱۴) ابراهيم عليه السلام آیه ۲۳: ... وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْهُمُونِي وَلَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ.
۱۳- سوره (۵۱) الذَّارِيَات آیه ۵۶.

۱۴- فرازی از دعای شریف ندبه که از امام جعفر صادق و حضرت صاحب الامر علیهما السلام نقل شده است.

۱۵- الکافی: ج ۲ ص ۴۱۴ باب أدنی ما يكون به العبد مؤمناً ... ۱۰.

۱۶- کنز الفوائد: ج ۱ ص ۳۵۲، وسائل الشیعة: ج ۲۷ ص ۱۶۹ ب ۱۲ ح ۳۳۵۱۵، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۶۰ ب ۳۱ ح ۱۷ و ج ۷۱ ص ۲۸ ب ۱۸ ح ۷، مستدرک الوسائل: ج ۱۲ ص ۲۱۷ ب ۱۴ ح ۲.

۱۷- الکافی: ج ۱ ص ۵۸ باب البدع والرأی والمقاییس ... ح ۱۹.

- ١٨- بصائر الدرجات: ص ١٤٨ ب ١٣ ح ٧.
- ١٩- الكافي: ج ١ ص ٥٤ باب البدع و ... ح ٢، عوالی اللآلی: ج ٤ ص ٧٠ جملة ٢ ح ٣٩، نهج الحق: ص ٣٧، منية المرید: ص ١٨٦، وسائل الشیعة: ج ١٦ ص ٢٦٩ ب ٤٠ ح ٢١٥٣٨، بحار الأنوار: ج ١٠٥ ص ١٥ اجازه ٢٨.
- ٢٠- بحار الأنوار: ج ٥٤ ص ٢٣٤.
- ٢١- إرشاد القلوب: ج ١ ص ٦٩ ب ١٧.
- ٢٢- رجال الکشي: ص ٤٩٣ ح ٩٤٦، علل الشرائع: ج ١ ص ٢٣٥ ب ١٧١ ح ١، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ١١٢ ب ١٠ ح ٢، الغيبة، الشيخ الطوسي: ص ٦٣، وسائل الشیعة: ج ١٦ ص ٢٧١ ب ٤٠ ح ٢١٥٤٦، بحار الأنوار: ج ٤٨ ص ٢٥٢ ب ١٠.
- ٢٣- سورة (٧) اعراف آیه ١٥٨: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.
- ٢٤- سورة (٢٤) النور آیه ٣١.
- ٢٥- وسائل الشیعة: ج ١ ص ٣٠٠ ب ١ ح ٧٨٩ و مستدرک الوسائل: ج ١١ ص ١٤٣ ح ١٢٦٦٠- ٤ از تفسیر نعمانی.
- ٢٦- من لا یحضره الفقیه: ج ٢ ص ٦٢٦ باب الفروض علی الجوارح ... ح ٣٢١٥، وسائل الشیعة: ج ١٥ ص ١٦٨ ح ٢٠٢٢٤.
- ٢٧- الكافي: ج ٥ ص ٥٢١ باب ما یحل النظر إلیه من المرأة ... ح ٥، وسائل الشیعة: ج ٢٠ ص ١٩٢ ب ١٠٤ ح ٢٥٣٩٨.
- ٢٨- الكافي: ج ٢ ص ٣٣ باب فی أنَّ الإیمان مبثوث لجوارح البدن کلها ح ١، من لا یحضره الفقیه:

- ج ۲ ص ۶۲۶ باب الفروض على الجوارح، وسائل الشيعة: ج ۱۵ ص ۱۶۴ ب ۲ ح ۲۰۲۱۸.
- ۲۹- مستدرك الوسائل: ج ۱ ص ۲۴۵ ح ۴۸۹-۳.
- ۳۰- من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۱۱۴ باب غسل يوم الجمعة ... ح ۲۳۵، وسائل الشيعة: ج ۱ ص ۳۰۰ ب ۱ ح ۷۸۷.
- ۳۱- تفسير القمي: ج ۲ ص ۱۰۱، الكافي: ج ۲ ص ۳۳ ح ۱، وسائل الشيعة: ج ۱۵ ص ۱۶۴ ب ۲ ح ۲۰۲۱۸، بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۳۳ ح ۵.
- ۳۲- سورة (۲۴) النور آیه ۳۲.
- ۳۳- تفسير القمي: ج ۲ ص ۱۹۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۳۳ ب ۳۴ ح ۶.
- ۳۴- الكافي: ج ۵ ص ۵۲۳ باب أولي الإربة من الرجال ... ح ۱، التهذيب: ج ۷ ص ۴۶۸ ب ۴۱ ح ۸۱، وسائل الشيعة: ج ۲۰ ص ۲۰۴ ب ۱۱۱ ح ۲۵۴۳۶ و ۲۵۴۳۷.
- ۳۵- الكافي: ج ۵ ص ۵۲۰ باب ما يحل النظر إليه من المرأة ... ح ۱، وسائل الشيعة: ج ۲۰ ص ۲۰۰ ب ۱۰۹ ح ۲۵۴۲۵.
- ۳۶- سورة (۲۴) النور آیه ۶۱.
- ۳۷- الكافي: ج ۵ ص ۵۲۲ باب القواعد من النساء ... ح ۳، وسائل الشيعة: ج ۲۰ ص ۲۰۲ ب ۱۱۰ ح ۲۵۴۳۰.
- ۳۸- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۲ ص ۸۸-۹۶ ب ۳۳ ح ۱، وسائل الشيعة: ج ۲۰ ص ۱۹۳ ب ۱۰۴ ح ۲۵۴۰۶، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۱۰۲ فصل ۲ ح ۲.
- ۳۹- تفسير القمي: ج ۲ ص ۱۰۷، بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۴۰ ب ۳۴ ح ۴۵، مستدرك الوسائل: ج ۱۴ ص ۲۷۶ ب ۸۶ ح ۱۶۷۰۵-۲.
- ۴۰- جواهر الكلام: ج ۲۹ ص ۸۵: وَ أَمَّا الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ: فالَّذِي يظهر بقاء حكم العورة بالنسبة إلى ما يعتاد ستره من الأجساد في مثلهنّ من البطن ونحوها، نعم، لأبأس ببروز وجوههنّ

و بعض شعرهنّ و أذرعهنّ و نحو ذلك ممّا يعتاد في العجائز المسنّة لا أنّ المراد ارتفاع حكم العورة بالنسبة إليهنّ الذي يمكن دعوى ضرورة المذهب أو الدّين على خلافه.

٤١- تفسير مجمع البيان: ج ٧ ص ٢٧١.

٤٢- الكافي: ج ٥ ص ٥٢٢ باب القواعد من النّساء... ح ٣، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ٢٠٢ ب ١١٠ ح ٢٥٤٣٠.

٤٣- الكافي: ج ٥ ص ٥٢٢ باب القواعد من النّساء... ح ٢، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ٢٠٣ ب ١١٠ ح ٢٥٤٣٢.

٤٤- الكافي: ج ٥ ص ٥٢٢ ح ١، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ٢٠٢ ب ١١٠ ح ٢٥٤٣١.

٤٥- الكافي: ج ٥ ص ٥٢٢ ح ٤، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ٢٠٣ ب ١١٠ ح ٢٥٤٣٣.

٤٦- تهذيب الأحكام: ج ٧ ص ٤٨٠ ب ٤١ ح ١٣٦، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ٢٠٣ أبواب مقدّمات النّكاح ب ١١٠ ح ٢٥٤٣٥.

٤٧- تهذيب الأحكام: ج ٧ ص ٤٦٧ ب ٤١ ح ٧٩، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ٢٠٣ أبواب مقدّمات النّكاح ب ١١٠ ح ٢٥٤٣٤.

٤٨- قرب الإسناد: ص ١٦٠ الجزء ٣، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ١٩٩ ب ١٠٧ ح ٢٥٤٢٠.

٤٩- سوره (٣٣) الأحزاب آيه ٣٣.

٥٠- سوره (٣٣) الأحزاب آيه ٣٤.

٥١- سوره (٣٣) الأحزاب آيه ٥٤.

٥٢- سوره (٣٣) الأحزاب آيه ٦٠.

٥٣- تفسير مجمع البيان: ج ٤ ص ١٥٥.

٥٤- زبدة البيان، سوره نوز: آيه ٥٩.

٥٥- تذكرة الفقهاء: ج ٢ ص ٤٤٨؛ جواهر الكلام: ج ٢٩ ص ٧٧.

- ۵۶- تفسیر الصّافی: ج ۲ ص ۳۶۶.
- ۵۷- جواهر الکلام: ج ۲۹ ص ۷۰۷.
- ۵۸- مسالک الأفهام: ج ۷ ص ۴۷.
- ۵۹- جواهر الکلام: ج ۲۹ ص ۷۷.
- ۶۰- تفسیر الصّافی: ج ۲ ص ۳۶۶.
- ۶۱- جواهر الکلام: ج ۲۹ ص ۷۸.
- ۶۲- صحاح اللّغة: ج ۱ ص ۱۰۱.
- ۶۳- الجامع لأحكام القرآن: ج ۱۴ ص ۲۴۴.
- ۶۴- تفسیر ابن کثیر: ج ۴ ص ۲۴۴.
- ۶۵- الجلباب خمار المرأة الذی یغطی رأسها و وجهها اذا خرجت لحاجة، یعنی: جلباب سرپوشی است که زن، سر و صورت خود را هنگام بیرون رفتن از خانه (با آن) می پوشاند، تفسیر مجمع البیان.
- ۶۶- الخصال: ج ۱ ص ۲۲۳ ح ۵۴، بحار الأنوار ج ۱۰۱ ص ۱۰۷ ب ۳ ح ۲.
- ۶۷- مشکاة الأنوار: ص ۱۷۳ الفصل ۱۹، بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۲۸۶ ب ۷۸ و ج ۷۲ ب ۴۷.
- ۶۸- جامع الأخبار: ص ۱۴۵ الفصل ۷، بحار الأنوار ج ۱۰۱ ص ۳۸ ب ۳۴ ح ۳۵، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۳۴۰ ب ۱۲ ح ۱۶۸۹۴-۱.
- ۶۹- شرائع الإسلام: ج ۲ ص ۲۶۹.
- ۷۰- جواهر الکلام: ج ۲۹ ص ۵۱۲.
- ۷۱- الکافی: ج ۵ ص ۵۲۵ ح ۱، وسائل الشّیعة: ج ۲ ص ۲۰۸ ب ۱۱۵ ح ۲۵۴۴۷.
- ۷۲- الکافی: ج ۵ ص ۵۲۶ ح ۱، وسائل الشّیعة: ج ۲ ص ۲۰۸ ب ۱۱۵ ح ۲۵۴۴۸.
- ۷۳- سورة (۶۰) الممتحنة: آیه ۱۳.

٧٤- تفسیر القمی: ج ٢ ص ٣٦٣ ب ٦٠، الکافی: ج ٥ ص ٥٢٧ باب صفة مبايعة النبي صلى الله عليه وآله النساء... ح ٥، شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج ١٨ ص ٨، وسائل الشيعة: ج ٢٠ ص ٢١١ ب ١١٧ ح ٢٥٤٥٤، بحار الأنوار: ج ٢١ ص ١١٣ ب ٢٦ ح ٦.

٧٥- دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٢٦، مكارم الأخلاق: ص ٢٣٣ الفصل ٩، وسائل الشيعة: ج ٢٠ ص ١٨٥ ب ٩٩ ح ٢٥٣٨٣، بحار الأنوار: ج ٧٩ ص ١٠١ ب ١٦ و ج ١٠٠ ص ٢٦١ ب ٥ ح ١٧، مستدرک الوسائل: ج ٢ ص ٤٤٩ ب ٧١ ح ٢٤٣٣ - ٢ و ص ٤٥٣ ح ٢٤٤٩ - ١٨ و ج ١٤ ص ٢٦٥ ب ٧٨ ح ١٦٦٦٦ - ٣.

٧٦- الکافی: ج ٥ ص ٥١٩ باب التستر... ح ٦، وسائل الشيعة: ج ٢٠ ص ١٨٥ ب ٩٩ ح ٢٥٣٨١.

٧٧- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢١٤ ح ٧٩١، مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٧٢ ب ٨٣ ح ١٦٦٩٠ - ١.

٧٨- وسائل الشيعة: ج ٢٠ ص ٢١٤ ب ١١٨ ح ٢٥٤٥٨، مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٨١ ب ٩١ ح ١٦٧٢٠.

٧٩- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢١٥ الفصل ٤ ح ٧٩٤، مستدرک الوسائل: ج ١ ص ٣٨٥ ب ١٢ ح ٩٣٠ - ٤ و ج ١٤ ص ٢٨٠ ب ٩٠ ح ١٦٧١٦ - ٣.

٨٠- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢١٥ فصل ٤ ح ٧٩٦، مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٨٠ ب ٩٠ ح ١٦٧١٨ - ٥.

٨١- من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ١٣ باب ذكر جمل من مناهي النبي صلى الله عليه وآله

٨٢- من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٧٦-٣٥٢ باب التّوادر ح ٥٧٦، الخصال: ج ٢ ص ٥١١، وضع عن النّساء تسعة عشر شيئاً...، مكارم الأخلاق: ص ٤٣٨ الفصل ٣ دروحيه پيامبر صلى الله عليه وآله به امام على عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٤٦ ح ٣ و ج ١٠٠ ص ٢٥٧ ح ٢.

٨٣- الکافی: ج ٥ ص ٥١٣ باب ما يجب من طاعة الزوج ... ح ١، من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٤١ باب حق المرأة على الزوج ... ح ٤٥٣٢، مكارم الأخلاق: ص ٢١٦، التّوادر، التّراوندي:

ص ۴۳، وسائل الشیعة: ج ۲۰ ص ۱۷۴ ب ۹۱ ح ۲۵۳۵-۱، بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۱۴۵ ب ۳۷ ح ۱۳۶، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۲۵۶ ب ۷۱ ح ۱۶۶۳۸-۱ و ص ۲۵۷ ح ۱۶۶۴۰-۳ و ص ۲۵۸ ح ۱۶۶۴۴-۷.

۸۴- در کتاب الکافی: فَاسْتُرُوا، و در مستدرک الوسائل: فَادْرَءُوا آمده است.

الکافی: ج ۵ ص ۵۳۵ ح ۱ و ۴، من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۳۹۰ باب المذموم من أخلاق النساء و ... ح ۴۳۷۲، مکارم الأخلاق: ص ۲۰۱، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۱۸۲ ح ۱۶۴۵۱-۳، وسائل الشیعة: ج ۲۰ ص ۶۶ ب ۲۴ و ۲۵۰۵۱ و ۲۵۰۵۳، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۲۵۲ ب ۴- أحوال الرجال و ... ح ۵۰.

۸۵- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۱۴ الفصل ۴ ح ۷۸۹، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۱۸۲ ب ۲۱ ح ۱۶۴۵۱-۳.

۸۶- النوادر الزوائد: ص ۳۶، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۲۵۰ ب ۴۴ ح ۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۱۸۱ ب ۲۱ ح ۱۶۴۴۹-۱.

۸۷- الکافی: ج ۵ ص ۵۳۴ باب التسليم على النساء ... ح ۱، شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد: ج ۲ ص ۳۱۰/ الحکمة ۵۵۷، وسائل الشیعة: ج ۲۰ ص ۲۳۴ ب ۱۳۱ ح ۲۵۵۱۶.

۸۸- الکافی: ج ۵ ص ۵۱۱ باب حق المرأة على الزوج ... ح ۳، وسائل الشیعة: ج ۲۰ ص ۱۷۰ ب ۸۸ ح ۲۵۳۳۱.

۸۹- سلسلة ينبایع الفقهيّة: ج ۱۸ ص ۴۵.

۹۰- الإحتجاج، الطبرسي: ج ۱ ص ۹۷، بحار الأنوار: ج ۲۹ ص ۲۲۰.

۹۱- روضة الواعظین: ج ۱ ص ۱۵۰، بحار الأنوار: ج ۴۳ ص ۱۹۱ ب ۷ ح ۲۰.

۹۲- الکافی: ج ۵ ص ۳۲۴ ح ۱، من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۳۸۹ ح ۴۳۶۷.

۹۳- المجمعیات: ص ۱۴۷، الکافی: ج ۵ ص ۳۲۵ ح ۱، من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۳۹۱ باب

- المذموم من أخلاق النساء و ... ح ۴۳۷۶، تهذيب الأحكام: ج ۷ ص ۴۰۰ ب ۳۴ ح ۶،
روضة الواعظین: ج ۲ ص ۳۷۴، مکارم الأخلاق: ص ۲۰۲، وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۳۳ ب ۷
ح ۲۴۹۵۷، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۱۶۵ ب ۱۶۳۸۹-۵ و ص ۱۶۶ ح ۱۶۳۹۳-۹.
- ۹۴- الکافی: ج ۸ ص ۶۹، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۲۸۴ ب ۸۷.
- ۹۵- الجعفریات: ص ۱۴۷، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۰۲ ب ۷۰ ح ۱۵۱۰۶-۱ و ج ۱۴ ص ۳۴۸
ب ۱۶ ح ۱۶۹۱۸-۴.
- ۹۶- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۴۵۵ فصل ۲ ح ۱۵۹۷، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۳۴۹ ب ۱۶
ح ۱۶۹۲۱-۷.
- ۹۷- علل الشرائع: ج ۲ ص ۶۰۲ ب ۳۸۵ ح ۶۳، وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۳۳۷ ب ۱۸ ح ۲۵۷۶۵،
بحار الأنوار: ج ۷ ص ۶۴ ب ۷۱ ح ۷.
- ۹۸- علل الشرائع: ج ۲ ص ۶۰۲ ب ۳۸۵ ح ۶۵، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۲۸۵ ب ۸۷ ح ۲۲۵۳۴.
- ۹۹- این آیه کریمه را تلاوت فرمودند: (۲) سوره بقره: آیه ۱۵۷: «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» کنایه از
این که با مصیبتی مواجه گردیده‌اند.
- ۱۰۰- بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۴۱ ب ۶۷ ح ۱۱.
- ۱۰۱- مکارم الأخلاق: ص ۱۱۸، وسائل الشیعة: ج ۵ ص ۲۵ أبواب أحكام الملابس ب ۱۳ ح ۵۷۹۴.
- ۱۰۲- الکافی: ج ۸ ص ۶۹ ح ۲۷، علل الشرائع: ج ۲ ص ۶۰۲ ب ۳۸۵ ح ۶۳، وسائل الشیعة: ج ۱۷
ص ۲۸۴، أبواب ما یکتسب به، ب ۸۷ ح ۲۲۵۳۱.
- ۱۰۳- المحاسن: ج ۱ ص ۱۱۳ ب ۵۱ ح ۱۰۸، الکافی: ج ۵ ص ۵۵۰ ح ۴، وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۳۴۶
ب ۲۴ ح ۲۵۷۸۹.
- ۱۰۴- فقه الرضا علیه السلام: ص ۲۵۰ ب ۳۶، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۹۴ ب ۱۷ ح ۱۴۸۷۴-
ا و ج ۱۴ ص ۲۹۱ ب ۱۰۳ ح ۱۶۷۵۰-۴ و ص ۳۴۱ ب ۱۴ ح ۱۶۸۹۸-۱، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۱۱۶

ب ۸۴ ح ۱۱ و ج ۱۰۰ ص ۵۱ ب ۴ ح ۱۳.

۱۰۵- الجعفریات: ص ۱۲۷، مکارم الأخلاق: ص ۲۳۲ الفصل ۹، وسائل الشیعة: ج ۲۰ ص ۳۴۲

ب ۲۲ ح ۲۵۷۸۲، بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۴۶ ب ۳۶ ح ۱۵، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۳۴۸

ب ۱۶ ح ۱۶۹۱۷- ۳ و ص ۳۵۲ ب ۱۹ ح ۱۶۹۳۳- ۳.

۱۰۶- علل الشرائع: ج ۲ ص ۶۰۲ ب ۳۸۵ ح ۶۴، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۶۵ ب ۷۱.

۱۰۷- الکافی: ج ۶ ص ۴۵۸ باب تسمیر الثیاب ... ۱۲، مکارم الأخلاق: ص ۱۱۸، وسائل الشیعة:

ج ۵ ص ۲۵، أبواب أحكام الملابس، ب ۱۳ ح ۵۷۹۳ و ص ۴۲ ب ۲۳ ح ۸۵۵۱.

۱۰۸- التروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة تحقیق کلانتر: ج ۳ ص ۲۱۶.

۱۰۹- الجعفریات: ص ۲۳۴ باب البرّ و...، من لایحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۵۲ ح ۷۷۰، علل الشرائع:

ج ۲ ص ۳۴۸ ب ۵۶ ح ۶، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۲۳ ب ۳۰ ح ۵۱،

تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۲ ب ۷۹ ح ۱۰، قصص الأنبیاء، القطب الراوندي: ص ۲۷۹ الفصل ۱۰

ح ۳۴۲، مجموعة ورام: ج ۱ ص ۱۵ الجزء الأول، مشکاة الأنوار: ص ۳۲۵ ب ۹، النّوادر الراوندي:

ص ۵۵، وسائل الشیعة: ج ۴ ص ۳۸۵ ب ۱۹ ح ۵۴۶۸ و ج ۱۵ ص ۱۴۶ ب ۶۴ ح ۲۰۱۸۰ و ج ۲۵

ص ۳۶۳ ب ۲۷ ح ۳۲۱۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۱ ص ۱۱۹ ب ۵۲ ح ۱۲۵۸۵- ۱ و ج ۱۶ ص ۲۹۷

ب ۷۲ ح ۱۹۹۴۱- ۶.

۱۱۰- من لایحضره الفقیه: ج ۴ ص ۳، الأمالی، الشیخ الصدوق: ص ۴۴۲ المجلس ۶۶، مجموعة ورام:

ج ۲ ص ۲۵۶، مکارم الأخلاق: ص ۴۲۴ الفصل ۲، وسائل الشیعة: ج ۲۰ ص ۱۹۷ ب ۱۰۶

ح ۲۵۴۱۶، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۲۸ ب ۶۷ و ج ۱۰۰ ص ۲۴۳ ب ۴ و ج ۱۰۱ ص ۳۲ ب ۳۴ ح ۱.

۱۱۱- تحف العقول: ص ۱۴۹ خطبة الدیاج، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۲۹۱ ب ۱۴ ح ۲.

۱۱۲- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۷۸۸، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۲۷۳ ب ۸۳ ح ۱۶۶۹۲- ۳.

۱۱۳- تحف العقول: ص ۳۱۹، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۲۳۲ ب ۲۳.

- ۱۱۴- الکافی: ج ۵ ص ۵۳۵ باب التَّسْلِيم على النَّساء ... ح ۲، مشکاة الأَنْوَاز: ص ۲۰۳ الفصل ۵، وسائل الشَّيعة: ج ۲۰ ص ۲۳۴، أبواب مقدمات التَّكاح، ب ۱۳۱ ح ۲۵۵۱۷.
- ۱۱۵- المَجْعُورِيَّات: ص ۹۷، الکافی: ج ۵ ص ۵۱۶ باب في تَأْذِيب النَّساء ... ح ۱، من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۳۷۴ باب أدب المرأة في الصَّلَاة ... ح ۱۰۸۹، بحار الأَنْوَاز: ج ۱۰ ص ۲۶۱ ب ۵ ح ۱۶، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۲۵۹ ب ۷۲ ح ۱۶۶۴۷-۱.
- ۱۱۶- مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۱۸۲ ب ۲۱ ح ۱۶۴۵۰ و ۱۶۴۵۲-۴ و ص ۲۸۹ ب ۱۰۰ ح ۱۶۷۴۱-۲ از دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۱۵ ح ۷۹۳.
- ۱۱۷- وسائل الشَّيعة: ج ۲ ص ۶۶ ح ۲۵۰۵۴ از كشف الغمّة: ج ۱ ص ۴۶۶ از كتاب «أخبار فاطمة» تأليف شيخ صدوق، العدد القويّة: ص ۲۲۵، مكارم الأخلاق: ص ۲۳۳ الفصل ۹.
- ۱۱۸- مناقب آل أبي طالب عليهم السَّلام: ج ۳ ص ۳۴۱، بحار الأَنْوَاز: ج ۴ ص ۸۴ ب ۴.
- ۱۱۹- سورة آل عمران (آل مُحَمَّد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِم) (۳) آیه: ۳۵: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».
- ۱۲۰- المَجْعُورِيَّات: ص ۹۵، العدد القويّة: ص ۲۲۴، النوادر، الزَّائِدِيّ: ص ۱۴؛ دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۱۵ الفصل ۴ ح ۷۹۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۱۸۲ ب ۲۱ ح ۱۶۴۵۰-۲، بحار الأَنْوَاز: ج ۱۰ ص ۲۵۰ ب ۴ ح ۴۰.
- ۱۲۱- بحار الأَنْوَاز: ج ۴ ص ۹۲ ب ۴ ح ۱۶.
- ۱۲۲- الکافی: ج ۵ ص ۳۳۷ ح ۷، نهج البلاغة، دارالمعرفة بیروت: ج ۳ ص ۵۶ الكتاب ۳۱، كشف المحجّة: ص ۲۲۰، تحف العقول: ص ۶۸، وسائل الشَّيعة: ج ۲ ص ۶۴ ب ۲۴ ح ۲۵۰۴۹، مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۱۸۳ ب ۲۱ ح ۱۶۴۵۳-۵.
- ۱۲۳- الکافی: ج ۳ ص ۳۹۶ ح ۱۴، تهذيب الأحكام: ج ۲ ص ۲۱۹ ب ۱۱ ح ۶۹، الإستبصار: ج ۱ ص ۳۹۰ ب ۲۲۸ ح ۸، مكارم الأخلاق: ص ۹۳، وسائل الشَّيعة: ج ۴ ص ۳۸۸ ب ۲۱ ح ۵۴۷۵.

- ۱۲۴- الکافی: ج ۵ ص ۵۱۹ باب التَّسْتَر... ح ۵، من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۶۱ باب التَّوَادِر... ح ۴۹۲۸، وسائل الشَّیعة: ج ۲۰ ص ۲۲۰ ب ۱۲۳ ح ۲۵۴۷۳-۱ از الخصال: ص ۵۸۵ ح ۱۲.
- ۱۲۵- الکافی: ج ۴ ص ۳۴۴ ح ۱؛ التَّهْذِیْب: ج ۵ ص ۷۳ ح ۲۴۳، وسائل الشَّیعة: ج ۱۲ ص ۴۹۳ ب ۴۸ ح ۱۶۸۷۷.
- ۱۲۶- من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۱۰۰۷، وسائل الشَّیعة: ج ۱۲ ص ۴۹۵ ب ۴۸ ح ۱۶۸۸۱.
- ۱۲۷- من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۵۶ ح ۲۶۸۸، وسائل الشَّیعة: ج ۱۲ ص ۴۹۵ ب ۴۸ ح ۱۶۸۸۲.
- ۱۲۸- من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۴۲ باب ما یجوز الإحرام فیهِ و... ح ۲۶۲۶، وسائل الشَّیعة: ج ۱۲ ص ۴۹۵ ب ۴۸ ح ۱۶۸۸۳.
- ۱۲۹- الکافی: ج ۴ ص ۳۴۴ باب ما یجوز للمحرمة أن تلبسه... ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۷۳ ب ۷ ح ۵۱.
- ۱۳۰- الکافی: ج ۴ ص ۳۴۴ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۷۳ ب ۷ ح ۵۱، وسائل الشَّیعة: ج ۱۲ ص ۴۹۳ ب ۴۸ ح ۱۶۸۷۷.
- ۱۳۱- مستدرک الوسائل: ج ۹ ص ۲۲۴ ب ۳۸ ح ۱۰۷۴۳-۲.
- ۱۳۲- همان ۱۰۷۴۴-۳.
- ۱۳۳- همان ۱۰۷۴۵-۴.
- ۱۳۴- الکافی: ج ۵ ص ۵۲۴ باب النَّظَرُ إِلَى نِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ ح ۱، وسائل الشَّیعة: ج ۲۰ ص ۲۰۵، أبواب مقدمات النِّکاح، ب ۱۱۲ ح ۲۵۴۴۰.
- ۱۳۵- وسائل الشَّیعة: ج ۲۰ ص ۲۰۵، مقدمات النِّکاح، ب ۱۱۲، ح ۲۵۴۴۱.
- ۱۳۶- الکافی: ج ۵ ص ۵۲۴ باب النَّظَرُ إِلَى نِسَاءِ الْأَعْرَابِ وَ أَهْلِ السَّوَادِ ح ۱، وسائل الشَّیعة: ج ۲۰ ص ۲۰۶ ح ۱.

- ١٣٧- التّهایة: ص ٤٨٤؛ الخلاف: ج ٢ ص ١٣٩؛ المبسوط: ج ٤ ص ١٦١.
- ١٣٨- شرائع الإسلام: ج ٢ ص ٢٦٨؛ الرّوضة البهیة: ج ٥ ص ٩٧، سلسلة الینابیع الفقھیة: ج ١٩ ص ٤٢٥.
- ١٣٩- وسائل الشّیعة: ج ٢٠ ص ١٨٥ ب ٩٩ ح ٢٥٣٨٢، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ٥٠ ب ٣٧ ح ١٦.
- ١٤٠- من لایحضره الفقیه: ج ٣ ص ٤٤٠ باب حقّ الزّوج علی المرأة ... ح ٤٥٢٣، مکارم الأخلاق: ص ٢١٥.
- ١٤١- الجعفریّات: ١٠٤، مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٣٠٤ ب ١١٨ ح ١٦٧٨٣- ٦ و ص ٣٣٣ ب ٢ ح ١٦٨٦٩- ٢.
- ١٤٢- مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٨٦ ب ٩٦ ح ١٦٧٣٤- ٢.
- ١٤٣- الکافی: ج ٥ ص ٥٤٣ ح ٣، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٤٤٨ الفصل ٢ ح ١٥٦٦، التّوادر، الرّاوندی: ص ٣٨، وسائل الشّیعة: ج ٢٠ ص ٣١٥ ب ٢ ح ٢٥٧١١.
- ١٤٤- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢١٤ الفصل ٤ ح ٧٨٨، مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٦٥ ب ٧٨ ح ١٦٦٦٥- ٢.
- ١٤٥- الکافی: ج ٥ ص ٥٠٧ باب حقّ الزّوج علی المرأة ... ح ٢، من لایحضره الفقیه: ج ٣ ص ٤٤٠ باب حقّ الزّوج علی المرأة .. ح ٤٥٢١، مکارم الأخلاق: ص ٢١٥، وسائل الشّیعة: ج ٢٠ ص ١٦٠، أبواب مقدمات النّکاح، ب ٨٠ ح ٢٥٣٠٥.
- ١٤٦- الکافی: ج ٥ ص ٥١٩ ح ٣، من لایحضره الفقیه: ج ٣ ص ٤٤٠ ح ٤٥٢٢، وسائل الشّیعة: ج ٢٠ ص ١٦١ ب ٨٠ ح ٢٥٣٠٩.
- ١٤٧- الکافی: ج ٥ ص ٥١٨ باب التّسّتر ... ح ٢، مکارم الأخلاق: ص ٤٣، عوالی اللّالی: ج ٣ ص ٣٠٩ باب النّکاح ... ح ١٣٣، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ٢٤٧ ب ٤ ح ٢٧، وسائل الشّیعة: ج ١٤ ص ١١٢، أبواب مقدمات النّکاح، ب ٨٠ ح ٤ و ص ١٦١ ح ٢٥٣٠٨.

- ١٤٨- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢١٤ الفصل ٤ ح ٧٩٢؛ العدد القويّة: ص ٢٢٤؛ التّوارد، الرّاونديّ: ص ١٣، مستدرك الوسائل: ج ١٤ ص ٢٨٩ ب ١٠٠ ح ١، بحار الأنوار: ج ٤٣ ص ٩١ ب ٤.
- ١٤٩- الكافي: ج ٥ ص ٥٣٤ ح ٢.
- ١٥٠- وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ٢٣٢ ب ١٢٩ ح ٢٥٥١١ - ٤ از مكارم الأخلاق: ص ٢٣٣.
- ١٥١- وسائل الشّيعه: ج ٧ ص ٧٥ ب ٢٩٠ ح ٨٧٧ - ٧ از الخصال: ج ١ ص ٩٨ ح ٤٦، ثواب الأعمال: ص ١٧٧، جامع الأخبار: ص ٩٨ الفصل ٥٤، روضة الواعظين: ج ٢ ص ٤٥٠، كشف الغمّة: ج ٢ ص ٩٩، مكارم الأخلاق: ص ٣١٥.
- ١٥٢- من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ٤٧٣ باب التّوارد... ح ٤٦٥٦ و عوالم اللّالي: ج ٣ ص ٢٩١ باب النّكاح... ح ٤٩، فقه القرآن، الرّاونديّ: ج ٢ ص ١٤٤، باب الزّيادات...، و مكارم الأخلاق: ص ٢٣٦ الفصل ١٠، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ١٩٣ ب ١٠٤ ح ٢٥٤٠٣، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٣٧ ب ٣٤ ح ٢٨.
- ١٥٣- غرر الحكم: ج ١ ص ٢٥١ ح ٢٥٩، مستدرك الوسائل: ج ١٤ ص ٢٧١ ب ٨١.
- ١٥٤- مستدرك الوسائل: ج ١٤ ص ٢٧١ ب ٨١.
- ١٥٥- دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢٠٢ الفصل ٣ ح ٧٣٩، مستدرك الوسائل: ج ١٤ ص ٢٦٨ ب ٨١ ح ١٦٦٧٦-١.
- ١٥٦- جامع الأخبار: ص ٩٣ الفصل ١٠٥ و ص ١٤٥ الفصل ١٠٧، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٣٨ ب ٣٤ ح ٣٤، مستدرك الوسائل: ج ١٤ ص ٢٦٨ ب ٨١ ح ١٦٦٨٠-٥.
- ١٥٧- مستدرك الوسائل: ج ١٤ ص ٢٧٠ ب ٨١ ح ١٦٦٨٦-١١ از لبّ اللّباب.
- ١٥٨- عقاب الأعمال: ص ٣٣٨، وسائل الشّيعه: ج ٢٠ ص ٢٣٢ باب تحريم رؤية المرأة الرّجل الأجنبيّ... ح ٢٥٥٠٩-٢.
- ١٥٩- مستدرك الوسائل: ج ١٤ ص ٢٧٠ ب ٨١ ح ١٦٦٨٥-١٠.

- ١٦٠- الکافی: ج ٥ ص ٥٥٩ باب نوادر ... ح ١٢، ثواب الأعمال: ص ٢٦٤، المحاسن: ج ١ ص ١٠٩ ب ٤٩ ح ١٠١، وسائل الشیعة: ج ٢٠ ص ١٩٠ أبواب مقدمات التّکاح ب ١٠٤ ح ٢٥٣٩٥، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٤٠ ب ٣٤ ح ٤٦.
- ١٦١- من لا یحضره الفقیه: ج ٤ ص ١٨ ح ٤٩٦٩، وسائل الشیعة: ج ٢٠ ص ١٩٢ ب ١٠٤ ح ٢٥٣٩٩.
- ١٦٢- تهذیب الأحکام: ج ٧ ص ٤٣٥ ب ٣٩ ح ٣، وسائل الشیعة: ج ٢ ص ٨٩ ب ٣٦ ح ٢٥١٠٨.
- ١٦٣- فقه الرضا علیه السلام: ص ٢٠٥ ب ٣٠، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٢٧٥ ب ٣٢ ح ١٩، مستدرک الوسائل: ج ٧ ص ٣٥١ ب ٣٧ ح ٨٣٨٧-١.
- ١٦٤- الکافی: ج ٦ ص ٥٠٣ باب الحّمّام ... ح ٣٦، وسائل الشیعة: ج ٢ ص ٥٦ ب ٢١ ح ١٤٦٦. و الکافی: ج ٦ ص ٥٠١ ح ٢٣- سهل رفعه قال: قال أبو عبد الله علیه السلام: لَا يَدْخُلُ الرَّجُلُ مَعَ ابْنِهِ الْحَمَّامَ فَيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَتِهِ.
- ١٦٥- تحف العقول: ص ١٣، وسائل الشیعة: ج ٢ ص ٣٣ ب ٣ ح ١٣٩٩، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٦٨ ب ٣ ح ٦، مستدرک الوسائل: ج ١ ص ٣٨٠ ب ٧ ح ١٨-٣.
- ١٦٦- بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٧٥ ب ٣ ح ١٨، مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٧١ ب ٨١ ضمن حدیث ١٠-١٦٦٨٥ از لبّ اللّباب.
- ١٦٧- فقه الرضا علیه السلام: ٤، مستدرک الوسائل: ج ١ ص ٣٧٦ ب ٣ ح ٩٠٠-١.
- ١٦٨- مستدرک الوسائل: ج ١ ص ٢٤٥ ح ٤٨٩-٣.
- ١٦٩- مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٧٣ ب ٨٤ ح ١٦٦٩٥-١ از دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢٠١ ح ٧٣٧.
- ١٧٠- الکافی: ج ٥ ص ٥١٨ باب التّستّر ... ح ١، وسائل الشیعة: ج ٢٠ ص ١٨٣ ب ٩٧ ح ٢٥٣٧٦.
- ١٧١- وسائل الشیعة: ج ٢٠ ص ٢٢٠ ب ١٢٣ ح ٢٥٤٧٣ از الخصال: ص ٥٨٢ ح ١٢.
- ١٧٢- مستدرک الوسائل: ج ١٤ ص ٢٧٤ ب ٨٤ ح ١٦٦٩٨-٤ از کتاب کمال الدّین: ص ١٥١.

- ۱۷۳- مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۲۷۴ ب ۸۴ ح ۱۶۶۹۹- ۵.
- ۱۷۴- کمال الدین: ج ۱ ص ۱۵۱ ب ۶، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۴۱ ب ۲ و ص ۵۹ ب ۲.
- ۱۷۵- مستدرک الوسائل: ج ۱۴ ص ۲۷۵ ب ۸۴ ح ۱۶۷۰۰- ۶ از لبّ اللباب.
- ۱۷۶- الکافی: ج ۵ ص ۵۶۴ باب نوادر ... ح ۳۸، من لایحضره الفقیه: ج ۳ ص ۴۶۷ باب نوادر ... ح ۶۱۹ و ج ۳ ص ۵۵۵ ح ۴۹۰۳، وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۲۲۰ ب ۱۲۳ ح ۲۵۴۷۳- ۱ و ص ۲۴۸ ب ۱۴۵ ح ۲۵۵۵۳، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۲۵۴ ب ۵.
- ۱۷۷- الکافی: ج ۵ ص ۵۱۶ باب فی تأدیب النساء ... ح ۴، من لایحضره الفقیه: ج ۳ ص ۴۶۸ باب النوادر ... ح ۴۲۶، مکارم الأخلاق: ص ۲۳۱، وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۱۷۸ ب ۹۳ ح ۲۵۳۶۰، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۲۶۰ ب ۵ ح ۱۴.
- ۱۷۸- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۱۰ ح ۲۴، بحار الأنوار: ج ۸ ص ۳۰۹ ح ۷۵.
- ۱۷۹- الکافی: ج ۵ ص ۵۳۶ باب الغیة ... ح ۶، وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۲۳۵ ب ۱۳۲ ح ۲۵۵۲۰.
- ۱۸۰- المحاسن: ج ۱ ص ۱۱۵ ب ۵۴، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۱۱۵ ب ۸۴ ح ۷.
- ۱۸۱- مشکاة الأنوار: ص ۲۳۷ الفصل ۶.
- ۱۸۲- جامع الأخبار: ص ۹۳ الفصل ۵۱، عقاب الأعمال: ص ۲۸۲، أعلام الدین: ص ۴۱۲، وسائل الشیعة: ج ۲ ص ۱۹۴ ب ۱۰۴ ح ۲۵۴۱۰، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۶۱ ب ۶۷ و ج ۱۰۱ ص ۳۷ ب ۳۴ ح ۳۲، مستدرک الوسائل: ج ۱ ص ۳۷۶ ب ۳ ح ۹۰۱- ۲.
- ۱۸۳- تفسیر القمی: ج ۲ ص ۳۰۳، وسائل الشیعة: ج ۱۵ ص ۳۴۸ ب ۴۹ ح ۲۰۷۰۵، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۳۰۵ ب ۱، مستدرک الوسائل: ج ۸ ص ۲۷۵ ب ۱۷.
- ۱۸۴- الکافی: ج ۵ ص ۵۹ باب الأمر بالمعروف و ... ح ۱۴، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۷ ب ۸۰ ح ۸؛ روضة الواعظین: ج ۲ ص ۳۶۵؛ مجموعة ورام: ج ۲ ص ۱۲۴ و مشکوة الأنوار: ص ۴۹ الفصل ۱۳، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۹۱ ب ۱ ح ۸۲.

- ۱۸۵- کمال الدین: ج ۲ ص ۵۲-۵۴، باب حدیث الدّجال ...، الخرائج و الجرائع: ج ۳ ص ۱۱۳۳؛ مستدرک الوسائل: ج ۱۲ ص ۳۲۶ ب ۳۹.
- ۱۸۶- کمال الدین: ج ۱ ص ۳۳۰ ب ۳۲؛ بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۲۲ ب ۱۵.
- ۱۸۷- کمال الدین: ج ۲ ص ۵۲۵ ب ۴۷ ح ۱، الخرائج و الجرائع: ج ۳ ص ۱۱۳۳؛ منتخب الأنوار المضيئة: ص ۸۵، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۹۲ ب ۲۵ ح ۲۶، مستدرک الوسائل: ج ۱۲ ص ۳۲۶ ب ۳۹ ح ۱۴۲۱۴-۱ از کتاب مختصر البصائر.
- ۱۸۸- من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۳۹۰ ح ۴۳۷۴، مکارم الأخلاق: ص ۲۰۱، وسائل الشیعة: ج ۲۰ ص ۳۵ ب ۷ ح ۲۴۹۶۱.
- ۱۸۹- کمال الدین: ج ۱ ص ۳۳۰ ب ۳۲ ح ۱۶، إعلام الوری: ص ۴۶۳ الفصل ۳؛ كشف الغمة: ج ۲ ص ۵۳۴ الفصل ۳، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۹۱ ب ۲۵ ح ۲۴، مستدرک الوسائل: ج ۱۲ ص ۳۳۵ ب ۳۹ ح ۱۴۲۱۹-۶ و ج ۱۴ ص ۲۶۱ ب ۷۳ ح ۱۶۶۵۴-۱ و ص ۳۵۴ ب ۲۰ ح ۱۶۹۴۲-۷.
- ۱۹۰- الکافي: ج ۸ ص ۳۸، وسائل الشیعة: ج ۱۶ ص ۲۷۵ ب ۴۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۵۷ ب ۲۵.

برخی از تألیفات فارسی حضرت آیت الله شیخ حیدر تربتی کربلایی مد ظله

آداب حج و عمره، اعمال و دعاهاى مستحب

از برکه غدیر تا بی کران عاشوراء

امامت اصل اصول دین محمدی صلی الله علیه وآله

امامت و رهبریّت حضرت فاطمة الزهرا سلام الله علیها

تبری و تولی اساس توحید

ترجمه زیارات ذبیح آل محمد صلی الله علیهم العاشورائیه

حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

حج در احادیث اهل بیت علیهم السلام

ربا اعلان جنگ با الله و رسولش

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

پاک نهاد دیرین حضرت زهیر بن القین علیه السلام (دفاعیه)

پرسش و پاسخ جلد ۱ پرتوی حق (پاسخ شیعه به شبهات وارد شده از جانب وهابیان)

پرسش و پاسخ جلد ۲ (جبر و عصمت انبیاء، علم و عصمت اهل بیت علیهم السلام)

پرسش و پاسخ جلد ۳ فضل طینت نور (در عزاداری)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار حدیث شریف کساء یمانی (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار دعای صنمی قریش (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت جامعه کبیره (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت عاشوراء معروفه (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت عاشوراء ناحیه مقدسه (دفاعیه)

پژوهشی نو پیرامون حدیث شریف کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

حریم و حیا

حضرت حرّآزاد مرد شهید علیه السّلام (دفاعیه)

حلاج مرتدّی به دار آویخته (ردّ تصوّف و فلسفه)

حور و آتش (دفاع از حضرت فاطمه و خدیجه سلام الله علیهما)

در محضرفقیه معارفی جلد ۱ و ۲ و ۳ مجموعه ای نفیس از پاسخ به سوالات و شبهات معارفی،

قرآنی، فقهی، تاریخی، حدیثی، درایه و منبع شناسی

گزیده ای از فقه طه و آل یاسین علیهم صلوات الله (فقهی فتوائی؛ عبادات، معاملات و ...)

مناسک حج و عمره (فقهی فتوائی)

یکصد و ده حدیث معارفی

و ...



فقیه، حدیث شناس، محقق و مؤلف گران مایه،
آیه الله حیدر تربتی کربلانی از شمار برترین
پژوهش گران علوم دینی می باشند،

از جمله فعالیت های خطیر ایشان در گذشته و حال،
تدریس خارج فقه و خارج معارف اهل البیت
علیهم السلام، تشکیل کلاس های قرآن و عترت،
فقه و عقائد برای جوانان در مساجد، حستیه ها و
بیت ایشان، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، انجام
پژوهش های حدیثی، فقهی، عقیدتی، تفسیری،
فرقه شناسی و... بوده که اکثر اُدر راستای مبارزه با
شبهات انجام شده و هم چنان ادامه دارد....